

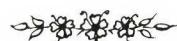
عندليب





عبدالیب

نشریه محقق روحانی ملی بهاییان کانادا و ایران فارسی



شماره سی و پنجم «مندل»
No. 35

سال هشتم
Volume IX

۱۴۷
بدیع

تابستان ۱۳۶۹ شمسی
Summer 1990

ANDALIB

7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مُسْدَرِ بحاجات

- ۱ - آثار قلم اعلى
- ۲ - الواح مباركه حضرت مولى الورى (مرحمتى دارالانشاء معهد اعلى)
- ۳ - متعددالمال دارالانشاء بيت العدل اعظم الهى
- ۴ - ترجمه تلگراف بيت العدل اعظم الهى
- ۵ - مسافرت ايادى عزيز امرالله جناب على اكبر فروتن به ممالك روسيه
- ۶ - مرقومه دارالانشاء معهد اعلى و نامه آقا سيد اسدالله قمي و واقعه اردبيل
- ۷ - تاريخ زرّين شهادت :
- یادى از شهيد مجید دکتر کامبیز صادق زاده
- ۸ - نامهای در باره جناب ذبیحیان از شهادی یزد
- ۹ - چند کلمه در باره کلمات مبارکه مکنونه
- ۱۰ - کلمات مکنونه
- ۱۱ - شعر: پيرى
- ۱۲ - ترجمه تلکس بيت العدل اعظم الهى در باره صعود مشاور محترم قارهای جناب هدایت الله احمدیه عليه رضوان الله
- ۱۳ - پيام معهد اعلى در باره تشکيل کلاس فارسي در مدرسه بهائي لوهلن
- ۱۴ - پاسخ "قسمت ششم"
- ۱۵ - شعر: نشيد نو، کشتی شکسته روی بدريا نهادهایم
- ۱۶ - مزه دارد از لقائی و اوچی
- ۱۷ - اختتام ولایت امرالله "قسمت سوم"
- ۱۸ - مدرسه بهائي نيريز و خاطرات آن
- ۱۹ - قسمت جوانان : ازدواج و تشکيل عائله
- ۲۰ - اخبار و بشارات امریه
- ۲۱ - اخبار مصور
- ۳ -
- ۲ - الواح مباركه حضرت مولى الورى
- ۶ - ۸
- ۸
- ۹ - ۲۱
- ۲۲ - ۲۵
- ۲۶ - ۲۹
- ۳۰ - ۳۲
- ۳۳ - ۳۷
- ۳۸ - ۴۳
- ۴۴
- ۴۵ - ۴۶
- ۴۷
- ۴۸ - ۵۴
- ۵۵
- ۵۶
- ۵۷ - ۶۳
- ۶۴ - ۶۵
- ۶۶ - ۶۷
- ۶۸ - ۷۰
- ۷۱ - ۷۶
- ۷۷ - ۸۰

عکسها:

روي جلد - عدهای از بهائيان مسکو. داخل جلد - عدهای از احباء در محضر حضرت مولى الورى
(فرستنده جناب ابوالقاسم افنان)

پشت جلد و داخل جلد - عکس مصدقین اخیر کلاسهاي ابتدائي و متوسطه مدرسه نور



بسم المَعْتَسِّ عن الْمُسْتَأْ

يَا مُحَمَّدَ عَبْدَكَ بَهَانِيْ امْرُورْ فِيْ صَنَاتِ حَضْرَتِ فِيْاضِ كُلَّ رَاخْطَهْ نُوْدَهْ امْوَالْ بَجْرِيَانِ اَمَام
وَجْوَهْ عَالَمْ طَاهِرْ وَهَيْدَهْ اَسْبِيلْ وَاصْحَّهْ دِلْيَلْ بَارَلْ وَحَمْتِ مَبْوَقْ وَغَمْتِ مَزْرُولْ وَلَكَنْ قَوْمْ مَجْوَبْ
وَسْتَىْ كَهْ اَزْبَرَايِ اَخْذَهْ تَابَهْ اَلَّهِ خَلْقَهْ شَهَادَهْ مَيْشُودَهْ اَمَوالْ عَبَادَهْ اَطْلَمْ بَرْسِيلْ دَهْ وَصَرْفْ
يَنْمَاءِيدَ سَمْعَهْ وَبَصَرَهْ خُودَهْ دَوْمَرْ كَوْنَدَهْ اَزْبَرَايِ اَفْضَلَهْ هَوَيِيْ سَبْحَانَهْ عَالَهْ غَيْرَ طَرِيْبَهْ كُلَّ رَايْغَنْمَشَوْلَهْ
نُوْدَهْ وَأَنْقَرْتَهْ جَقَّهْ مَحْرُومَهْ دَاشْتَهْ اَزْبَرَايِ لَهَا خَلْقَهْ شَهَادَهْ اَنَّهْ وَأَزْبَرَايِ خَدْمَتَهْ اَنْعَدَمَ بَوْجَهَهْ
اَنَّهْ وَلَكَنْ بَهَا عَدَهْهُمَهْ اَنْعَنَهْهُمَهْ غَافِلَهْ شَهَادَهْ قَلَهْ اَلَّهِ اَلَّهِ طَهَرْ عَيْونَهْ خَلْقَهْ مَنَهْ مَدَلَوَهَا مَهْ
وَنُورَهْ قَلْوَهْ بَهْسَمَهْ بَاهْنَوَرَهْ اَسْكَعَهْ اَلَّعَامَهْ اَهِيَّ رَبَّهْ عَرْفَهْ بَهْسَيْكَهْ وَيَدَهْمَهْ عَلَيْهِمَهْ بَهْ فِيْهِ بَهْسَيْكَهْ اَهِيَّ
اَنَّهْ مَقْتَدَهْ الدَّنِيِّ لَا تَخْوَفْهْ سَطْوَهْ وَلَا مَسْعَكْهْ جَهْوَهْ وَلَا تَضْعُفْهْ قَوَهْ الدِّينِ كَفْرَوَهْ بَهْ
جَاهَلَوَاهِيَّهْ بَهْ وَلَقَصَوَاهِمَهْ بَهْ وَبَنَدَوَاهِمَهْ بَهْ لَالَّهِ الَّا اَنْتَ الْقَوْمُ الْقَوْيُ الْقَادِرُ الْمَقْتَدَهْ

الغَرِيزَ لِعَطِيَّهْ .

بِحَمْدِ اللّٰهِ - جَنَابَةَ قَانُونَهُ وَاجْمَاعِ الْأَئِمَّهِ عَلِيهِمْ بَحْسَابٍ لِّا يَكُونُ
هُوَ اَنْتَ

هُوَ الْاَبْحَى

اَنْ بَدَّ كَانَ بَحْسَابٍ لِّا هُوَ اَنْ ذَاتٌ سَبَّحَ قَدْ وَسَحَّ قَوْمٌ اَزْسَرُّرِ مَلْكُوتِ وَسَدَّهُ
جَهَنَّمَ دَرِهْدَمِيٌّ مَشْوَرِيٌّ صَادِرِيٌّ فَيْرَمَادِيٌّ مَنْطَقَقَشِ اَمِيٌّ دُوْسَتَانِ دَايِيٌّ يَارَانِ دَرِزَوَيَّهُ
زَيَانِ مُحْمَودِ حَمَاسَيَّهُ مَهْوَلِ حَمَاسَيَّهُ مَهْجُولِ حَمَاسَيَّهُ رُوشَنِ گَرْدَيَّهُ گَلْکَشَنِ گَرْدَيَّهُ چَرَاغَهَيَّهُ
اَخْجَنِ شَوَّيَّهُ زَيْنَتِ گَلْزَارِ چَمَنِ گَرْدَيَّهُ اَنْوَارِ تَوْحِيدِ شَوَّيَّهُ آَيَاتِ تَجْهِيرِ شَوَّيَّهُ
دَرِ توْسِعِ دَيْرَهُ هَتَّا رَبْكُوْشِيَّهُ وَدَرِ تَرْفِعِ درَجَاتِ دَاعِمَالِ صَاحَاتِ سَعِيِّ بَلْعَمِ نَهَاسَيَّهُ
وَدَرِ اَعْدَادِ رَأْيَتِ مَحْبَّتِ لَهُمْتِ نَهَاسَيَّهُ وَدَرِ شَرِائِعِ قَمِيسِ مَعْرَفَتِ لَهُمْ كَحَالِ قَدْرَتِ

بَهَاسَيَّهُ وَدَرِ حَنْقَنِ بَالْخَلَاقِ لَهُمْ وَاجْهَاءِ وَصِيَّتِ لَهُمْ وَدَرِ شَعَالِ

بَهَاسَيَّهُ وَدَرِ تَجْهِيَّاتِ لَهُمْ شَبِّ وَرُوزَبَكُوْشِيَّهُ

وَالْبَهَاءِ عَلَيْكُمْ عَعَع

هوا لابحي

ت - جانب مير علی صغر اسکونی عيده بجه آرمه الابھی ملاحظه نہیں

هوا لابھی

اے ثمرہ شجرہ محبت محبوب آفاق چندی قبل مکوئی ارسال شد و مکتب ثانی میر الیوم ارسال مشود
و کل احیان دلقوب این شماقان اجتایی رحمن مکور بوده ہوستند روزی گندز و گمراہ کے بیاد
دوستان آئی چون بحر موایم و شبی نیا گمراہ کے بازار محبت جبیمان معنوی چون صحیح روشن
بهاجم ارتیایدت حضرت رحمن امید و یم که نفوی مبعوث فرماید کہ ذکر شان سرور دلمار کرد و چون
کوکب نورانی از افق عالم طالع و لاح شود و یادشان بشاره جانها گردد عوالم ملکوت قلوب بازار فاضنه
منور شود منشیاً للملحصین من ہذا الفضل العظیم اجتایی آئی رائیسر بر سانید و گبویید ای اجتایی رحمن
چرا فسردہ یہ و پر مردہ حمد خدا کہ فیوضات ملکوت ابھی چون غیث ناطل نازل و انوار جبر و علی چون
اشعه آفتاب طاہر و باہر در بحر میشد مستغیر قید و از حشمہ حیات مرزوق چرا فسردہ یہ و ناطل عنایت
سلطان احمد تیڈ و در شاطئی دریا ی موهبت حضرت رب احیت و حبیت حب آئی خالیہ و دریل
رضای رحمانی سالک توجہ بافق ابھی کسید و ناطل ملکوت اعلیٰ شود اچھے متنہی
آرزوی موحدین است میسر گردد و اچھے عظم موهبت العالمین

است محسّل آید والروح و لبھ آعیمکم ع

مُحَمَّدِ الْمَالِ دَارِ الْأَنْشَاءِ بَيْتُ الْعِدْلِ عَطْنَمُ الْأَبِي

در باره سال مقدس ۱۹۹۲-۹۳

خطاب به نعمت محافل روحانیه علمیه مورخ جون ۱۹۹۰

نظر پاینکه در مرکز جهانی بهائی وسائل پذیرائی از جمیع دوستانی که مشتاق حضور در ایر مراسم هستند فراهم نیست بیت العدل اعظم مقرر فرموده‌اند که علاوه بر فارسان امر حضرت بهاء‌الله حضور سایر دوستان بر اساس سهمیه بنده ذیل ترتیب داده شود: ممالکی که دارای محفل روحانی ملی هستند از هر مملکت ۱۹ نفر و کشورهایی که هنوز محفل روحانی ملی ندارند از هر کشور ۹ نفر بنحوی که بیت العدل اعظم تعیین خواهد فرمود در این مراسم شرکت خواهد نمود. بنابراین از هریک از محافل روحانی ملی تقاضا می‌شود اقدامات ذیل را معمول دارند:

ترتیب منصفانه ای اتخاذ فرمایند که برای تأمین منظور معهد اعلی نوزده نفری که انتخاب می‌گردند نمایندگان حد اکثر اقوام بومی و نژادی موجود در منطقه باشند.

اسامی نفوسي را که انتخاب می‌شوند حد اکثر تا قبل از ۲۰ جون ۱۹۹۱ به مرکز جهانی بهائی ارسال فرمایند.

یارانی که در این مراسم شرکت مینمایند باید ترتیبی اتخاذ فرمایند که بیش از چهارشنبه در منطقه عکا و حیفا باقی نمانند و قبل از غروب روز پنجم این منطقه را ترک نمایند دوستان عزیز البته میتوانند قبل یا بعد از اقامت در منطقه عکا و حیفا به مدت حد اکثر ده روز برای بازدید از سایر نقاط اسرائیل در این کشور

یاران عزیز الهی

بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۹۰ اقدامات و مراسم اصلی را که قرار است منظور تجلیل سال مقدس از ۲۱ آپریل ۱۹۹۲ آغاز و در ۲۰ آپریل ۱۹۹۳ پایان پذیرد شرح داده اند و حال مقرر داشته اند اطلاعات ذیل را در باره نحوه اجرای اقدامات مزبور باستحضار یاران برسانیم:

یکصدمین سالگرد صعود حضرت بهاء‌الله مراسم تکریم سال مقدس در ارض اقدس در ایام ۲۸ و ۲۹ ماه می ۱۹۹۲ بنحو ذیل برگزار می‌گردد: ۱ - صبح روز پنج شنبه ۲۸ می خزانه محتوى لوحه ذهبي افتخار که در آن اسامى فارسان امر حضرت بهاء‌الله مندرج گشته طى مراسمى مخصوص در مدخل روضه مبارکه استقرار خواهد یافت.

۲ - در لیله مابین ۲۸ و ۲۹ ماه می تلاوت دعا و مناجات و سایر برنامه های مربوطه در قرب مقام مقدس حضرت بهاء‌الله در تخلید و تکریم یکصدمین سالگرد لیله صعود مجری خواهد شد.

۳ - حاضرین در این مراسم بعد از ظهر جمعه ۲۹ ماه می از دامنه کوه کرمل به طرف مقام مقدس اعلی حرکت نموده و پس از طواف آن مقام منیع و بازدید از قوس جبل کرمل. شمايل مبارک حضرت بهاء‌الله را در مقر دارالتشريع زیارت خواهند نمود.

محافل روحانیه ملیّه و سایر مؤسّسات و مراجع برای اجرای وظائفی که بر عهده دارند مخابرہ و مکاتبه نمایند. از محافل روحانی ملیّ تقاضا میشود تا آنجا که ممکن است با دفاتر مربور مساعدت و همکاری نمایند.

مسافرت و محل اقامت : با کسب اجازه و اختیار از ساحت بیت العدل اعظم، محفل روحانی ملیّ بهائیان آمریکا با آژانس مسافرتی مخصوصی قرار گذاشته اند تا کلیه امور مربوط به مسافرت و اقامت در هتل ها را برای شرکت کنندگان در کنگره پر عهده بگیرد و این اقدامات را با کمترین هزینه ممکن از طریق اخذ تخفیفهای مخصوص دسته جمعی ترتیب دهد. لطفاً تأمل بفرمائید و از راهنمایی‌های دفتر پشتیبانی در باره ترتیب دادن سفر واقامت در هتل ها استفاده نمایید. از محافل روحانی ملیّ تقاضا میشود از دوستان عزیز در جامعه خود خواهش کنند که با هتل های منطقه نیویورک چه بصورت افرادی و چه بصورت گروهی تماس نگیرند زیرا چنین اقداماتی مذاکرات بسیار حساس برای اخذ ارزانترین نرخ ممکن برای کلیه شرکت کنندگان را به مخاطره میاندازد.

ثبت نام :

دفتر ثبت نام برای شرکت در کنگره از آپریل ۱۹۹۱ آغاز به کار میکند و پس از انقضای یک سال در آپریل ۱۹۹۲ تعطیل میشود. امید است که بتوان سی و دو هزار نفر را در کنگره شرکت داد. برای کمک به مرکز جهانی بهائی برای تخمین تعداد شرکت کنندگان تعدادی از محافل روحانی ملیّ قبلًا فهرست هائی از اسامی یارانی که قصد شرکت در کنگره را دارند ارسال داشته اند. ولیکن وقتی که دفتر ثبت نام آغاز به کار میکند تمام کسانی که مایلند در کنگره شرکت نمایند بدون استثناء باید حتیاً اوراق ثبت نام را تکمیل و به دفتر

باقي بمانند. اطلاعات بیشتری در باره هتل ها و سایر امکانات موجود برای مسافرت و اقامت بعداً به اطلاعات خواهد رسید.

کنگره جهانی بهائی

این کنگره به مناسبت یکصدمین سالگرد آغاز عهد و میثاق حضرت بهاءالله در مرکز اجتماعات Jacob K. Javits Convention Centre "جاكوب جاويتس سنتر" در نیویورک منعقد خواهد شد. برنامه اصلی کنگره از روز دوشنبه ۲۲ نوامبر ۱۹۹۲ آغاز و تا روز پنجشنبه ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲ ادامه خواهد یافت. اما به منظور آشنا ساختن شرکت کنندگان با محل و نحوه مشارکت در کنگره برنامه های مقدماتی از روز شنبه ۲۱ نوامبر شروع خواهد گردید. به دوستان گرامی توصیه می گردد که در این برنامه های مقدماتی نیز شرکت نمایند.

ارقباطات :

بیت العدل اعظم دو دفتر مخصوص برای اداره امور کنگره تعیین نموده اند که عبارتند از :

۱ - لجنه تهیه برنامه کنگره جهانی بهائی مسئول تهیه و اجرای برنامه های خواهد بود که مورد تصویب معهد اعلی قرار خواهد گرفت. دفتر این لجنه در محل دفتر جامعه بین المللی بهائی در نیویورک قرار دارد.

۲ - دفتر عملیات پشتیبانی برای کنگره جهانی بهائی که مسئول ترتیبات سائره از قبیل مسافرت، هتل و محل اقامت، تسهیلات لازم برای کنگره و ثبت نام شرکت کنندگان خواهد بود. این دفتر در حظیره القدس ملیّ بهائیان آمریکا در ویلمت در ایالت ایلینویز مستقر شده است.

به این دو دفتر اختیار داده شده است تا با

ترجمه ملکراف بیت العدل عظیم خطاب به عموم
محافل روحانی می مورخ ۱۹ جون ۱۹۹۰

با کمال سرور اتمام مرمت جناح شمالی بیت العدل الله پاشا در عکا را اعلام می نمائیم. زائرین حاضر در ارض اقدس اولین گروهی هستند که روز هفدهم ماه جون علاوه بر زیارت سایر قسمتهای این بیت مبارک به زیارت جناح شمالی آن نیز توفیق یافتند. جناح مذکور شامل قلاری است که حضرت عبدالبهاء ضیافت و سایر مجالس را در آن منعقد می ساختند و همچنین شامل اطاقی است که محل اقامت حضرت ولی امر الله در دوران صباوت پوده است. اثاث و تزیینات این دو اطاق را حضرت امة الپهاء روحیه خانم به نحوی شایسته ترتیب داده اند.

این رویداد مسرت انگیز با عقد قرار داد مربوط به توسعه ساختمان طبقه اصلی از طبقات مقام اعلی مقارن بود. قرار است نخستین مرحله بنای طبقات که مخارج آن بالغ بر ۵۵ هزار دلار خواهد شد، ظرف چهار ماه پایان پذیرد.

بیت العدل اعظم

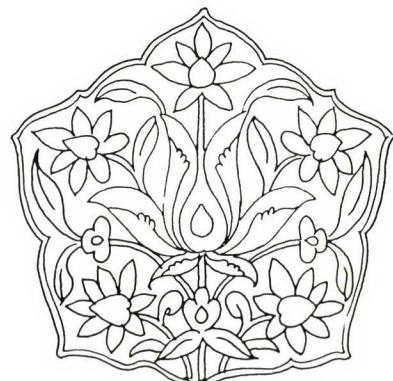
پشتیبانی تسلیم دارند تا محل آنها در کنگره محفوظ بماند.

حضور در کنگره

لطفاً توجه فرمائید که همسران غیر بهائی احبا میتوانند در کنگره شرکت نمایند اما در مورد اطفال فقط نوئالانی که دوازده سال تمام یا بیشتر دارند میتوانند در کنگره شرکت کنند زیرا در ایامیکه کنگره منعقد میگردد امکانات لازم برای نگاهداری از کودکان کمتر از دوازده سال در شهر نیویورک موجود نیست.

توجه دقیق دوستان به این نکات و مطالب و اطلاعات دیگری که بتدریج از طرف مرکز جهانی و دفتر پشتیبانی و لجنه تهیه برنامه منتشر خواهد شد موقیت برگزاری مراسم سال مقدس را تضمین خواهد کرد و سبب توفیق و حصول تجربه شایسته و غنی برای جامعه جهانی بهائی خواهد گردید. بیت العدل اعظم اطمینان میدهدند که برای جلب هدایت و تائیدات و امدادات جمال اقدس ایهی جهت آن یاران عزیز صمیمانه دعا خواهند نمود.

با تحييات محبت آمیز بهائی
دارالانشاء بیت العدل اعظم



سافرت ایادی عزیر امیر الله جناب علی کهر فروتن

به ممالک روسیه

مقدمه

مبین میدانستم که معاودت بندہ به ممالک روسیه باراده محتومه الهیه در آقیه تحقق خواهد یافت سی سال در کشور منور ایران و مت加وز از سی سنه در ارض مقدس بمعطالعه کتب مختلفه از علمی و ادبی بزبان روسی و استماع اخبار از مراکز اذاعه به این زبان ادامه دادم.

پس از شصت سال انتظار در ماه فوریه ۱۹۹۰ اراده بیت العدل اعظم بحرکت بندہ بصوب روسیه تعلق گرفت و بر حسب دستور آن مقام ملهم بنحوی معجز آسا موجبات تحصیل ویزا فراهم گردید و این عبد هفتم ماه مارس به مردمی دخترم ایران خانم مهاجر از ارض اقدس به اطربیش حرکت و در شهر وین در جلسه مشترک محفل ملی و لجنه تبلیغ اروپای شرقی شرکت نمود و فردای آن روز با سیزده نفر جوان تازه ایمان چند کشور از اروپای شرقی که مخصوص ملاقات این عبد و احباب به وین آمده بودند مذاکرات مفصله امری بمیان آمد و از حسن اتفاق دختر خانمی جوان از اهالی چک و اسلواک که همراه آنان بود به امر مبارک ایمان آورد و از قرار مسموع در مراجعت به وطن مألف مادرش را نیز هدایت کرد.

حرکت بصوب اتحاد جماهیر شوروی
عشق آباد

روز ۱۶ مارس ۱۹۹۰ بندہ بمحض این دخترم

عائله ما در سال ۱۹۱۴ میلادی از سیزوار خراسان به عشق آباد هجرت نمود و نگارنده در آن مدینه دوازده سال اقامت گزید و پس از خروج از دبیرستان عازم عاصمه مملکت گردید و در سنه ۱۹۳۰ از دانشگاه مسکو در رشته تعلیم و تربیت و روانشناسی باخذ گواهینامه موفق شد و نظر بعضیت در محفل روحانی و سفرهای تبلیغی بر حسب مقتضیات آن زمان به ایران تبعید گشت و چون بتقادی محفل روحانی عشق آباد عریضه ئی حاوی اوضاع و احوال احباب بساحت اقدس تقدیم شد در توقع منیعی که در جواب آن عریضه صادر شده بخط مبارک خطاب باین عبد چنین میفرمایند:

قوله الاحلى :

"یار معنوی از مشاکل حالیه ملوو و افسرده مکردهید... آنچه باقی و پاینده است تأسیسات یاران آنسامان است. صبر و تحمل لازم آنه موید الضعفاء بشدید القوى و ناصر الاودا بملائكة قدسه من ملکوته الابهی حال عجاله در خطه ایران بخدمات امریه مشغول گردید امیدوارم در مستقبل ایام در ممالک روسیه قیز بخدمات باهره جلیله مفتخر شوید. بندۀ آستانش شوقی :

پس از زیارت بیان مبارک همواره مترصد فرارسیدن چنان روز فیروزی بودم و چون بیقین

نقاطی که تعداد احباب هنوز بحد نصاب تشکیل محفل روحانی نرسیده ۱۱۱۹۱ و آثار امری به ۸۰۲ زبان ترجمه شده است و در اینخصوص از مندرجات انسیکلوپدی بریتانیکا که امر بهائی را من حيث الانتشار بعد از مسیحیت در مقام ثانی قرار داده استفاده میکردیم و در جمع احباء در تمام مراکز امری راجع به مقام بیت العدل اعظم و معهد اعلی و تأسیسات مرکز جهانی بتفصیل سخن میراندیم و در باره مشارق اذکار که تا کنون در دنیای بهائی بوجود آمده غالباً با ارائه تصاویر آن معابد عظیمه توضیحات کافیه میدادیم و در نقاطی که احباب بکلی از اوضاع دنیای بهائی بی اطلاع بودند راجع به الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و مقام مقدس حضرت ولی امرالله و موسسه ایادی و نظمات بهائی نیز مطالب لازمه را شرح و بیان میکردیم. اما احباء عزیز عشق آباد که سالخوردگانشان همه ستمدیده و سالیان دراز در نقاط بعیده بحال تبعید با اعمال شاقه زیسته چنان روحانیت و محبت قلبی خود را با مر مبارک حفظ نموده و تا آنجا که مقدورشان بوده فرزندان خود را بهائی بار آورده اند که واقعاً سزاوار همه گونه تحسین و تمجیدند ولکن بر اثر هفتاد سال دوری و مهجوری و بیخبری از اوضاع امری و نداشتن کتب و آثار بهائی که در موقع حبس و تبعید مصادره و ضبط شده حال احتیاج شدید به ازدیاد معلومات امری حاصل نموده اند و نکته قابل توجه آنکه محاوره و مکالمه راجع به مطالب مهمه على الخصوص با جوانان باید به زبان روسی باشد زیرا زبان مادری فراموش شده و اگر بعضی بیاد داشته باشند مطالب ساده و عامیانه است. با قدمما که صحبت میشود، یا خانمی است که شوهرش را در تبعیدگاه بخاک سپرده و یا مردی است که همسرش را در دیار غربت از دست داده است. در یکی از جلسات جوانان خانمی جوان از نژاد ترکمان که مرقب در احتفالات شرکت میورزید ایمان خود را پامر

ایران خانم مهاجر همسر ایادی عزیز امرالله جناب دکتر مهاجر که نام هر دو در لوحة افتخار حاوی اسماء فاتحین مثبت و جناب دکتر فرامرز اتحادیه عضو هیئت معاونت اروپا که با تصویب دیوان عدل اعظم الهی در این سفر این عبد از ذرہ کمتر را همراهی مینمودند از وین با هوایپیمای آئروفلوت یقصد مسکو حرکت نمودیم و در فرودگاه آنمدینه با آنکه هوا سرد و برف بر زمین نشسته بود چهار نفر از احباء عزیز باستقبال آمده بودند. همان روز اول ورود چند نفر از یاران ما را به شام میهمان کردند و ساعتی پر از وجد و نشاط با آن بندگان مخلص رب الآیات البینات گذشت و روز و شب ثانی نیز بملقات و ملاقات با دوستان حضرت یزدان سپری گشت.

روز ۱۸ مارس از مسکو بسوی مدینه عشق پرواز کردیم. در فرودگاه چند نفر از اعضاء محفل روحانی و بعضی از دوستان آنسامان بكمال محبت ما را استقبال کردند و از همان یوم ورود فعالیت امری ما آغاز شد. تعداد احباء ذیرأی در وقت حاضر هفتاد و دو (۷۲) نفر است و ما در ظرف پانزده روز بیست و پنج جلسه با احباب داشتیم و مذاکرات حصر در مسائل لازمه و ازدیاد معلومات امری و شرح اوضاع کنونی جامعه بهائی بویژه مرکز جهانی بود. چهار جلسه اختصاص به جوانان داشت که در هر جلسه عده می‌غیر بهائی نیز شرکت داشتند و در چهار جلسه با محفل روحانی ملاقات و راجع به نظم بدیع و تکالیف محافل محلی مذاکره و به سوالاتشان از روی نصوص مبارکه جواب داده میشد. ما در عشق آباد و سائر نقاط چه در جمع احباب و چه برای نفووس غیر بهائی حتی در مجتمع و معاهد علمی و رادیو و تلویزیون احصائیه امری سال ۱۹۸۹ را باستحضار شنوندگان میرساندیم که تا سال مذکور تعداد محافل ملی ۱۵۱ و محافل محلی ۱۸۲۷۴ و عدد

از حواریون حضرت یهاء الله محسوبند و جناب سید مهدی گلپایگانی همشیره زاده حضرت ابوالفضل و مواردی دیگر سالم مانده و ما افتخار زیارت آن مقابر را حاصل نموده و برای جمیع متصاعدین الى الله دعا و مناجات تلاوت کردیم.

خوانندگان عزیز واقفند که ایادی امرالله جناب نبیل اکبر در بخارا صعود نموده و در همان محل مدفون بوده اند و بنا به دستور حضرت مولی الوری هر سال ۹ نفر از معارف احباء عشق آباد بالوکاله از حضرتشان به زیارت مقبره ایشان فائز میشده اند و بعد امروز مبارک با منتقال رمس ایشان از بخارا به عشق آباد شفاهاً به جناب شیخ محمد علی شرفصور یافته و در گلستان جاوید آنمدینه مدفون گشته است. واقعه ؓی که ذکرش واقعاً لازم است این است که ما ویزای عزیمت به شهر دوشنبه عاصمه قاجاریستان داشتیم ولی نظر بجواهث غیر مترقبه اجازه سفر ما را با آمدینه باطل کردند و این خبر به احباء آن محل رسیده بود لهذا سه نفر از دوستان دوشنبه دو نفر ایرانی و دیگری دکتر خانمی روسی برای ملاقات ما به عشق آباد آمده بودند و علت عدم مسافرت ما را به دوشنبه جویا شدند پس از اطلاع حاضر شدند که در محل با آشنائی و حسن صیتی که دارند وسائل تجدید ویزای ما را فراهم نمایند خوشبختانه با تائیدات آسمانی و مساعی چمیله آن یاران رحمانی اجازه مجدد مسافرت ما به دوشنبه صادر شد و بشرحی که خواهد آمد از موهبت ملاقات احباء عزیز پرخوردار شدیم.

تاشکند

از عشق آباد روز ۲۳ مارس پهمراهی رئیس محفل روحانی عشق آباد بسوی عاصمه ازبکستان یعنی شهر تاشکند که در گذشته مرکز مهم امری

قدس ایهی اظهار داشت و شوهرش که بی دین و بخدا اعتقاد نداشت ابتدا با او مخالفت میکرد ولی آن خانم پای استقامت فشد و شوهر که سادگی و روحانیت و بی آلایشی معاقل احبا را ملاحظه نمود دست از مخاصمت کشید و همسر بهائی خود را بحال خویش گذاشت.

در جشن نوروز که با حضور جمع کثیری از احبا در منزل رئیس محفل روحانی منعقد بود معاون رویی فزاد وزیر ادیان ترکمنستان بر حسب دعوت محفل روحانی در این جلسه شرکت نمود و از طرز اداره جلسات بهائی که با تلاوت دعا و مناجات و آثار امری فقط با چای و شیرینی بدون هیچگونه مشروبات الکلی و در عین حال با سرور و نشاط موفر برگزار میشود فوق الحد راضی و خشنود بود و نطق کوتاهی نیز برای ادای تشکر ایراد نمود.

یک روز بندۀ پهمراهی دو نفر اعضاء محفل روحانی با وزیر ادیان ترکمنستان ملاقات نمودم و ایشان با آنکه بخوبی از تعالیم بهائی آگاه بودند معدّلک با بندۀ که از مرکز جهانی آمده بودم از اوضاع عمومی امر مبارک در عالم بخصوص ارض اقدس اطلاعات کافیه میخواستند و مکرر میکهشند که انشاء الله تأسیسات دیانتی بهائی متدرجاً بر زیبائی و رونق پایتخت ما خواهد افزود.

ما بگلستان جاوید عشق آباد که حال متروک است رفیم و چون زلزله سال ۱۹۴۸ شهر را بکلی ویران نموده و جمع کثیری از اهالی منجمله احباء الهی از این حادثه مولمه جان بدر نبرده و عشق آباد فی الحقيقة از نو بنا شده بسیاری از مقابر بالمره از بین رفته و با خاک یکسان شده است خوشبختانه آرامگاه جناب حاج محمد رضای شهید و مقابر جناب نبیل اکبر و دامادشان جناب آقا شیخ محمد علی که هر دو

عائله که در جوانی بسیار فعال و معلم جغرافیا در مدارس دولتی بوده و حال بسن کهولت رسیده متدرجاً خاندانی بوجود آورده که در وقت حاضر اکثریت بهائیان آنمدینه را تشکیل داده اند. شاگردان آن مرد مومن و مخلص او را مثل پدر دوست دارند و همه میدانند که بهائی است و الحمدلله محفل روحانی دوشنیه با حضور جانب هوشک پژشکیان نماینده محفل ملی همان روز اول عید اعظم رضوان که ما از دوشنیه حرکت کرده بودیم تشکیل یافته و چند نفر از افراد همین عائله عضو محفل شده اند. فرزند ارشد این خانواده خانمی داشتمند و استاد دانشکده فیزیک است و به سه زبان فارسی، روسی و اوزبکی تدریس مینماید. ایشان موجبات حضور بندۀ را در دانشگاه و ایراد خطابه‌ی به زبان فارسی که لسان عمومی تاجیکستان است فراهم نمودند. وقتی بندۀ در موعد معین بهراهی رئیس دانشگاه و یکی از استادان و خانم معزی‌الیها وارد طالار سخنرانی شدیم چهار صد نفر محصل از دختر و پسر بهای خاسته و با کف زدن شدید ما را استقبال کردند. موضوع خطابه بندۀ لزوم ترک تعصبات و تقالید موروثه و وحدت عالم انسان بود که فوق الحد مورد توجه قرار گرفت و چند بار با کف زدن اظهار مسرّت مینمودند و در پایان خطابه دسته گلی از قبل دانشجویان به بندۀ اهداء شد. هرچند نظر باوضاع حاضره در آنمدینه تصريح باسم بهائی صلاح و مقتضی نبود ولی چون معروف بندۀ بهائی بود بالطبع مرا نیز همکیش او میدانستند. در خاقمه جلسه استادان دانشگاه نیز از سخنرانی بندۀ تقدير فراوان نمودند.

سمرقند

سی ام مارس وارد سمرقند شدیم. سمرقند از شهرهای مهم جمهوری ازبکستان است و اماکن تاریخی آنمدینه مانند مدرسه و رصدخانه‌ی الغ

و دارای محفل روحانی و جامعه بهائی بود با هواپیما عزیمت نمودیم و چهار روز در آنمدینه توقف کردیم و با دو عائله که مادر بهائی و اولاد و احفاد و نزدیکانشان از امر بی اطلاعند در منازلشان ملاقات و مطالب لازمه را بتفصیل بیان کردیم و چند کتاب بزبان روسی بایشان دادیم که بكمال سرور پذیرفتند و از بیخبری خود از امر مبارک و دنیای بهائی بر اثر حوادث مولمه گذشته متأسف و متأثر بودند. این ملاقاتها بسیار مؤثر بود و انشاء الله بتائیدات الهی و تأثیر دعاها متوالی امر مبارک مجدداً در آنمدینه منتشر و موجبات تشکیل محفل روحانی فراهم خواهد گشت.

چون ما ایام عید سعید نوروز در آن مدینه بودیم با نهایت حیرت ملاحظه نمودیم کتبیه‌های زیبا بزبان روسی و ازبکی در معاهد و موسسات دولتی و پارکها و وسائل نقلیه مبنی بر تبریک عید نوروز منصوب بود و برای اولین بار در جمهوری ازبکستان روز اول نوروز بعنوان عید رسمی و تعطیل عمومی اعلام فرموده اند و افراد آن دو عائله گفتیم که جمال مبارک یکصد سال قبل نوروز را عید صیام اعلام فرموده اند و الحال در یکصد و پنجاه مملکت و بیش از یکصد و یازده هزار نقطه بهائیان جهان نوروز را عید میگیرند.

دوشنیه عاصمه تاجیکستان

۲۷ مارس وارد دوشنیه شدیم و سه روز در آن شهر ماندیم و هفت جلسه با سی نفر بهائی ذی رأی و قریب چهل نفر نوجوان و کودکان و جمعی از مبتدیان و متحربان حقیقت که اکثرشان قریب الیمان بودند ملاقات و اصول و مبادی روحانی و اداری و تاریخ امر مبارک را مشروحاً بیان مینمودیم یک عائله از احباء عشق آباد سالها قبل به دوشنیه مهاجرت نموده و رئیس آن

احبّاء که فی الحقیقہ همه از بستکان ایشاند با دوستان الهی بكمال روح و ریحان ملاقات کردیم و از اینکه اغلب آنان مناجات‌های متعدد از جمال اقدس ابھی و حضرت عبدالبهاء تلاوت مینمودند چنان مسرور بودیم که وصف آن امکان پذیر نیست.

یکی از قدماًی امر که فی الحقیقہ مریٰ سائر احباب بوده و هست و اکنون بیش از هشتاد سال از عمرش گذشته ۹ سال و ۱۹ روز در

بیک و مقبرهٔ تیمور و نظائر آن شهرت جهانی یافته و جاذب سیاحان خارجی است.

جناب ابوالفضل گلپایگانی مدّتی در سمرقند مقیم و به تبلیغ امرالله مشغول بوده اند و علاماً و فضل‌الله اسلام‌مقدم و مقام ایشان را پس گرامی میداشته اند. نخستین مومن آئمده نفس محترمی از بزرگزادگان افغانستان بنام دکتر عطاء‌الله خان بوده که الحال اعقاب و احفاد ایشان از بهائیان مستقیم و مخلص سمرقندی و اولاد خویش را بهائی بار آورده اند.



احبّی سمرقند کلّ خانواده آقی مخبر بستند که ۹ سال و ۱۹ روز ورزمان بوده است

تبعد گاه با اعمال شاقه گذرانده است. یکی دیگر از معاريف احباب که ما احفاد و بازماندگان ایشان را ملاقات نمودیم جناب تمھید از ادب و فضلی بنام بوده که بر اثر بهائی بودن متجاوز از بیست سال در حبس و نفی بسی بوده و آرامگاهش در سمرقند است. ما

ما در این شهر تاریخی که در گذشته ایام دارای جمیعت بهائی و محفل روحانی بوده و حال بر اثر قضیقات سابقه و تبعید قدماء و حبس و نفی آنان بیش از ۲۳ نفر بهائی بزرگ‌سال و قریب ۳۵ نفر خردسال باقی نمانده دو روز توقف نمودیم و در منزل رئیس عائله بزرگی از

با شنیدن این اخبار بُهت و حیرتی به مستمعین دست میداد که بیانش مشکل است برخی از شدت شوق میگریستند و بعضی استدعای بذل توجه به اوضاع امری آن نقطه مینمودند و از محرومیت ممتد خویش از مواهب روحانی متالم و متأثر بودند. خوشبختانه محفل روحانی عشق آباد تقویت جامعه بهائی مرو را جزء وظائف اولیه خویش قرار داده و امید وطید چنان است که موجبات تأسیس محفل روحانی در آنمدینه فراهم گردد.

در مرو خانواده ئی را ملاقات کردیم که شوهر غیر بهائی ولی بسیار محب و همسرش بهائیزاده و مومن و مخلص است و دخترشان طبیب بیمارستان دولتی است ولی اطلاعات کافی از امرالله ندارد و خویش را قلبًا بهائی میداند او تقاضای آثار مبارکه به زبان روسی مینمود تا معلومات خود را کامل نماید. ما آنچه همراه داشتیم تسلیمش کردیم.

مسکو

مسکو که عاصمه اتحاد جماهیر شوروی و اکنون بیش از ده میلیون جمعیت دارد واقعًا شهر عظیم و تاریخی است و تا سال ۱۹۳۰ میلادی دارای محفل روحانی و جمعیت بهائی بوده است. ما ۱۳ آوریل وارد مسکو شدیم و سیزده روز در آن مدینه توقف نموده و در سه جلسه با احباب الهی که سی و پنج نفر بزرگسال و چند نفر نوجوان و کودکانند و عده‌ئی از محبین و متحرّیان قریب الایمان ملاقات و راجع به موضوع متنوعه امری مذاکره و تعالیم مبارکه را بالاخص برای طالبان حقیقت شرح و بیان مینمودیم. در یکی از این جلسات مشترک یازده نفر آموزگار السنه خارجه و در جلسه دیگر ۲۳ نفر از دانشمندان و استادان علوم مختلف حاضر بودند و چون از اصول و مبادی روحانی و اداری امر

یکروز به قبرستان عمومی شهر برای زیارت مرقد عطاالله خان و مزار جناب تمہید و جناب ملا علی بجستانی رفیم و بتلاوت دعا و مناجات برای ترویج روح آن متصاعدین الى الله و خادمان مخلص شریعة الله پرداختیم. جناب ملاعلی بجستانی سالیان دراز در خراسان به تبلیغ امرالله مألف بوده و از معاندین و مبغضین رنج فراوان برد و بالمال به عشق آباد مهاجرت فرموده و پس از چند سال اقامت در مدینه عشق به سمرقند نقل مکان نموده و در سن هفتاد پس از پنجاه سال خدمت به آستان مبارک وفات یافته است. در ظرف دو روز در دو جلسه تا آنجا که مقدور بود احبابی عزیز را با اوضاع کنونی دنیای بهائی آشنا کردیم و معلومات لازمه را بنحوی که سابقًا تحریر یافت باستحضارشان رساندیم. جناب هوشنگ پژشکیان نیز احباء عزیز سمرقند را ملاقات نموده و الحال که بنده بتحریر این سطور مشغولم جناب پژشکیان جزو زائرین ارض اقدسند و خبر مسرت آور تأسیس محفل روحانی در آنمدینه با حضور رئیس محفل روحانی عشق آباد رسیده است.

مرو (ماری)

مرو یا بلجه ترکمانی ماری از بلاد مهمه ترکمنستان است و سابقًا دارای محفل روحانی و مدرسه بهائی و جامعه وسیع امری بوده و پر اثر تضییقات و حوادث مولمه گذشته همگی سرگون بلاد و متفرق و پریشان شده اند و حال دارای ۲۶ نفر بهائی بزرگسال و در حدود چهل نفر کودک و نوجوان است. ما چهارم آوریل به مرو وارد شدیم و در ظرف سه روز چهار جلسه داشتیم که علاوه بر احباب جمعی از نفوس غیر بهائی نیز حاضر بودند و ما یاران آنسامان را با اوضاع و احوال کنونی دنیای بهائی و مرکز جهانی و عظمت امرالله در سراسر کره ارض آشنا و احصائیه محافل و مراکز امری را بیان نمودیم.

به آئین الهی جذب نمیکنند و امروز حضرت بهاءالله کلید حل این معما را بما داده اند و ما با چشم باز باین مسئله ناظریم. خلاصه آنچه لازم بود بیان شد و در خاتمه جلسه رئیس و همه حاضران پیا خاستند و آنقدر کف زدند و اظهار مسرت نمودند که بنده چند بار استدعای جلوس و اظهار خلوص نمودم. خانمی که در صف اول جالس بود ورقه ئی به بنده داد که حاوی شماره های تلفن منزل و اداره اش بود و تقاضای تجدید دیدار مینمود بنده رساله "بهائیزم" را که همراه داشتم با آن خانم دادم و گفتم که بعد بوسیله تلفن با ایشان تماس خواهم گرفت. وقتی این یادداشت را به اعضاء لجنه دادم بعده سرور شدند که بوصفت نیاید گفتند که این خانم مدیره مجله شهره "دین و علم" است که در سراسر جماهیر شوروی رائج است و ما چندی است که مقاله ئی راجع پامر مبارک تهیه نموده و متعدد ملاقات با ایشان بودیم که شاید مقاله را در مجله درج نماید و سبب شهرت واسعه تعالیم مبارکه گردد خوشبختانه حال خود عنوان و شماره تلفنش را داده و مشتاق ملاقات ثانوی شده است و چون ما عازم لینین گراد بودیم معلوم شد که قرار ملاقات با آن خانم برای نهم ماه می اتخاذ شده که رسماً پس از تشکیل محفل روحانی ایشان را دعوت کنند و راجع به درج مقاله صحبت نمایند انشاءالله با موفقیت قرین خواهد بود.

از وقایع مهمه دیگر که در عاصمه مملکت سمت وقوع یافت یکی مصاحبه با تلویزیون مسکو بود که نیمساعت مستقیماً راجع به تاریخ و تعالیم امر مبارک مشروحأً صحبت شد و در خاتمه چند دقیقه از سابقه بنده در کشور روسیه مذاکراتی بیان آمد و دیگری ملاقات با دو نفر از اعضاء آکادمی علوم اجتماعی در مقرب دارالعلم مسکو بود که معلومات مفصله از امر بهائی و اوضاع کنونی آئین الهی با ارائه احصائیه دقیق

مبارک اطلاع میافتدند فوق الحد شیفته آئین الهی میشدند و بطور کلی در جلسات منعقده که همواره جمعی از نفوس غیر بهائی شرکت داشتند چز تمجید و تحسین سخنی دیگر شنیده نمیشد و احدی زبان باتفاق نمیگشود.

در ایام اقامت ما در مسکو کنفرانس بین المل از روشناسان برای مباحثه در تطبیق دین و علم منعقد بود که نمایندگان مذاهب متنوعه شرکت داشتند و بر اثر آشناei بعضی از احبا با مدیران انجمن مزبور بنده را نیز که روشناس و فارغ التحصیل از دانشگاه مسکو معرفی کرده بودند رسماً برای ادای خطابه دعوت کردند. در طالار سخنرانی بیش از چهارصد نفر حاضر و دو نفر قسیس ارتودوکس جزء هیئت مدیره کنفرانس با سائر ناطقین در صدر مجلس جالس بودند ناطق اول یکی از این دو روحانی بود که پس از هشت دقیقه رئیس جلسه با وصول دو سه یادداشت نقط را کافی شمرد وکشیش چنین اظهار داشت که چون ما امروز میهمان افتخاری داریم که باید خطابه القاء کند من به گفته های خود خاتمه میدهم سپس نوبت صحبت به بنده رسید بر حسب معمول برای جلب توجه شنوندگان از سابقه خود در روسیه و اظهار سرور از اینکه بعد از شصت سال مفارقت از این کشور دوباره به مسکو آمده و در چنین اجمن علمی حاضر شده ام بشرح تعالیم بهائی و اصول و مبادی آئین الهی علی الخصوص تطابق دین و علم پرداختم و مضمون بیانات مقدسه را که دین حقیقی هرگز با علم واقعی مباینت نداشته و نخواهد داشت باستحضار حضار رساندم و تقصیر منازعه ممتد دین و علم را بر عهده روحانیون و دانشمندان هر دو دانستم زیرا دسته اول راضی بقصیر معنوی کتاب الله نمیشوند و گروه ثانی در این موضوع مهم دقت نمینمایند که پیامبران و مظاہر الهی سخن بگراف نمیگویند و بیهوده ملیونها نفوس را

سی نفر از احبابی ذیرای و عدهٔ ئی نوجوان و چند نفر میهمان از کشورهای دیگر آرام و متوجه‌الله جالس بودند. مناجات‌های متعدد تلاوت شد و موسیقی دلنویزی روح را باهتزاز می‌آورد. صندوق ممکن با دو نفر ناظر و متصدی جمع آراء در محل مخصوص حاضر بودند و بنده قبل از تسلیم آراء صحبتی کوتاه راجع به تاریخی بودن این روز فیروز و اهمیت آن در آینده ایراد نمودم و پس از آن افراد ذیرای بترقیب حروف الفباء آراء خود را که در پاکتی سربسته بود بدست خویش بصدقه بودند. پس از جمع آوری آراء صندوق را به اطاق دیگر بوده و احباً متوجه‌الله بر جای خود جالس و منتظر نتیجهٔ انتخاب بودند. وقتی هیئت نظار اسامی اعضاء منتخبه را اعلام نمود و آنان از محل خود برخاسته در صف اول ایستادند شور و انجذابی حاصل شد که وصفش متغیر است و ناخیین من دون استثنای از نتیجهٔ انتخاب ممنون و مسرور بودند زیرا محفلی بود که بمعنى الكلمه وحدت عالم انسان را در ظل تعالیم مبارکه مجسم و مصور میساخت. از مهاجرین سابقین دو نفر انگلیسی یک‌کفر آلمانی و از اهالی اصلی خانمی مرکب از دو نژاد روسی و ارمن و نقاش مشهور اصلاً از آذربایجان شوروی و بقیه روسی خالص محفل روحانی را تشکیل ۲۲ میدادند. جوانترین عضو محفل دختر خانمی است که شاعری ماهر و در نعت جمال اقدس ابی اشعاری بسیار نغز و دلکش سروده است. خلاصه کلام آنکه این احتفال واقعاً تاریخی بود.

یوم نهم عید اعظم رضوان در منزل یکی از دوستان جشن روح‌بخشی برپا بود که جمعی از نفووس قریب الایمان نیز حاضر بودند. در این مجمع نورانی ویلونچیلیست مشهور روسی که حائز چندین جائزه در موسیقی و نامش در سراسر جماهیر شوروی زبانزد هنرمندان است با مادر

از تعداد محافظ ملی و محلی و نقاط مختلف امریه و تعداد زبانهای که بعضی از آثار امری بدان ترجمه و انتقال یافته و ارائه انسیکلوپدی بریتانیکا که امر بهائی من حیث انتشار مقام دوم را بعد از مسیحیت بین سائر ادیان احراز نموده و وضع مرکز جهانی و شوکت و عظمت تأسیسات امری در ارض اقدس بایشان داده شد که بكمال دقت گوش داده و یادداشت مینمودند. واقعهٔ دیگر ملاقات با مدیر نشریات مؤسسهٔ پروگرس بود که عهده دار انتشار کتب و رسائل و از مشروعات مهم دولتی است. این مؤسسهٔ ترجمه و نشر کتاب "مادران پدران و فرزندان" را به زبان روسی و السنّه آسیائی یعنی ازبکی، قاجاری، ترکمنی و ترکی آذربایجانی قبول کرده که در نوع خود بسیار مهم خواهد بود زیرا در این کتاب ۹۳ فقره از آثار مبارکه اندراج یافته و فی الحقیقته کتاب بهائی است. مدیر مؤسسهٔ تقدیرنامه معاون رئیس دانشگاه هاروارد آمریکا را در بارهٔ این کتاب مطالعه کرد و مخصوصاً خاطرنشان نمود که اجازه طبع کتاب را از ناشر اصلی آن جرج روئالد خواهد گرفت و وقتی بنده سواد شرح انسیکلوپدی بریتانیکا را در بارهٔ انتشار امر بهائی ارائه نمودم اظهار داشت که مؤسسهٔ "پروگرس" اجازه چاپ تمام این مجلدات را بزبان روسی تحصیل نموده و عنقریب انتشار خواهد یافت.

تأسیس محفل روحانی مسکو

انتخاب نخستین محفل روحانی مسکو پس از شصت سال تعطیل نقطهٔ اعلانی مسافرت بنده به ممالک روسیه و واقعاً جای همه احباب در آنجلس فورانی خالی بود. طالاری که برای اجتماع احباب در یوم اول عید اعظم رضوان بهمت لجنهٔ معینه اجاره شده بود مزین به اسم اعظم و شمایل مبارک و تصاویر مشارق اذکار و



جناب علی اکبر فروتن یادی غیر امریمه درین عض محنل و حانی مسکو

مادرش روز دوازدهم عید اعظم رضوان خود را رسماً بهائی اعلام فرموده اند این خبر واقعاً مسرت آور بود زیرا هر دو یعنی او و مادرش از معارف آن کشورند و قادر بهداشت امثال و اقران خود خواهند بود.

روزی بهراهی یکی از احبا و جوانی غیر بهائی از محبین امر مبارک به دانشگاه مسکو که تحصیلات عالی بندۀ در آن خاتمه یافته رفته و خاطرات ایام ماضیه که شصت سال از آن گذشته در ذهنم تجدید شد. حال در مسکو فقط یک دانشگاه که بنام عالم شهر لومونوسوف موصوف موجود است. این بنا بر حسب مندرجات مطبوعات از عجایب جهان و از حيث وسعت و عظمت و تعداد استادان و مؤسسات فنی و علمی کم نظیر است و چون ورود بآن برای عموم سیاحان آزاد نیست از خارج ناظر زیبائی و شکوه دارالعلم مزبور بودیم. تن زیر زمین مسکو نیز واقعاً زیبا و دیدنی است.

که او هم موسیقی دان و بیانو نواز ماهری است حضور داشتند و با نواختن سه آهنگ کلاسیک بر رونق آن احتفال پر جلال افزودند. علت حضور ایشان در جشن مذکور این بوده که مادر و فرزند هر دو با قرائت کتاب "بهاء الله و عصر جدید" بزبان روسی و محاوره و مذاکره با دوستان بهائی فوق الحد به امر مبارک تعلق خاطر یافته و بكمال سور در جشن احبا شرکت جسته بودند. در موقع پذیرائی و تقدیس ایشان به بندۀ نزدیک شده و دقائقی چند باهم مصاحبه داشتیم میگفت من میتوانم خود را بهائی بنامم ولی یک مسئله هنوز برای من حل نشده اگر آن هم واضح و روشن شود دیگر اشکالی برای ایمان من باقی نخواهد ماند و ما دو نفر راجع بآن مسئله که برای او لایحل بود از روی تعالیم مقدسه مذاکره نمودیم و مفصل صحبت داشتیم. خوشبختانه در ارض اقدس نامه محنل روحانی مسکو به بندۀ رسید مژده داده بودند که او و



جناب فروتن با مرسیقیان مشور روسی

ماشه است. ما سه روز در این مدینه ماندیم و چهار جلسه با احبابه محدود که هنوز عده شان بعد نصاب تشکیل محفل روحانی نرسیده و جمعی از مبتدیان که از آشنایان بهائیان آنسامانند ملاقات و بتفصیل از امر مبارک و اوضاع کنونی دنیای بهائی مذاکره کردیم و علاوه بر این ملاقاتها دو جلسه مخصوص طالبان و متخرّيان حقیقت داشتیم که شرحش در این مقام لازم بنظر میرسد:

جلسه اول در مرکز جمعیت طرفداران صلح بود که قریب چهل نفر حاضر بودند و بنده پس از معرفی خود و اظهار سرور از اینکه بعد از شصت و دو سال دوباره باین مدینه شهیره آمدم نبذه ئی از تعالیم الهی و اوضاع کنونی جامعه جهانی بهائی علی الخصوص صلح عمومی و وحدت عالم انسانی بیان و انتظار شنوندگان را باین نکته معطوف نمودم که از همان اوائل ظهور

كتب و رسائل بهائی که در آلمان بزبان روسی ترجمه و طبع میشود الحمدلله رو بازدیاد است و ورودش بدیار شوروی آزاد. مساعی جمیله محفل مقدس روحانی ملی آلمان و لجنه مربوطه در این زمینه فی الحقیقه شایان تقدیر و تمجید است. اخیرا کتابی بنام " بهائیزم " حاوی شصت و سه صفحه در مسکو از انگلیسی به روسی بواسطه یکی از اعضاء محفل روحانی مسکو که در هر دو زبان قسلط کامل دارد ترجمه و با اجازه رسمی دولت طبع و منتشر گردیده و در کتابخانه ها نیز موجود و فروش آن بلامانع است.

لنین گراد

لنین گراد که شهرت جهانی دارد و بنده شصت و دو سال قبل آن شهر را دیده بودم هنوز بهمان زیبائی و دلکشائی سایق باقیست و در محاربه ثانی بین المللی آسیب ندیده و از ویرانی مصون

و چون جرائد و مجلاتیکه متنضمّن تقریظ منقدین پایتحت بوده به یاسنایا پولیانا مقرّ اقامت تولستوی رسیده و مورد مطالعه ایشان قرار گرفته از نویسنده آن نمایشنامه آثار بهائی را خواسته و بدینوسیله اطلاعات مقدماتی راجع به دیانت بهائی اکتساب کرده اند در خاتمه خطابه خود تأکید اکید کردم که شما چون مقیم این شهر زیبیا هستید و برای حصول صلح و سلام کوشش مینمایید باید کاملًا با تعالیم بهائی که اساسش بر وحدت عالم انسانی و صلح و آشتی بین افراد بشری استوار شده آشنائی کامل حاصل نمائید و در انتشار آن به دل و جان کوشنا باشید این جلسه بکمال روح و ریحان و رضای خاطر حاضران بپایان رسید.

جلسه دیگر در منزل خانمی از طرفداران نهضت روحانی با حضور سیزده نفر اعضاء آن نهضت و چند نفر بهائی انعقاد یافت و موضوع صحبت بر حسب تقاضای خودشان تربیت کودکان بروح بهائی

حضرت باب و حضرت بهاء الله اکادمی علوم پetroگراد بهمت مستشرقین شهر مانند بارون روزن، گامازوف، ژوکوفسکی، الکساندر تومانسکی، پروفسور کاظم بک و امثال ایشان که شهرت جهانی دارند تاریخ و تعالیم دیانت بهائی را بزبان روسی تدوین نموده و در دسترس دانشمندان و طالبان حقیقت از روسی نژاد و دیگران قرار داده اند و مهمتر از همه آنکه نویسنده شهرلو تولستوی بوسیله مطبوعات این شهر با آئین بهائی آشنائی حاصل نموده و مراتب محبت و تقدیر خود را فسیت بتعالیم بدیع بوسائل مختلفه ابراز داشته است. خلاصه قضیه آنکه خانم ایزابل گرینوفسکا یا نمایشنامه نویس و شاعرہ زیردست بمحض آشنائی با امر بهائی دو نمایشنامه منظوم یکی بنام "باب" و دیگری "بهاء الله" تدوین نموده که در سال ۱۹۰۳ مطبوع و منتشر گردیده و در ژانویه ۱۹۰۴ درام "باب" در پطربورگ بصحته آمده و مورد تحسین ادبی و شعری و بزرگان علم و ادب قرار گرفته



جانب فروتن درین اجتای لسینگرا

یامر مبارک و تعالیم بهائی بکمال صراحة ووضوح مصاحب نمودند که ده دقیقه مخصوص تلویزیون و نیمساعت اختصاص به رادیو داشت.

روز سوم بر اثر مساعی احباء دانشکده تعلیم و تربیت که مخصوص تدریس فلسفه مادی تأسیس یافته و برای مدارس دولتی معلم تربیت مینماید از بنده بطور رسمی دعوت نمودند که در جلسه مخصوصی راجع به امر بهائی صحبت کنم لهذا همراه با چند نفر از احباء به دانشکده مزبور رفتم و با حضور رئیس مؤسسه و چهار نفر استاد و سی و دو نفر دانشجو راجع به تعالیم مبارکه و مبادی روحانی و اداری آئین الهی پویژه تربیت روحانی و تعديل اخلاق و آداب کودکان خطابه مبسوطی که یکساعت و اندی ادامه یافت القا شد و مورد استقبال و تحسین عموم قرار گرفت و مورث سرور موفور دوستان رب غیور کشت مانند مسکو و سائر بلادی که احباء را زیارت نمودیم در این شهر نیز اطفال خردسال بهائی کلمات مکنونه و مناجات بینان رویی از بر تلاوت مینمودند. روز ۲۹ آوریل بنده و دخترم و یکی از اعضاء محفل روحانی مسکو که در سفر لنین گراد و مورماتسک ما را همراهی و دلالت مینمود این شهر را ترک نمودیم و در موقع وداع با احباء اشک تاثیر از دیدگانمان جاری بود. از مورماتسک به مسکو آمدیم و ۳۰ آوریل پسی اطربیش پرواز کردیم و سه نفر از دوستان مسکو تا فرودگاه ما را مشایعت نمودند. در وین محفل روحانی ملی جلسه ئی با حضور ۲۵۰ نفر از احباء اطربیش تشکیل داده بودند و بنده شرح مسافت خود را تا آنجا که وقت اقضا میکرد به فارسی بیان کردم که به آلمانی ترجمه میشد پس از چند روز توقف در وین بفضل و عنایت الهی بارض اقدس وارد و بتعقیل اعتاب مقدسه فائز شدیم و سپس سعادت حضور در جلسه معهد اعلی نصیب این بنده گردید.

بود. بدیهی است بنده در این جلسه که یکساعت و نیم بطول انجامید آنچه راجع باین موضوع مهّم از آثار امری آموخته بودم باختصار بیان کردم و چون شرکت کنندگان اکثر آموزگار و دبیر و استاد تعلیم و تربیت بودند مبادی روحانی تربیت بهائی را بکمال استیاق پذیرفتند و سرور موفور خود را در خاتمه جلسه اظهار داشتند.

مورماتسک

آخرین نقطه مسافت ما به ممالک روسیه بندر مورماتسک در اقصی شمال کره ارض بود و با آنکه ما اواخر ماه آوریل بان شهر وارد شدیم زمین از برف پوشیده و آب رودخانه و دریاچه ها یخ بسته بود ولی بفضل و تأیید الهی هوا صاف و آفتاب حرارت مطبوعی داشت. بنا با ظهارات احباء اگر ما دو روز قبل بآنجا میآمدیم مصادف با طوفان برف میشدیم بقسمی که خروج از منزل امکان نداشت. سه روز در مورماتسک ماندیم و با احباء و جمعی از نفوس قریب الیمان مکرر ملاقات نمودیم و آنچه لازم بود باستحضارشان رساندیم و چنان محبت و صمیمیت وشور و انجذابی از دوستان راستان آنسامان مشاهده نمودیم که وصفش واقعاً دشوار است. محفل روحانی ملی فناخاند و دوستان آنسامان در تبلیغ این جمع نورانی و روحانی سهم بزرگ داشته و دارند و الحمد لله مساعی ایشان مثمر ثمرات کلیه بوده است.

بر اثر اقدام بعضی از احباء روز ورود ما به مورماتسک تلویزیون آنمدینه اعلانی بدین مضمون اشاعه داده که میهمانی بهائی به شهر ما وارد شده و ما باو از قبل تمام اهالی خیر مقدم میگوئیم و بزودی با خود او نیز در تلویزیون آشنائی حاصل خواهیم نمود. روز دوم مخبر تلویزیون و گوینده رادیو متفقا با بنده راجع



جناب فروتن دیران خانم در میان خانواده‌گاه

تکثیر است به مرکز امری ایصال خواهد گشت.
ملتمس ادعیه دوستان راستان رب منان
علی اکبر فروتن
ارض اقدس - حیفا - شهر العظمة ۱۴۷ بدیع
ماه جون ۱۹۹۰

در مرکز جهانی جلسه عمومی برای بیان وقایع این مسافرت تشکیل شد و انشاء الله عنقریب فیلم ناطق این سفر که از ابتدا تا انتهی بادستگاه فیلم برداری خانم ایران مهاجر و سعی و اهتمام او تهیه شده و با تصویب معهد اعلی در شرف

«فراستنده سرکار خانم فرشید یوسفی»

اخبار تبلیغی کشور شیلی

در کشور شیلی در سه ماهه اخیر استقبال مردم با مردم و تعالیم دیافت بهائی و بیدار شدن احساس روحانی بیش از پیش دیده و محسوس میشود. افراد از همه طبقات اجتماع به امر جمال مبارک ایمان میآورند. اخبار قابل توجه تصدیق بیش از ۲۱۰ نفر از دانشجویان مدرسه بهائی "نور" است، که حدود ۴۷۰ شاگرد دارد. سال گذشته تعداد انگشت شماری از آنها بهائی بودند. البته دیدار سرکار خانم مهرانگیز منصف و جناب دکتر روح عضو محترم بیت العدل اعظم الهی و خانمشان بسیار مؤثر بود.

این نوجوانان بهائی شاگردان کلاس اول تا دوازدهم میباشند.

چهار نفر از خردسالان که مادرشان بایمان آنها ایراد داشتند باصرار بچه ها در جلسهای که در مدرسه نور برای اولیا ترتیب داده شده بود شرکت کرده و بدیافت بهائی ایمان آوردهند.

زمانیکه بیت العدل اعظم اهل بنا را کلّا حتی خردسالان را خطاب نموده و اهمیت امر تبلیغ را بیان میفرمایند با اطمینان کامل باید باطاعت فرمانشان کوشید.

این دو عکس از مصدقین اخیر کلاسهای ابتدائی و متوسطه مدرسه نور میباشد. ((داخل وخارج پشت جلد)) خبر قابل توجه دیگر ایمان کلیه ۶۰ نفر شاگردان مدرسه روستائی فیضی در جنوب شیلی است.

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

۱۴۶ شهر العدّا

۱۹۹۰ مارچ

Department of the Secretariat

میئت مجله تحریریه مجله عدلیب

دامت تائیداتها

حسب‌الامر معهد اعلی سواد عریضه‌ای او آقا سید اسدالله قمی و سواد لوح
مبارکی که در چواپ آن او پراغه مرکز میثاق عز صدور یافته به خمیمه ارسال
میگردد تا لدی‌الانتقام در آن مجله شریفه طبع و انتشار یابد.

در پاره مسابقه این مواد و مدرجات آنها شرحی دیز تهیه گشته که
آن هم خمیمه است.

با تقدیم تحيات
از طرف دارالافتخار بیت‌العدل اعظم
-

خمیمه دارد

آقا سید اسدالله قمی واقعه اردبیل

ماه بعد از صعود پس از اضافات روحانیه و
علمیه که برای راهنمایی ایشان در تبلیغ در جمع
احباب میفرمودند مشارکیه را بعنوان اولین
فردی که بعد از صعود حضرت بهاء‌الله به تبلیغ
قیام نمود مأمور سفر ایران کردند و در هنگام
سفر با و فرمودند:

"آقا سید اسدالله تو گمان میکنی چون با ایران
رسیدی ترا میگیرند حبس میکنند و کار بهمین
جا ختم میشود؟ نه، این سفر بسیار سخت
خواهد بود بدجه ای که حالا تصوّرش را
نمیتوانی بکنی مثل آن درزی که میخواست

نامه ذیل از جناب آقا سید اسدالله قمی و در
حقیقت عریضه ایشان بساحت حضرت عبدالبهاء
است که توسط میرزا شعاع الله به حضور مبارک
ارسال نموده است. این عریضه گزارش واقعه
اردبیل است که جناب آقا سید اسدالله حسب
الامر به تبلیغ در آن شهر مأمور شده بودند.
شرح این واقعه که بتفصیل در مصابیح هدایت
(جلد ششم، ذیل شرح حال جناب آقا سید
اسدالله) آمده باختصار اینست که در هنگام
صعود جمال اقدس ایهی جناب آقا سید اسدالله
در آستان مبارک بودند و حضرت عبدالبهاء چند

است.

شعر مورد استشهاد در خاتمه مکتوب، بیت هشتاد و یکم از قصیده مبارکه ورقائیه است که در دوره بغداد از لسان جمال اقدس ابھی نازل شده و در نسخ معتبر چنین نقل شده است. "و عن عنقی رسم الحديد تعیینت

و من رجلی اثر الواقع تبیفت " مقصود از ولیعهد مظفرالدین میرزا و از عین الدوّله سلطان عبدالجیاد میرزا است که در آن تاریخ حاکم اردبیل بوده است. بنا بر عریضه ذیل عین الدوّله در آن زمان در تبریز بوده و میرزا علی خان میرینج پسر میرزا حسن خان وزیر نظام، بنیابت از او در اردبیل حکومت مینموده است. و اما عریضه جناب آقا سید اسدالله قمی چنین است:

هؤالله تعالیٰ شائے

روحی و کینونتی لبلاء محبوبک الفداء معروض
حضور آنکه بعد از توقف نوزده یوم در اردبیل
شیبی که روزش عزم حرکت بود ملا عبدالله نامی
هنگام عصر آمد در حجره گفت پسر امام جمعه
در مدرسه شما را دعوت نموده حقیر بلا تأمل
رفتم مجملًا بدون اظهار بعضی مطالب اجماع نموده
آنچه از قوه شان بفعل آمد نمودند و نگه
داشتند تا چهار ساعت از شب رفته بعد عمامه
را از سرم برداشته و عبا را کنده و کفشهایم
را از پایم در آورده بعد از گرداندن چهار
مدرسه و اجماع شان بردن خانه آخوند ملا علی
اکبر پیش نماز، بدون سوال و جواب حکم نمود
بزتیید، بمثابه مار سر مرا کوبیدند، چهار جا
زخم دار شد، بعد برو انداختند آنچه توانستند
زدند بعد پاهایم را بسته بقدر قوه زدند، بعد
بردن در مدرسه تا ظهر حبس نمودند با انواع
شکنجه آخوندی، هنگام ظهر بردن در حسینیه
جمیع اهل اردبیل شورش نموده خواستند بکشند

بدزدی برود پیش خود گفت اگر گیر افتادم مرا حبس میکنند یا چوب میزنند، رفت بدزدی او را گرفتند و پیش پادشاه بردند فرمان داد او را گردن بزنند دزد خود را پادشاه رسانید و گفت همه جایش را خوانده بودم مگر اینجا یش را، شاه از او خوش آمد و مرخصش کرد.
حالا تو هم آنچه را نخوانده ای بخوان و برو دیگر بعد نگوئی این توییش نبود بلهائی بر سر تو بیاورند که حالا هیچ گمان نمیکنی" (مسابح هدایت، ج ۶، ص ۴۵۱ - ۴۵۲) جناب آقا سید اسدالله بنقاط مختلف سفر کرد و مخصوصاً طبق اشاره حضرت مولی الوری دوبار به اردبیل رفت و سبب اشتعال دوستان و انجذاب طالبان گردید و ملا صادق امام جمعه اردبیل را تبلیغ کرد. پسر ملا صادق بهمدستی طلب و ببهانه تحقیق در امر مشاکلی فراهم آورد که شرح آن در مکتوب ضمیمه مندرج است و بالاخره بکمک آخوند ملا علی اکبر که مجتهد اردبیل بود و بعدها جناب امین العلمای اردبیلی نیز بفتواتی او بشهادت رسید ضوضاء مزبور بربا شد.

این واقعه در زمان ولیعهدی مظفرالدین میرزا بوده و شاهزاده که در دستگاه خود خدمتگزارانی از احباب داشت و شخصاً نیز متمایل به شیخیه بود نسبت به امر الله احترام و حسن نظر داشت و بهمین سبب در اکثر نقاط آذربایجان محافظت و صیانت جامعه بهائی بنوعی ملاحظه نظر مراجع حکومتی بود. اگر چه دقیقاً تاریخ این عریضه مشخص نیست و زمان واقعه اردبیل نیز هنوز بر ما کاملاً معلوم نیست اما از اینکه اولین قیام به اعلاء کلمة الله بعد از صعود جمال قدم و در هنگام سلطنت ناصرالدین شاه است چنین معلوم میشود که این وقایع در حدود سالهای ۱۳۱۰ - ۱۳۱۳ هـ ق اتفاق افتاده و چون هنوز نقض عهد میرزا محمد علی غصن اکبر رسماً اعلام نگردیده لذا جناب آقا سید اسدالله به او نیز در عریضه خود اظهار ادب و احترام نموده

موجه است. در روضه مبارکه منوط بعنایت
است المنة لله مصدق این عبارت شدم:
عن عُنْقِي رسم الحَدِيد تعيينت
وَ مِنْ رِجْلِي اثر وثيق تبدتى
(اسدالله)

در جواب این عریضه، حضرت عبدالبهاء جناب
آقا سید اسدالله را بلوحی عنایت آمیز مفتخر
فرمودند که ذیلاً درج میشود:
هوالبھی

ای اسیر سپیل الهی تفاصیل واقعه مؤلمه و
حوادث مزعجه یعنی فاجعه اردبیل و
مشقت سپیل و زحمت سلاسل و زنجیر کل
متلو و مسموع و معلوم گردید مسطور مفصل
مشروع که ترجمان وقایع معهود و به آقا
میرزا شاعر الله مرقوم شده بود قرائت و
تلاوت گردید خویست مهمانیهای مکمل و
مائده های مفصل بود فیها ما تشتهی الانفس
و تلذّب به الاعین هنھیاً مرتیاً کوارا و سازگار
باد. ملّتی رومی میکوید نفس مؤمن اسغیری
آمد یقین یعنی از ضرب چوب و چماق و
دگنهک مالایطاق فربه و سمعین و سفید رخ و
سیمین بدن گردد و باین عیش مهیا و سفره
مهنّا وقت تشریف بردن شما اشاره و ایما
شد البته فراموش فرمودید حال الحمدللہ
در وعد وفا و از درد صفا پیدا شد. ای
یار دیرین چرا اینقدر بی انصاف و بیدین
بودی جمیع این اطعمه لذیذه و مائده های
لطیفه را قتها خوردی و هیچ بیاد این
رفقاء فقراء نیفتادی آیا این شرط وفا
جوئی و خوش خوئی و دلجوئی بود.

یا بیاد این فتاده خاک بیز
چونکه خوردی چرخه برخاک ریز
باری علی العجاله تو گوی سبقت ربودی و
جام موهبت نوشیدی تا ببینیم ما چه خواهیم
کرد لکن من و جمیع دعوی داریم زیرا
شخصی روزی به سید محمد معهود گفته بود

هرچه فریاد نمودم قدری آب بدهید ندادند.
آخوند پیش نماز فرستاد چوب با فراش از
حکومت بیاورند، حکومت حقیر را طلب نمود،
الجایاً تسليم نمودند. قریب شانزده یوم در
انبار اردبیل با کمال تسليم و رضا و بانواع
عقوبت گرفتار بودم بعد از تبریز حکم آمد که
بتبریز برویم، در تحت محافظه هفت سوار برداشت
تبریز، پانزده روز هم در تبریز در حبس عین
الدوله بودم، با مر حضرت ولیعهد تأسیس مجلس
نموده منزل قائم مقام حاضر شدم بنوعی گفتگو
شد که قائم مقام گفت شما سزاوار است ندیم
پادشاه باشید حیف نیست چنین شده اید، شب
را برداشت انبار ولیعهد، روزش فراش باشی
گفت حضرت ولیعهد اشعار شما را خواسته
بنویس بد. دو غزل و دو رباعی نوشته تقدیم
نمودم مع شرح حال انبار طهران را و مرخص
نمودن حضرت سلطان را، هنگام عصر امر شد که
حرکت بدهند بطران در تحت محافظه چهار
سوار. امروز که روز پنجم شهر شعبان است
وارد قزوین، یک منزل پمیانج مانده سواری آمد
با نجوای تمام، آن شب معلوم نشد که نجوا چه
بود روزش معلوم شد که امر آمده که بنده را
بگریزانند، هرچه گردند بنده قبول نکردم هفت
روز لنگ نمودند و دو تلکراف زدند که فرار
نمیکند تکلیف چیست جواب آمد که بپرید طهران
تسليم نموده قبض بگیرید. الحمدللہ بکمال
اشتعال با کند سوار و با سواران بردباری
مینما یم و هروقت هرچه وارد می‌اید یاد فرمایش
آنحضرت می‌افتم که فرمودید آنچه نخوانده ئی
بخوان فی الحقيقة آنچه وارد شده بنده که سهل
است هیچ کس نخوانده بود، صد هزار حیف که
تفصیل نمی‌توانم داد، آنقدر عرض میشود در
هیچ تاریخی چنین ضوضاعی (کذا) نخوانده بودم
ای صد هزار شکر وای صد کور حمد بسیار
طالب بودم، شاکی نیستم، الحمد که بعد صعود
صدائی بلند شد امیداز دعای اغصانش خداوند
قبول بفرماید. حضور آقا غصن الله الاکبر عذرم

علیین سازند ساعتی چون یعنی حصور سر
 ببازند و آنی چون عیسی مریم بفقر و درد
 و غم هدم گردند و سر بر سردار
 برافرازند کهی چون حبیب محبوب صدهزار
 جفا تحمل نموده عاقبت مسموم عروج برفيق
 اعلیٰ نمایند و وقتی چون هزبر صائب
 اسدالله الغالب با سری شکافته رخی شکفته
 کنند و روزی چون شهید مظلوم نیز ساطع
 مشهود معلوم لب تشهه در راه خدا در
 صحرای کرب و بلا جان بازند باری وقایع
 بسیار نهایت ندارد اینست صفت عاشقان
 جمال ذوالجلال و سمت مدهوشان جام محبت
 رحمن در ترکی می‌گوید حسنه مشرب اول
 پرجان ایچون خوف و رجادن کچ فضای
 کربلای عشقه وار مردانه مردانه. در وقت
 قرائت مکتوب شما قسم بجمال قدم و اسم
 اعظم روحی لاحبائے الاسراء فداء که آرزوی
 آن صدمات و بلیات مینمودم باری وقت
 جان بازی و جان ثماری و سرمستی و
 هشیاری و بیداری و گریه و زاریست که
 انشاء اللہ بعون جنود ملاع اعلیٰ و تائیدات
 متابعه از ملکوت ابهی جهان و جهانیان را
 زنده نمود و عالم را قمیص جدیدی بخشید
 و پنفحات قدس شرق و غرب را معطر و
 باطور ساطعه از شمس حقیقت آفاق را
 منور نمود و البهاء علیک و علی کل
 عبدالباهی فی سبیل الله محبوب العارفین.
 عبدالباهاء عباس *

در خصوص این واقعه لوح دیگری نیز از قلم
 مبارک حضرت عبدالبهاء صادر که در جلد دوم
 مکاتیب صفحه ۲۲۳ - ۲۲۷ مندرج است و چنین
 آغاز میشود: " هوالله . ای سرگشته دشت و
 صحراء محبت الله اکر چه تبریز تبخیز بود و
 اردبیل از باده بلایا و محن جامی
 لبریز ... "

که چرا میرزا یعنی در جمیع موارد بلافوراً
 فرار اختیار مینمود چنانچه در این امر هیچ
 وهنی و مشقتی و زحمتی بر او وارد نشد
 همیشه تحریک فساد میکرد و فوراً خود
 فرار مینمود و حضرت اعلیٰ روح العالمین
 فدا سینه مبارکش را هدف صد هزار کلوله و
 رصاص فرمودند و ابدآ در جمیع موارد
 محافظه نفس خویش نفرمودند و جمال
 مبارک روح الوجود لبلائه فدا در جمیع
 مواقع بلایا و کل مخاطرات رزایا حاضر و
 بنفس مبارک تحمل انواع مصائب و بلایات
 میفرمودند و در صد هزار خطرها و مشقتها
 و زحمتها و حبسها تحت سلاسل و اغلل ها
 افتادند در جواب گفته بود الفرار مما
 لایطاق من سنن الانبیاء این بجهت اتباع
 سفن انبیا بود و قاسی به حضرات اولیا و
 حال ما با شما دعوا داریم که چرا آتشب
 که غلامها خواستند شما را فرار دهنند
 تمکین و قرار یافتید البته باید شما نیز
 اتباع سنن سلف بفرمائید این نظر به قول
 سید محمد است والا نفوosi که از صهیانی
 الهی مست و مخمورند و در دفتر دانایی
 مذکور و مسطور مستوری نخواهند و مهجوری
 نتوانند شهره آفاق شوند و واله وشیدا
 گردند جام بلا جویند و راه وفا پویند چون
 در دانه موهبت در آغوش صدف محنت
 پروردۀ گردند و چون ذهب ابریز در قاب
 و قب آتش رنگ دل پذیر یابند و لب از
 شکرانه لبریز کنند گاهی در طوفان اعظم
 بلاچون حضرت نوح کشتی رانند و کمی وقت
 هیوب صرصر قضا چون حضرت هود قرار و
 سکون یابند وقتی چون جمال خلیل جلیل در
 نائزه جفا رخ برافروزنند و زمانی در شدت
 سورت عال و اسقام چون حضرت ایوب از
 حرارت قب زار زار بسوزند و دمی چون
 یوسف زنجیر و سلاسل زندهان را در عشق
 جمال رحمن طوق زرین و حماقی سلطنت



یادی از شهید مجید دکتر کامبیز صادق زاده علیه رضوان است

سال پیش بعنوان یک حقیقت بیان گردیده استاد پرسید بوسیله چه کسی؟ دانشجو با کمال قدرت و اطمینان جواب داد "پهاء الله" چنان شجاعت و ایمان این جوان در اینجانب تأثیر گذاشت که قادر به کنترل احساسات خود نبودم. کلاس که بانتها رسید خودم را با شتاب هرچه تمامتر به آن جوان رساندم، مانند تشنه ای که به آب فرات رسیده باشد. این شروع دوستی بنده با دکتر کامبیز صادق زاده بود.

اینجانب را چون برادری هربان همراهی و با تشکیلات دانشجویان بهائی که خود همواره مرکز خدمات را بعده داشت آشنا نمود. اکثر اوقات او بعد از دانشگاه در جلسات تبلیغی میگذشت. مشکلترين کلاس و یا امتحان روز بعد او را از شرکت در جلسه بیت تبلیغی باز نمیداشت شعار زندگی او خدمت مولایش بود مبعوث نموده است بها عاشق صادق (۱) در کلاس و محیط دانشگاه نیز بسیار کامبیز را میدیدم که با دوستان و اطرافیانش سرگرم ابلاغ

آشنائی اینجانب با جناب دکتر کامبیز صادق زاده ابتدای سال اول پزشکی دانشگاه طهران در سال ۱۹۵۸ شروع شد. بندе که از شهرستان یزد آمده بودم خود را بسیار غریب و تنها در میان صدها جوان همکلام احساس میکردم. هیچکس را نمیشناختم و این تنها ای بسیار مرا رنج میداد. در دل آرزو میکردم در میان متجاوز از سیصد دانشجوی پزشکی جوانان بهائی نیز باشند و از خدا میخواستم وسیله ای فراهم آید و بتوانم با آنها آشنا شوم. هر روزی که میگذشت این امر بنظر محال و مشکلتر مینمود. کلاس‌های مختلف مملو از دانشجو، درسها فشرده و سخت و استادان جدی و طالب کار از دانشجو، فرصتی برای تفریح و آشنائی نمیگذاشتند. دو سه ماهی باین منوال گذشت کم کم به محیط بزرگ پایتخت و دانشگاه آشنا میشدم ولی هنوز از تنها رنج فراوان میبردم. روزی در کلاس استاد روانشناسی در باره ساختمان معز و قسمتهای مختلفه آن توضیح میداد در پایان کلاس این را اضافه کرد که اخیراً بوسیله دانشمندان علوم ثابت گردیده که ساختمان معزی مردان و زنان متفاوت نبوده و هر دو از تساوی کامل برخوردارند. ناگهان صدای محکم دانشجویی شنیده شد که با نهایت ادب و احترام از استاد کسب اجازه کرده و گفت. استاد محترم این موضوع متجاوز از صد

اوقات بمحض اینکه در ک میکرد افراد دور او
قصد مجادله دارند نه طالب تحقیق
در اینحال بود که حس بذله گوئی و نشاط بی
حد و حصر او بروز میکرد و با قهقهه های پر
از وجود و شادی درب بحث و گفتگو را بروی
آن بی وفایان با زبان حکمت و دانائی و خلق
خوب و خوش می بست و با متأثر سرشار و
خصوص بسیار به آن غافلان میفهماند که چه راه
سخت و ناهموار را انتخاب کرده اند.

ما طبیبیم و جهان طالب این درمان است
قدرتی بخش خدایا که جهان محضر است
(۳) یادم میآید وقتی جمعی از رفقا را میدیدم
بدور هم جمع شده اند و بحث و گفتگو میکنند
و صدای رسا و بلند و قهقهه های پر از شادی
و سرورش بگوش میرسد میدانستم شکی نیست
که این کامبیز عزیز است که طبق معمول خودش
مجالس مباحثت امری با این سخت دلان شروع
کرده و آنقدر این وجود نازنین باصفا و محبت
بود که هرکس چه دوست و آشنا و چه غریبه و
دشمن بی اختیار به دور او جمع میشدند و از
اینهمه صلح و صفا و محبت و صمیمیت و پاکلی
و روح سرشار از عشق او ضمن اینکه حظ
روحانی میپرداشت دندان شگفت بر لب گرفته و
به اینهمه خلوص و وفا و استقامت و ایمان او
که چنین محکم و استوار چون کوه پرشکوه بود
غبطه میخورند. اینقدر او باعث افتخار ما
یاران روحانی و بهائی بود که قلم این عبد
ناتوان را یارای آن نیست که اگر بخواهم از هر
یمی نمی برگیرم اعظم از بحر محیط گردد.
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجله.

خاطر دارم در سفری با افتخار رانندگی این
دوست عزیز که به نمایندگی لجنة نشر نفحات
و تزئید معلومات امری برای سرکشی به شهریار
(باباسلمان، خادم آباد و غیره) میرفتیم در طول
راه چقدر متأسف برای دوستان همکلاسیمان بود
که چرا این چنین زرق و برق زندگی ظاهری و

کلمه الله است و اثبات حقایق مظهر امرالله
معلومات وافری در کتب و رسالت و احادیث
اسلامی داشت حتی شماره صفحه را نیز از
برداشت بدون بیم و هراس با کمال محبت و
اخلاص و در نهایت ثبوت و رسوخ بر عهد و
میثاق توکل بحق نموده بیان حقایق مینمود
کتابهای مختلف اسلامی از جمله کتاب آیت الله
بروجردی را همیشه با خود داشت و با آنها
استدلال مینمود برای اثبات حق و حقیقت صبر
فراوان نداشت.

بعد از ربوه شدن کامبیز در آگست ۱۹۸۰
چندین مرتبه به فکر افتادم در باره این دوست
عزیز و جوهر وفا چند کلمه ای برای اطلاع سایر
دوستان بنویسم ولی باور کنید اینقدر خود را
کوچک و حقیر در مقابل آنهمه صفا و صمیمیت
و فداکاری و ایمان میدیدم که در خود یارای
اینکه قلمی بروی کاغذ آورم و چیزی در باره او
بنویسم نمیود ولی
" در اندرون من خسته دل ندام چیست
که من خموشم و او در فغان و در
غوغاست" (۲)

خاطرات خوش اینجانب با کامبیز عزیز در طی
دوران هفت سال داشکده پزشکی و بعد از آن
در دوره نظام و بعد در آمریکا و مراجعت به
ایران و همکاری متقابل ما با یکدیگر در امور
پزشکی و مسائل دیگر همچنان ادامه داشت و
اینجانب چقدر به وجود چنین دوست دانشمندی
افتخار میکردم. چندین بار بچشم خود میدیدم
شاید بدون مبالغه صدها نفر بدور او جمع
هستند و مجالس بحث و گفتگو در گوش و کنار
دانشکده و یا در محوطه داشکاه طهران برقرار
و کامبیز در میان همه چون کوهی استوار می
ایستاد همه را بدون استثناء با چنان خصوص و
خشوع و متأثر و محکمی مجاب میکرد که یارای
برابری برای هیچکس نمی ماند. بعضی از

احترام و ادب را نسبت به ماقوّق مبذول میداشت ولی مکرّر اتفاق افتاد که برای دفاع از موضوعی که حق بود با نهایت شجاعت و بدون ادنی واهمه ای نزد بالاترین مقامات حاضر و ابراز واقعیّت مینمود. گواه این مقال آنکه چند روزی بیشتر بجهش نامزدی او نمانده بود در حالیکه هنوز سخت در گیر مشکلات و مواعظ زیاد دوران خدمت نظام بود که امکان شرکتش را در مراسم با گذشت زمان هر روز کمتر مینمود اماً اثری از تشویش و اضطراب در وجود او نبود و با کمال اطمینان و ایمان به پیروزی حق بر باطل توکل به ذات یکتا داشت و صراحتاً اظهار میداشت حضرت بهاءالله خودش کارها را درست خواهد کرد و همینطور هم شد و توانست در جلسه نامزدی خود دو سه ساعتی شرکت و به پادگان سلطنت آباد مجدداً مراجعت نماید.

آتش عشق هرآنکس که به دل روشن کرد نکند هرگز از آتش سوزان حذری (۵)

او با شرکت در کلاس‌های عالی معارف امری خود را بیشتر از پیش بزیور علم و معرفت آراسته میداشت. تا آنجا که بخاطر دارم آن دوست عزیز همواره در تشکیلات چه محلی و چه ملی مصدر خدمات عظیمه بود و باسفار فراوان خود که از طرف لجنات مختلفه مأمور بود به شهرهای مختلف دور و نزدیک میرفت و احباب را از فیض وجود خود و معلومات سرشارش بهره مند میساخت.

بعد از خاتمه خدمت سربازی هردو عازم آمریکا برای گذراندن دوره تخصصی گردیدیم و آن دوست عزیز در رشته روان پژوهشی در ایالت میشیگان مشغول گردیدند و اگر چه اینجانب بعلت بعد مسافت از کامبیز عزیز دور بودم ولی

(گر چه از راه آب و گل دوریم

لکن از راه جان و دل نزدیک) روش و سلوک آن شهید مجید در دیار غرب نیز چون عاشق صادق و وفادار شعارش تبلیغ امر حق یکتا پروردگاریود. در تلویزیون و رادیو نیز مصاحبه

تقالید و تعصبات بیهوّه چشم و گوش این افراد را کور و کر کرده است. بارها میگفت چطور انسان میتواند بندگی خود را پدرگاه جمال اقدس اپی ثابت نماید و بعد بر قی پر از شوق و شور در چشمان پر از مهر و محبتش موج میزد و میگفت جانبازی و فداکاری و بردباری و استقامت و ایمان بمظہر امرش تنها راه آن است .

چون قطّره ای از عشق تو تسليم طوفانها شدم باشد که در کام صد گوهر شوم یکتا بها ” (۴)

در سال آخر دوره پژوهشی با اقدام و جدیّت آن یار عزیز قرعه کشی برای خدمات نظام وظیفه جهت انتخاب محل خدمت دانشجویان زود تر انجام شد و بمجرد فارغ التحصیلی همه عازم نواحی خدمتی خود شدیم اگر شجاعت و پشتکار وافر او در ابراز حقیقت و دفاع مستمر از آن نبود باحتمال زیاد یکسال عمر ما تلف و در انتظار میگذشت چون برای آمدن بخارج پس از گذراندن امتحان مخصوص برای پژوهشکان ایرانی داشتن معافیّت یا خدمت سربازی که هیچده ماه بود جزء واجبات بود و بدون آن اجازه خروج به احدی بخصوص دکتر و مهندس نمیدادند. دوران خدمت سربازی یا بقول ما یزدیها (اجباری) نیز افتخار خدمت با کامبیز عزیز را داشتم و بیشتر از پیش با او رابطه نزدیک و صمیمی داشتم. در محیط سربازخانه نیز همان خصوصیات نیکو که در دانشکده داشت ادامه یافته و مرتبًا به مباحث دینی میپرداخت. دوره سربازی ما از اکتبر ۱۹۶۵ تا مارچ ۱۹۶۷ بود که شش ماه اول آن در پادگان سلطنت آباد طهران با هم بودیم هیچگاه حرف زور و حکم ناروا را چه برای خود و چه افراد دیگر قبول نمیکرد روی عقیده خود که میدانست درست است پاسخواری مینمود و بالاخره پیروز میشند در محیط سربازی رتبه و مقام حکم‌فرمایست کامبیز همواره در ضمن اینکه رعایت

- منابع :
- عالیم بهائی جلد ۱۸
 - ۱ - جناب علی جابری
 - ۲ - حافظ
 - ۳ - جناب ضیاء الله محبوبی پور
 - ۴ - جناب ابوالفتح اقصی
 - ۵ - جناب هوشمند فتح اعظم از کتاب در انتظار نم نم باران
 - ۶ - دکتر طاهره خدادوست فروغی

شرح فوق فقط بمنتور یادی از شهید مجید متuarج برقيق اعلی دکتر کامبیز صادق زاده درج گردید. لذا پس از وصول شرح کامل حیات و خدمات آن نفس نفیس و جوهر تقدیس صفحات عندیلیب بشرح حال مذبور مژین خواهد شد.

عندهلیب

آگهی

اخيراً مؤسسهٔ مطبوعاتی مرآت موفق بچاپ کتب ذیل گردیده است طالبین میتوانند با مؤسسهٔ مذکور مکاتبه فرمایند. ۱ - اختران تابان تأليف سرکار خانم فروغ ارباب. اين کتاب با جلد عالی زرکوب با پست هوائي ۲۱ دلار، امریکائی با پست زمینی ۱۴ دلار امریکائی. ۲- گلبن معانی اثر طبع جناب وثوق الله بلبل معانی. اين کتاب با جلد زرکوب با پست هوائي ۸ دلار آمریکائی و با پست زمینی ۶ دلار آمریکائی.

MIRAT PUBLICATIONS
P.O.BOX 4273
NEWDELHI
110048 - INDIA

های متعددی داشت که با قدرت بیان و شیرینی تبیان خویش اقامه حق مینمود. در تشکیلات مختلفه نیز قائم بخدمت بود.

بعد از اتمام دوره تخصصی و مراجعت بوطن مقدس، مطّب در طهران دائم نموده مشغول بکار طبابت شدند. طولی نکشید که کارشان رونق یافته و شهرتشان همه جا پیچید. یار و اعیار برای کسب کمک و معالجه نزد او میشستا فتند و کامبیز عزیز که همواره در قوای معنوی و علوم روحانی و اخلاق و کمالات انسانی ممتاز و در بین ناس مشهور بود اکنون بزیور علم و دانش نیز آراسته گشته و بیش از پیش موفق بخدمت و کمک به مردم اعم از آشنا و بیگانه، خرد و کلان و پیر و جوان بودند. در فعالیت‌های امری و اداره کلاس‌های مختلفه و شرکت در لجنات و محافل متعدده نیز گویی سبقت از همگان میربودند. در بیمارستان میتاقيه نیز صاحب نظر بوده بطور افتخاری دانشجویان بپاری بیمارستان را قبل از شروع بتحصیل مصاحبہ روانی مینمودند. صداقت و ایمان و اخلاق و رفتار و بیان شیوا و متأفت او همه را تحت تأثیر قرار میداد. آخرین بار تابستان ۱۹۷۸ بود که در حظیره القدس در بنده تجریش افتخار حضور در محضر آن رفیق و استاد ارجمند را داشتم که در باره عدم مداخله در امور سیاسیه و اهمیت وافر آن برای حفظ وحدت و اتحاد جامعه بهائی بحث مینمود. در اگست ۱۹۸۰ کامبیز عزیز بهمراه سایر اعضای محفل مقدس ملی ایران و دو نفر از اعضای هیأت معاونت در طهران ربوده گردیدند.

این دگر کام ز صهباً خوش وصل گرفت صادقانه شد و صدقش به سمر خواهد شد (۶)

منابع :

عالیم بهائی جلد ۱۸

نامه درباره جهاب ذیحیان رشیده هر زد

بعلم که شیده زین مقصمه باره

من ناچیز ناباورانه این سعادت را داشتم که ایامی کوتاه اما سرشار را در محضرش باشم. اولین بار بعد از واقعه غارت و سوزاندن خانه ها در شیراز و در بچوچه زمانی که اضطراب و نگرانی بر قلب همه ساکنین کوچه بیت مبارک سایه انداخته بود او آمد گفتند کسی می آید که می خواهد برای احباب صحبت کند و گفتند که احبابی کوچه را به چهار گروه تقسیم کنیم تا بدون اینکه شلوغ بشود همه بتوانند در جلسه شرکت کنند. مقدمات فراهم شد و احباب همه دعوت شدند. احباب رنج کشیده و غارت شده با دلها پر از بیم و نگرانی و چشمها که در آن این سوال موج می زد" چه کسی در این موقعیت حاضر شده که به کوچه بیاید و برای ما صحبت کند؟" جمع شدند گفتند نامش آقای ذیحیان است و گفتند که از یزد آمده. نمی شناختمش، تا پحال اسمش را هم نشنیده بودم. گفتند از اعضای هیئت معاونت است منهم مثل سایر احباب شب بخاطر شوق و ذوقم و بر خلاف عادت سابق زودتراز وقت به جلسه رفتم اطاق نسبتاً بزرگ صاحبخانه مملو از جمعیت شده بود. روی صندلی ها و روی زمین پر از مردم بود. حدود ۲۰ دقیقه منتظر ماندیم و چند دقیقه یکبار از پنجه سرک می کشیدیم. بالاخره آمدند من ناظم جلسه بودم. خیر مقدم گفتم و از او دعوت به صحبت کردم بعد در صورتش دقیق شدم حدود پنجاه یا کمی بیشتر داشت. در صورتش یک جفت چشم درشت و درخشنan دیده میشد که نمی از اشک در آن برق می زد ولی اصلاً غمگین نبود. حالتی از او که انسان را ناخودآگاه به خود جذب میکرد بشاشیت و سوری بود که از تمام

چقدر قلم من برای بیان عظمت این حادثه ناتوان است و چه مقدار کلماتم برای تعجب حماسه ای که دوباره آغاز شده حقیر و بی مقدار است. چه کسی می تواند باورکند که این چنین در نبض تاریخ قرار گیرد که موفق به تماسای شراره های سرکش ایمان در چشمها درخشان مومن پاکبازی شود که مقدار بوده جام سرشار فدارا لاجر عِ سرکش و چقدر انسان ذره صفت در مقابل اشعه ساطعه از وجود این نجوم آسمان ابدیت احساس پستی و ناجیزی میکند. ناقوسها دوباره بصدأ در آمدند. شهر عاشقان پر جوش شد و دیار شهدای راستین دوباره آذین بسته شد. اهل غرفات ملکوت ابھی دوباره از مکامن عز خود بپرون دویدند و به تماسا ایستادند و ملاکه ملاء اعلی هلهله کنان صفت بستند و زمزمه های دلکش ایثار را دوباره سردادند. مگر در این قلمرو خاکی ماچه پیش آمده که این چنین ولوله در عوالم ملکوت انداخته؟ گویا دوباره چند عاشق جانباز چند قهرمان بی باک از سپاهیان ملکوت برآن شدند که طبلهای شجاعت را بکوبند و علمهای عشق و ایمان را برسینه های خود دوباره محکم برافرازند. در قلب سرزمینی که فوک خاری از آن نیست کز خون شهیدان سرخ نیست و در شهری که بادهای سوزانش سوزنده تر از شرار عداوت ساکنانش نیست و در مکانی که خاکهای خشکش قصه های عشق و ایثار را همراه با خون شهداء در دل خود سالهاست که پنهان کرده است دوباره حماسه ای از عشق و شهادت آغاز شد که فریاد "هل من فاظر ینظرفی" را آنسوی کوهها و دریاها پرده و در گوش سرمستان باده غفلت و دنیا پرستی طنین انداز خواهد کرد.

تو این سؤال را میکرد چه جواب میدادی؟ اویس قرن بلافاصله جواب داد رضایش را آرزو میکردم. صحبت آقای ذبیحیان که به اینجا رسید بی اختیار اشگاهایم سرازیر شد این جمله را چند بار در معزّم تکرار کردم" رضایش را آرزو میکرم ". جلسه در میان اشک احبا خاتمه یافت. پس از مدت‌ها روح تازه‌ای در آنها دمیده شده بود. برای خدا حافظی با همه دست داد و پیر مردها را در آغوش گرفت و پوسيده. وقتی رفت احساس کردم احساس سور و اميدواريش را به همه منتقل کرده است. همه فکر میکردیم با اين همه فضل جمال‌بارك دیگر علی‌برای غم وجود ندارد. پس از چند روز او به یزد پرگشت. چند ماهی از او خبری نداشتم تا اينکه گفتند دوباره او به شيراز آمده بود و خانمش نمیدانم به کجا و بعد از چند روز هم خبر رسید که به خانه‌اش ریخته اند و همه چيز را زیر و رو کرده اند شنیدم خودش اين جريان را برای يكی از احبا تعريف میکرد با همان حالت سور و شعف هميشگی. باز صحبت‌هاي در جلسات و ضيافت‌ها شروع شده شب و روزش به خدمات امری می‌گذشت. بی محابا از اينکه در تعقيب‌ها هستند. در لجه‌ها مامت نمایندگی محفل را پيدا کرده بود و هر هفته می‌آمد با دقت و حوصله فراوان به بحث‌های طولانی ما گوش میداد و در موقع لزوم اظهار نظر میکرد به آمدنیش عادت کرده بودیم. همیشه در موقع تنفس بچه هاميل پروانه دورش حلقه می‌زدند و او از آینده امر برایمان میگفت و از مسیر انقلابات جهان که به استقرار ملکوت حضرت بهاء‌الله در روی زمین منجر میشود و میگفت هیچ جای نگرانی و اضطراب نیست. امر مبارک در مسیر افصال افتاده است و این جاده سراشیب را دارد به سرعت طی میکند و این چیزی است که ما سالها در انتظارش بودیم و همه این تحولات در قبضه قدرت حق است و خودش به مسیری که می

وجودش و ازتمام حرکاتش ظاهر بود. بنظر می‌آمد که در دنیای دیگری سیر میکند جدا از همه تضییقات و فشارها و غارت‌ها و بی‌خانمانیها.

شروع به صحبت کرد از اینکه این انقلابات باعث تطهیر جامعه امر است و این صرف فضل جمال قدم بوده است که با این بلایا وجود ما را تطهیر کرده است. میگفت در این مدت ۲۵ سال آسایش ما به تنبی عادت کرده بودیم. مادیات ما را به خود مشغول کرده بود طوری که اکثر وقت‌مان را پر کرده بود میگفت اصلاً غصه نخورید که اماکن امری را تصرف کرده‌اند زیرا در این موقعیت خاص محفل ملی احتیاج داشت که با فراغت بال به مسائل تبلیغی بپردازد و جمال‌قدم خود این فراغت را برایش فراهم کرد. می‌گفت زمانی حضرت محمد خطاب به پیروانش فرمودند هرچه که می‌خواهید آرزو کنید به شما میدهم. یکی نخلستان خرما خواست و یکی شتر زیاد و یکی مقام حضرت محمد. خطاب به آنان فرمودند همه را اجابت فرمودند و سپس با آه و حسرت فرمودند ای کاش اویس قرن هم اینجا بود. از این جريان سالها گذشت. حضرت محمد رحلت فرمودند. ابوبکر به خلافت نشست. ابوبکر از همان زمان این کلام حضرت محمد در گوشش بود سرانجام تصمیم گرفت که اویس قرن را پیدا کند پس از جستجوی فراوان دریافت که او ساربان گمنامی است که همیشه بدنبال قاله از شهری به شهری می‌رود. به مأمورانش دستور داد که زمانی که او به شهر وارد شد او را فزد وی بیاورند. مأمورانش نیز چنین کردند. وقتی او را آوردند ابوبکر دید مردی است با لباس مندرس و سرآپا گردالود. او را نشاند و منظور خود را باوی در میان نهاد و به او گفت این مسئله سالها در مغز من باقیمانده که چرا محمد آن روز آرزو کرد که تو در جمع باشی. راستی اگر از

کشید تا توانستم باورکنم و زمانی که دریافتمن که واقعیت است گریه کردم و گریه کردم نه برای او. چه کسی برای تمام شدن دریا اشک نمی ریزد بلکه برای نفرت گریه کردم و برای کینه و عداوت و سیاهی. برای آنها که نورش چشمshan را کور کرد. برای خودمان گریه کردم که لیاقت داشتن او را نداشتیم والا امید که زیر خاک پنهان نمیشود و سور را که نمی شود مدفون کرد. به خانه همسایه رفتم به اتفاقی که او آخرین بار در آن برای ما صحبت کرد. به محلی که آن شب ایستاده بود خیره شدم و جمال مبارک را شکر کردم، شکر کردم که او دیدم، او را شناختم، در محضرش نشستم، به چشمهای درخشناس خیره شدم و به دوره اولیه امر باز گشتم صدای گرمش در گوشم ظنین انداخت که ان بیان جمال مبارک را چون همیشه تکرار می کرد: "امروز باپی مفتح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجه کل عمل بسیار جزئی در مرأت علم الهی اکبر از چهل مشاهده میشود یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مرأت دریا دیده می شود"

آری و این چنین بود که ما در وجود آن ستاره درخشنان آسمان ابدیت آن تک چراغ روشن در میان ظلمات عصر کنونی ، گوشه ای از تاریخ عصر رسولی را دوباره نظاره کردیم.

شیراز زرین مقیمی ابیانه شهریور ماه ۱۳۵۹



خواهد هدایتش میکند. برخلاف ما که همیشه جلوی پایمان را نگاه می کردیم و بدین جهت در وحشت و اضطراب بودیم او همیشه به آینده امر ناظر بود بدون شک چشمهاش افقهای طولانی دور را به وضوح میدید که این چنین درخشش داشت. چه کسی می توانست چون او امید بیافریند و روحها را تازه کند؟ روزی در میان صحبتهاش که سراپا گوش بودم یکی از دوستانم که کنار نشسته بود آهسته در گوشم گفت: می دانی او مرا به یاد چه کسی می اندازد؟ به یاد مؤمنین عصر رسولی. مثل اینست که او از حضور حضرت اعلی یا حضرت پهاء الله آمده بود که این چنین سرشار است و در جهان دیگری سیر میکند وقتی حرف میزند خودم را در دوره اولیه امر حسن میکنم. حرفی که او زد عین احساس من بود.

آخرین بار که به کوچه آمد دو روز قبل از دستگیریش بود. آمد و برای احباء صحبت کرد و چون همیشه همه راسرشار کرد و رفت. دو روز بعد در خانه نشسته بودم که یکی از احباء آمد و باصدای گرفته ای گفت: می دانی آقای ذبیحیان را گرفته اند: مثل این بود که دنیا را برسم کوبیدند. خدای من چطور می شد آن روح وسیع را در پند کرد؟ ولی حقیقت داشت و دیگر چه کسی می توانست جای او را در میان ما پرکند؟ هیچکس چون او نبود. گوهر یکتائی بود که مامدّت کوتاهی فرصت تماشای تالو ش را یافتیم. شهاب نورانی بود که در آنی فضای اطراف ما را روشن کرد و ناپدیدشد. حدود یکماه گذشت . یکروز همان پیغمدی که خبر دستگیریش را آورده بود به خانه ما آمد اشک در چشمهاش موج می زد گفت: شهیدش کردند. گفتم که را ؟ گفت. ذبیحیان را و بغضش ترکید و های های گریه کرد. بہت و حیرت ناشی از ناباوری سراپا یم را فراگرفت چطور ممکن بود. چند روز طول

چند نکته درباره کلمات مکونه

« از جناب دکتر رضت تهمه محمد حسینی »

جمال ابھی بتکرار نازل است و از جمله در لوح مبارک سلطان است . . . " یا سلطان قد خبیت مصابیع الاصفاف و اشتعلت قار الاعتساف فی کل الاطراف الی ان جعلوا اهلی اساري من الزوراء الى الموصل الحدباء " ، که مراد از زوراء بغداد است و اصولاً عنوان زوراء در امر مبارک خاص آن مدینه الهیه است . حوادث مربوط به دوران اقامت جمال قدم در بغداد و باغ رضوان در کتاب بدیع و آثار دیگر و نیز در مطاوی تاریخ امر مبارک آمده است و حضرت ولی محبوب امرالله در اثر جاودانه خویش God Passes by اشارت نموده و فهرست جامعی از آثار نازله در آن مدینه مقدسه ارائه فرموده اند . به شهادت محمد زرندی نبیل اعظم در طول دو سال نخست پس از مراجعت از هجرت سليمانیه آیات صادره از فم اطهر جمال ابھی در یک شبانه روز معادل کل قرآن مجید بود و لکن بعلت ضعف عرفان عباد اذن استنساخ و انتشار آن آثار صادر نمیشد و به امر مبارک هزاران بیت از آیات مقدسه که اغلب بقلم خود آن حضرت تحریر یافته بود محو گردید و یا به شط افکنده شد . از میان آثار نازله در بغداد و باغ رضوان که اذن انتشار آنها وسیله جمال قدم صادر شده میتوان به هفت وادی ، چهار وادی ، لوح کل الطعام ، تفسیر حروفات مقطعه ، صحیفه شطیه ، لوح حوریه ، تفسیر هو ، لوح شکر شکن ، لوح حور عجائب ، لوح ملاح القدس ، سوره صیر ، لوح مدینه التوحید ، رساله ایقان ، جواهرالاسرار و کلمات مکونه اشاره نمود . این انوار جاریه از رضوان بقاء ربانی و دارالسلام الهی علت اصلیه انتشار امر اعظم در ایران و عراق پس از شهادت نقطه اولی بود و

کلمات مبارکه مکونه فارسیه و عربیه در سنّه ۱۲۷۴ هجریه قمریه (حدود سال ۱۸۵۸ میلادی) از قلم سلطان احديه در دارالسلام بغداد نازل شده است . (۱) بغداد در آثار جمال ابھی به مدینة الله و ارض زوراء تسمیه گردیده است . (۲) معنای واژه بغداد در پارسی خدا داده و یا خدا آفریده است . (۳) زوراء مؤنث لفظ ازور و بمعنای مایل و یا منحرف است . در معاجم لغت عرب علت تسمیه بغداد به زوراء بواقع از ورار قبله آن مدینه تصریح شده است . ازورار بمعنای کڑی و انحراف و تمایل و کمانی شکل بودن است . (۴) شهر بغداد کنونی به سال ۱۴۵ هجری قمری برابر با ۷۶۲ میلادی در ساحل غربی رود دجله و به امر ابو جعفر منصور خلیفه عباسی بنا شد و از آن پس یکی از امپراتوری بلاد دنیای عصر در مبادرات علمی و اقتصادی گردید . حدائق زیبا و وفیر شهر بغداد در آن روزگاران علت تسمیه آن مدینه را به دارالسلام (بهشت) بر حسب ظاهر توجیه می نمود وی بواقع عناوین مدینه السلام . وادی السلام و دارالسلام گویای استقرار مظہر الهی در آن مدینه منوره است و تقدیر ربانی بر آن بود که روزگاری شمس وجود اعظم مظہر الهی در آن ارض مقدسه بعالیان پرتو افسانی نماید .

هنگامی که بغداد جزئی از امپراطوری عثمانی شد (سال ۱۶۳۸ میلادی) تنها چهارده هزار نفر جمعیت داشت و در عرصه جهانی عظمت خویش را از دست داده بود . استقرار جمال قدم در بیت اعظم و اشراق شمس ظہور از باغ رضوان در سنّه ثمانین مقام بغداد را شکوه و استجلال و عظمتی جاودانه بخشید ، لفظ زوراء در الواح

مکنونه در تهذیب اخلاق بابیه آنچنان مؤثر افتاد که تقدیس و تنزیه از شطر آنان مرور نمود و اینست شهادت قلم اعلی در باب تغییر احوال بابیان پس از قیام آن حضرت به هدایت آنان: ”و نفسه الحق که در سنتین توقف عراق و ایام هجرت لیلاً و نهاراً از سماء اراده آیات واضحه صریحه در نهی عباد از غیر محاکم به الله نازل و به اطراف ارسال می شد تا آنکه الحمد لله بعضی از عباد بما اراده الله عارف شدند و عامل گشتند و تفہم تقدیس و تنزیه امریه الهیه ما بین بربیه مرور نمود.“ (۱۰)

و نیز در لوح شیخ نازل است: ”... بعراقب عرب توجه نمودیم و بعد از ورود به اعانت الهی و فضل و رحمت ربائی آیات بمثیل غیث هاطل نازل و به اطراف ارض ارسال شد و جمیع عباد مخصوص این حزب را بمواعظ حکیمانه و نصایح مشفقانه نصیحت نمودیم و از فساد و نزاع و جدال و محاربه منع کردیم تا آنکه از فضل الهی غفلت و نادانی به پر و دانائی بدل کشت و سلاح به اصلاح.“

عنوان ”كلمات مکنونه“ (۱۱) در نفس آثار جمال ابھی به این اثر جلیل اعطاء شده و به ”صحیفه فاطمیه“، نیز در آیات آن حضرت تسمیه گردیده است. در لوح سلطان عنوان این اثر ”صحیفه مکنونه فاطمیه“ و ”كلمات مکنونه“ آمده و در لوح شیخ ”صحیفه فاطمیه“ و ”كلمات مکنونه“.

حضرت عبدالبهاء به کلمات مبارکه مکنونه اطلق ”اسرار مکنونه“ نیز نموده اند. (۱۲)

حضرت ولی امرالله در God Passes by در توضیح علت تسمیه این لوح مقدس به صحیفه فاطمیه تصویر میفرمایند که بموجب احادیث اسلامیه حق تعالی صحیفه‌ای به فاطمه زهراء

ارواح مؤمنین را نیرو و فتوح بی حد بخشید. در این مقال کوتاه نظری اجمالی به مقدمات تاریخی نزول و کیفیت انتشار کلمات مبارکه مکنونه می شود.

صحیفه سماویه کلمات مکنونه حاوی تعالیم و مواعظ اخلاقیه و دقائق فلسفه و عرفان است. یکی از اهداف اصلیه نزول این اثر جاودانه تهذیب اخلاق و تعدیل اعمال اعضاء حزب بابی بود که پس از شهادت حضرت فقط اولی جماعتی از آنان پمرور زمان از صراط مستقیم اوامر قطعیه مبارکه عدول نموده. آحاد جماعت بابیه پزمرده و محمود و هر یک در گوشه ای خزیده بودند. بتصریح جمال قدم ”نفسی چند مشاهده شد بپرور و پزمرده بلکه مفقود و مرده، حرفی از امرالله مذکور نبود و قلبی مشهود ته.“ (۵)

و نیز میفرمایند: ”اعمال این حزب در اول ایام تعود بالله منکر، فی الحقيقة انسان تمی توانت حمل تعايد.“ (۶)

و نیز قوله الاعلی: ”در اوائل امر، اعمال بقسمی منکر مشاهده میشد که هر بصیری بحق پناه میبرد و هر سمعی در لیالی و ایام بعجز و ایتهال نجات میطلبید تا آنکه از فضل و عنایت به تحریر و بیان فی الجمله اعمال شنیعه به اعمال طیبه و اخلاق غیر مرضیه بمرضیه تبدیل گشت.“ (۷)

هجرت جمال ابھی به کردستان عراق (۸) جمع پزمرده بابی را افسرده تر ساخت. پس از مراجعت از دوران غیبت سلیمانیه نیز هم جمال قدم مصروف تهذیب یاران بابی شد و اگر چه نفسی از احباب نصرت ننمود و اعانت منظور نداشت (۹) ولیکن قیام جمال ابھی و انتشار آثار مقدسه آن حضرت و از جمله کلمات مبارکه

عمل بموجب نصائح وارده در آن تصريح و تأكيد شده است . در لوحى از جمال قدم است ”از قبل اين مسجون كلمات مكتونه که از مشرق علم ربانيه در اين طلبيعه فجر رحمانيه اشراق نموده پر احباب القاء نمائيد تا کل باتوار کلمه منور شوند و وصایای الهی را امام وجود خود نظر نمایند که مبادا غافل شوند و محتجب مانند“ .، (مندرج در مجموعه امر و خلق) .

و نيز از قلم حضرت عبدالبهاء در لوح قابل آباده نازل است : ”باید كلمات مكتونه فارسي و عربی را ليلاً و نهاراً قرائت نمائيم و تپر و زاري کنيم تا بموجب اين نصائح الهی عمل نمائيم . كلمات مقدسه بجهت عمل نازل شده نه بجهت استماع“ . . .

توصيف شيوه بيان حق در كلمات مكتونه در استعداد عباد نیست . زیبائی و شیوائی عبارت ، سادگی مضامین و در عین حال طرح غامض ترین مسائل عرفانی و فلسفی در آن عبارات و مضامین از جمله خصائص آن صحيفه ملکوتی است . شاید زيارت مکرر آن اثر جلیل تواند شخص محقق را به شمه ای از اوصاف منیعه صحيفه كلمات مكتونه واقف سازد . دریائی است بی کران که هر چه در آن اغتماس بیشتر ، در و گهر فراوان تر یافت شود . دیر گاهی است که عاشقان طلت ابهی این كلمات مقدسه را بحافظه می سپارند و چون جان شیرین عزیزش می دارند .

فقراتی چند از كلمات مباركه مكتونه بخط جمال ابهی در دارالآثار ارض اقدس موجود است . در لوح زین المقربین از قلم جمال قدم نازل است : ”از كلمات مكتونه ذکر نموده بودید بعضی از آن در یک لوح مرّة واحدة نازل و لکن در بعضی احيان فقرات دیگر

عنایت فرمود و آن صحيفه بقلم حضرت علی علیه السلام ترقیم یافت . فاطمه زهراء پس از رحلت والد خویش حضرت رسول اکرم برای رفع غموم طاریه آن صحيفه را تلاوت مینمود . شیعیان عقیده دارند که در یوم باز پسین صحيفه فاطئه در تصرف موعود است . . .

در ایام اقامت در بغداد و سکونت در بیت سلیمان غنام که به بیت میرزا موسی باپی (۱۴) اشتهر و در محله کرخ در ساحل غربی رودخانه دجله قرار داشت ، سحرگاهان جمال رحمن عازم کرانه دجله گردیده و به تمشی می پرداختند . در حین مشی بیانات رشیقه متینه اخلاقیه ، عرفانیه و حکمتیه از لسان قدم نازل می شد . گاه به مسجد متروکه ای که در آن حوالی بود تشریف فرما شده ، استراحتی فرموده و بیانات نازله را بر ورقی مرقوم مینمودند .

از قرائن موجود در تاریخ امر مبارک توان دریافت که كلمات مكتونه پس از نزول در دسترس عشاق جمال ابهی قرار گرفته و هم از آغاز نزول در محافل احباب مورد مذاقه و عمل بوده است . امارات موجوده گویای آنست که كلمات مبارکه مكتونه در همان سنه نزول در جمع مؤمنان انتشار داشته است . محمد نبیل زرندی در تاریخ خویش بدین نکته تصريح دارد . از قول میرزا محمود از اهالی قمصر کاشان نقل میکند که حاج میرزا کمال الدین نراقی پس از اعلام مژده ظهور حضرت بهاء الله (که البته اشاره به اظهار امر خفی مبارک است) ، فقراتی از كلمات مكتونه فارسیه و عربیه را برای او تلاوت کرده است . چون بتصریح نبیل زرندی ، میرزا محمود مذکور در سال ۱۲۷۴ هجری قمری وفات یافته لذا در همان سال نزول كلمات مكتونه ، این اثر جلیل در دسترس مؤمنان بوده است . در آثار جمال ابهی و حضرت عبدالبهاء بکرات زيارت كلمات مكتونه و

، چاپ سال ۱۳۴۶ ، طهران ، انتشارات امیر کبیر ، صفحه ۲۷۲ . و نیز مراجعه شود به جلد نخست کتاب سبک شناسی بهار و توضیح او در باب تطور معنای بعث در روزگار هخامنشیان و ساسانیان . به استناد تحقیق و تصویر مؤلف سبک شناسی در اواخر عهد ساسانیان واژه ،، بعث ، به اطلاق معنای خدای خالق جهان بکار می رفته است .

(۴) رجوع فرمایند از جمله به متنه الرب و المنجد از معاجم معروف لغت عرب و در ذیل کلمه ،، زار ،. همچنین نظر فرمایند به توضیح نوغل افندی در کتاب صنایع الطرب فی تقدیمات العرب در باب معنای زوراء (صفحه ۱۴۲) . زوراء گه به ارض ری نیز اطلاق شده است و جمال قدم در رساله شریفه ایقان بدین نکه اشارت فرموده اند قوله الاعلی : ،، حال ملاحظه فرمائید که زوراء موافق این روایت ارض ری است ،، . بغداد در روایات اسلامی ظهر الكوفه نیز نام گرفته است (رجوع فرمایند به صفحه ۱۰۹) .

(۵) لوح مبارک مریم .

(۶) کتاب اقتدارات صفحه ۸ . (۷) کتاب اقتدارات صفحه ۲۱ .

(۸) از ۱۲ ربیع ۱۲۷۰ تا ۱۲ ربیع ۱۲۷۲ هجری قمری .

(۹) برای آگاهی بیشتر در این باب از جمله رجوع شود به آخرین صفحات کتاب مبارک ایقان .

(۱۰) لوح مبارک نقل از جلد نخست رحیق مختوم صفحات ۷۰ و ۲۱ .

نازل شده . بعضی کل راجمع نموده اند و بعضی متفرق است . اگر جمع شود احسن بوده ،،

زین المقربین در اتباع امر جمال قدم به جمع کلمات مکنونه پرداخت و نسخ موجود غالباً مأخذ از نسخه خط زین است ولیکن این نسخ در ترتیب بخشها متفاوتند (۱۵) اگر چه هر بخشی استقلال خاص دارد و تقدم و تأخیر بخشها خلی در ادراک مفاهیم مندرجه ایجاد نمی کند .

سید محمد عزاوی مصری که مدتها در عراق ساکن و به وطن جمال مبارک نیز مسافرت نموده بود به ترجمه کلمات مبارکه مکنونه فارسیه به لسان عربی مبادرت نمود . کلمات مبارکه مکنونه نزد صاحب نظران و استادان ادب و عرفان از غیر بهائیان و نیز خاور شناسان مرتبت خاص دارد . پروفسور برتس خاور شناس شهیر روسی به کلمات مبارکه مکنونه عشق فراوان می ورزیده است (۱۶)

زینویس (۱) God Passes by صفحه ۱۴۰

(۲) بغداد از زمان آشوریان مرکزیتی یافت و غالباً محل استراحت کاروانیان و معاوضه کالاهای تجاری بود . منصور عباسی شهر جدیدی در محل مذکور بنا نهاد . بغداد صدها سال پایتخت خلافی عباسی بود و سرانجام در سال ۱۲۵۸ میلادی و سیله مهاجمان مغول تسخیر و تخریب گردید . تیمور و پس از او شاه اسماعیل صفوی نیز قیام مردم بغداد را سرکوب نمودند تا آنکه بغداد جزوی از امپراتوری عثمانی شد و تا سال ۱۹۱۷ میلادی که وسیله قوای انگلستان تسخیر گردید در تحت سیطره حکومت عثمانی بود .

(۳) محمد معین ، فرهنگ فارسی ، جلد پنجم

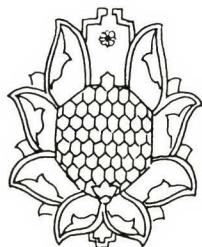
و گاه در منازل احباب زیارت میشود .
کذشته از استنساخ الواح از خدمات جاودانه
جناب زین المقربین میتوان به اعانت در جمع
آوری حقوق الله ، تنظیم صحیفه کلمات مکنونه و
نیز رساله سوال و جواب اشاره نمود .

I.E. Bertles (۱۶) ای ای برتلس
خاورشناس روس از ایران شناسان و خاور
شناسان بنام جهان است که آثار فمیسی در
باب ادب ، عرفان و آئین ایرانیان از خویش
بیادگار نهاده است . مجموعه ای از آثار
برتلس طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ در چهار جلد
و در ۲۱۳۲ صفحه در مسکو بطبع رسیده است
. کتاب کلمات مکنونه همواره بر روی میز کار
برتلس دیده میشده است .

توضیح

در صفحه بعد مقداری از تقاسیر و تبیینات
نازله از اقلام طلعت مقدسه این ظهر اعظم را
که توسط یکی از یاران عزیز روحانی جمع آوری و
بمنثور درج در عندیلیب برای استفاده دوستان
ارسال داشته زینت بخش اوراق مجله مینمائیم
یقین داریم که مطالعه آثار مبارکه مزبور موجب
مزید اطلاعات یاران در درک حقائق و اسرار
مستوره در صحیفه معزونه کلمات مبارکه مکنونه
خواهد شد .

عندیلیب



(۱۱) در میان آثار فلسفی اندیشمندان ایرانی
کتابی با نام ، ، کلمات مکنونه ، ، موجود است.
این کتاب در مسائل مختلف حکمت قدیم
وسیله ملا محمد بن مرتضی معروف به ملا محسن
فیض کاشانی (حدود ۱۰۰۶ تا ۱۰۹۰ هجری
قمری) تألیف گردیده است . ملا محسن فیض
شاگرد و داماد صدر الدین شیرازی (معروف
به ملا صدرا) بود . جمال ابھی در لوح
سلمان اشارت به تابیت ملا صدرا و ملا محسن
فیض از عقیده وحدت وجود محیی الدین عربی
فرموده اند .

(۱۲) رجوع فرمائید به لوح مبارک حضرت
عبدالبھاء مندرج در جزء دوم مائدۀ آسمانی
صفحات ۳۵ تا ۳۷ .

. ۱۴۰ صفحه .

(۱۴) مراد میرزا موسی (فرزند حاج میرزا
هادی) جواہری است که از قلم جمال ابھی به
حرف البقاء تسمیه شده است . برای آگاهی
بیشتر از اوضاع بیت بغداد که در آثار جمال
قدم به بیت اعظم ملقب گردیده است از جمله
رجوع شود به صفحات ۱۲۹ ، ۱۳۰ ، ۱۳۴

God Passes by

(۱۵) ملا زین العابدین نجف آبادی که از قلم
اعلی به زین المقربین ملقب گردیده است از
خدامین جلیل القدر امر ابھی است . شرح حال
او را حضرت عبدالبھا در تذکرة الوفاء مرقوم
فرموده اند و جناب فاضل مازندرانی به تفصیل
سرگذشت او را در مجلدات ظهور الحق نکاشته
اند . جمال قدم ، حضرت عبدالبھاء و حضرت
ولی امرالله غالباً تطبیق نسخ مختلف آثار مبارک
را با نسخه خط زین توصیه فرموده اند .
جناب زین با خط زیبای خویش آثار بسیاری را
استنساخ کرده اند که در دارالآثار ارض اقدس



كلمات مكتوبة

مقدمة

مجموعه کلمات مكتوبة از آثار گرانبهای حضرت بهاء بل اسمه الاعلى است که در آیام قوت بعده از مازل کردیه تا پنج ترول پنج سال قبل از اهدا امر مبارک در پایان پنجمین

بعداد است.

حضرت عبد البهاء بخط مبارک این سطر مختصر را در این باره مرقوم شرموده و در طبع سال کلمات مكتوبة به نگارش تهیی شده و در سال ۱۹۲۰ در مصر طبع رسیده است مندرج شده:

« این کلمات مكتوبة و شامل مختصر که از سلطنت حضرت بهاء صادر در بعداد در سال ۱۲۷۴ هجری مازل شده .

عبدالبهاء عکس »

حضرت بهاء در لوح مبارک خطاب بجانب زین العابدین چنین می‌نویسد :

« در کلمات مكتوبة ذکر نموده بود یعنی آن دیگر لوح مرقا و احمد نازل و مکن در بعضی احیان فقرات دیگر نازل شده

بعضی کل اجمع نموده اند و بعضی متناسب است ارجمند شورون بوده عیند اسره رکب درب العالمین »

حضرت عبد البهاء در لوح مبارک خطاب بجانب قابل آبادی می‌نویسد :

« ای جانب قابل باید کلمات مكتوبة فارسی و عربی بیان و نهاد فرست نمایم و تضعیف وزاری کنیم تا بوجب اینها

الآن عمل نمایم این کلمات مقدمة بجهة عمل نازل شده بجزئیه »

شرح بیان معانی بعضی از کلمات مبارکه عکس را که اقلم مبارک حضرت عبد البهار و حضرت ولی امر آسم صادر کرده:

۱- دلکه مبارک که ابتدای آن بین عبارت شروع میشود:

”ای دوستان من یا فراموش کرد و اید ان صحیح معاشر شنیده اند ...“

دربیان معانی آن حضرت عبد البهار در لوح مبارک خطا بخوبی بین هر سیفرا میند

”... و اما شجرو ایسا هر ایکیم کیم نیست و شجره بیانات والریتره ایتی ااشرقیه ولا غربیه نیکا و نیتا یعنی ولوم پیش نماید“

ذیر در لوح مبارک خطا بهرام جویه خوش میفرماید

”... اما مراد از آن عبارت فتو کلامات عکس را یعنی صحیح معاشر شنیده بخواست که حضرت اعلیٰ تعالیٰ فرموده ولاد از شجرو مبارکه جمال

قدم است و مراد از آن فضائی دل و جان است و حضور خلق عبارت از حضور روحانی از حضور جهانی و ندانی آلسی و رضای ای دل

و جان بندش و حی خلوت هشتاد نشانه لذا مد چون شنیده“

۲- دلکه مبارک که ابتدای آن بین عبارت شروع میشود

”ای دوستان خدای خود را بر رضای من خستی مکنید“ سیفرا میند: ”در طریق از اسطر قدس که در لوح پنجم از فرق است میفرماید“

دیگرین دلکه مسب که که ابتدای آن سیفرا میند:

”ای پر ای جامه غزو در ازتن باراید“ سیفرا میند: ”در طریق از اسطر قدس که در لوح یاقوت از قلم خنثی ثبت شده،

دربیان معانی آن حضرت عبد البهار در لوح چنین میفرماید“

”ای الواح مکلوت است که از قلم اعلیٰ در لوح فتح موقت مرقوم است چنین الواحی از عالم مکلوت در عالم باشند نازل گشته بلکه در خزان

عیسیه مخدود و مصون است اگر و قمی نفسی چنین الواحی ابراز نماید و بیشتر بحق و هر کوچک این یاقوت است و یا لوح چنین از فردوس است

”اصل ندارد“

۳- دیگر سبک که ابتدا آن میگیرد: «گوای اهل ارض برستی جانید که علی نامانی شاراد پی است».

این جایت نازل شده: «قسم بحکم که در الواح زبرجدی افسلیم علی جمیع احوال شما ثابت گشته».

در بیان معانی آن حضرت عبد‌الله، در لوح هزار خط بسیراً محمد باشتر هشیار از اهل شیراز میگیرد:

«رَأَيْتُ لَوْحَ زِبْرِجْدِيْ وَلَوْحَ مَخْرُوفَ طَغْوَيْدِ بُودْمِیْ اِيْنَ لَوْحَ زِبْرِجْدِيْ كَتَبْ عَمَدَتْ وَلَوْحَ مَخْرُوفَ طَغْوَيْدِ اِسْتَ كَمَخْرُوفَ طَغْوَيْدِ بُودْ»

که نون بود طاھر و اشکار گردید و در بوطن کتاب عمد لوح زبرجدی مندرج و مندرج است.

و پیغمبر در سفرنامه امریک سخن ۱۵۲ مرقوم است:

«واز جبد مطلبی که اجابت سوال کردند معنی الواح زبرجدی در کلمات مکنوز بود فرمودند:

مراد لوح از الامبارک است و فایه از اینکه الواح آنها بر نسلکای گرانبهانه نشود اما اصطلاحات شرقی

که نون بعنای امیشیت و حمرا را تپنا و شادت چهار را بمعام قصیده و صفر از باجرای امور تعبیر مینهند».

۴- کلمه مبارک که میگیرد:

«ای دوستان من باید آن عهدی را که در جبل خواران که در بعد زمان واقع شده با من نموده اید...»

در بیان معانی آن حضرت عبد‌الله، در لوحی میگیرد:

«ای عهد و میشاق است که جمال مبارک در ارض مقدس بنتیم علی در جبل شجوره ایم اگر فردا نمود و بعد از

صعود احلاع شد».

۵- کلمه مبارک که میگیرد:

«ای پسرانهاف! می‌حال بیکل تبا اعقابه زمردی و فاقده همه بیچاره نمود...»

در بیان معانی آن حضرت عبد‌الله میگیرد:

«معام عقبه زمردی با مطلع شیع بیل احسانی و حضرت اعلی وحی از الفداء عالم قدر است و این عقبه

بسیار صعب المرؤ است».

و نیز در باره اسما که حرف اول و دویم آن ذکر شده‌اند می‌فرمایند:

«آن اسم عظیم اسم عظم است مراد جمال مبارک است و آنچه این‌روز در دوست است متعال
و هر حرف از اسم عظم است و آن ب و م»

و تجھیزین در لوح مبارک دیگر چنین بایان می‌فرمایند:

«و آن عبارت کلمه مبارکه دا سرا برگشته که باین مضمون می‌فرماید سیکل تبا اعقبه زمردی و فابسه متوجه
نمود و گریت و کرو بیان از نامه او گریتند چون استفاده شده بیکل تبا شه نمود و اعقبه و فاطمه زاده
وراهک و فانی قدم چون بجمع نمودم حمات قدسی خانه دیدم در دوست کلاب ارض مبتدلا و حواریه الی سرل
از اسمی آنها نمود جمع نموده شدند مگر اسما از اسما چون حرف اول اسم از اسان جاری شد اهل عرفات
بیرون دویدند و چون حرف ثانی شنیدند بر راب رخیزند و از گمن غیب نداشند شد که زیاده بزاین جائزه
این مضمون آن کلمات مکنونه است زین عبارت باری علاوه نمایند آن اسمی که در آن زمان بحاجه داشت
چه بود علاوه نمایند که بیو فایان چه کردند و چه خاره داشتند اویسی بود که نکردند و صد هزار که نکردند
و سبیف جغا هر دم جسد مظلوم را قطعه قطعه نمودند و این در زده به ره واضح و مشهود است عجزت از این آنکه
با وجود این ظلم و دشمنی دشمنی مظلوم است تیر می‌فرمایند فاعجز برداش اوی اوی الاباب»

و پربر حضرت ولی امراءه در توقيع مبارک خطاب یکی از احادیث مبنی می‌فرمایند:

«راجح بسؤال ثانی فرمودند مقصود از حروف ذکر حرف اول و حرف ثانی اسم مبارک جمال قدم است
یعنی ب و د و مقصود مبارک هیئت که آنچه دهشت این هر حرف مکنون و غمزدون است غلط گذشتہ عالم
کون هستوز استداد و خابهیت طور در برور تجھیت الهیه را بتمامه مانیا قهقهه بیریخ آنچه در هیئت عرف ثالث

که متمم هم بارگ است مستور و منسج است بر عالمان ظاهر و مکشف گردد فرمودند و در عالم
دیگر مقصود و صفت بایایی دارد و برجال بارگ است که از حد احتمال خارج و شهی از آن بر این عالم معلوم
و مکشف ...

و در کتاب در درباری حضرت ولی امراء پسر انس مج این کلمه بارگ است :
«ای پسر اضافه دل جعل بیکل تبا انخ ...» چنین مرقوم فنسه موده اند
ترجمه ، آیا این کلمات بلوچ امشعر بر آن نیست که نهاده ای همراه روبرویی و تکامل است و آیا در آن
بر آن ندارد که حامل این پیام معرف بر آن است که امری کی از جانب خداوند بر آن بیو شگشنه چنین
خانمیست ندارد و نهاده ای دیگرین نهاده شیوه است و هیا این نیست ؟

۶- کلمه بارگ «ای پسر ہی تاگی مدھو ای نفاذی طیران نهائی پر غایت فنسه مودم ناده ہو ای قدس معانی
پروارخی نہ در فضای مضم شیطانی شا ز محنت فرمودم مگر میسوی یشم شانه نهائی نه مکویم بجز اشی .»

حضرت عبد الجبیر ، در سعی پردازانه در روحی چنین میفرمایند :

«و اما پر دشنه که در بکم بارگ کنم که کور آن نیشاق الهی است این عهد و میشاق از برای ان لفظ
شده که دخاب بسی بدها نمایند زنگی مکوی بارگ یعنی امر بارگ را بخراشند ولی کلی
چشم اضافه بته نهایت جفا و اضافه پنجه»

۷- کلمه بارگ که ابداعی آن بین خلاصه و عیشود
«ای پسران آدم کلد طیسبه و اعمال طاہر مقداره لک ، میفرمایند :

«چکه عقیب صراfan وجود دپیگاهه بجهتوای خالص پذیرنده غیر اعمل باکه نسبت دلخاند»

حضرت عبد البهار در تفسیح تبیین این جمله چنین سیفیاند:

«ای بندۀ جمال این سوال از آیه مبارکه مفوّده بود که میغاید، و عقیب صراfan وجود دپیگاهه بجهتوای خالص پذیرنده غیر اعمل باکه قبول نمایه مفهومی این آیه مبارکه مفصل در فصل زمخضه بیان شده و آن همیست که ما ادای تقویت مدل اپل در دگاهه اجید مقبول شجربی ثمر در نزد اصحاب ان احمدیت پسندیده نیست ایمان مانند شجبه و تقویت مدل اپل که شاید ایام غشم تقویت ایه بوت بر عهد و پیمان است مدل اپل یعنی قرار و کردار گفت رهایان حقی که مطابق و صاید و نصائح ایه است . « مختاری علیه این مدل

۸- مکریمہ اک کہ: «ای بندۀ من ملک بزیوال را بازیابی از دست منه دشمنی فروں را بشنوی ارزت مده ..»

حضرت عبد البهار در تفسیح آن چنین سیفیاند:

«وَأَنَا مَا سَلَّتْ مِنَ الْمَوْلَوْ الْمَصُونِ فِي الْكَلْمَنِ مُخَاطِبًا إِلَى هَمَّ الْرَّاجِعِ إِيَّاكَ أَنْ تَحْسِمْ نَفَرَكَ مَلَكًا لِإِرَازَلِ سَبِيبِ الْأَزَالِ إِيَّاكَ حَرَمْ نَفَرَكَ مِنَ الْمَوْاهِبِ الْأَلِيمَةِ الْمُخَرَّجَيِّهِ وَالْمُعَطَّاهِ الْمُوْفَرَ وَالْمُؤْثَرِ مَلَكَكَو سَبِيبِ اتَّبَاعِ الشَّهَادَاتِ التَّعَالَيِّيَّهِ اللَّاهُمَّ ابْحَمْنِي وَالْأَحْدَامِ شَيْطَانِي فَلَا زَالَ كُنْيَاهُ عَنِ اتَّبَاعِ الشَّهَادَاتِ وَأَرْكَابِ الْمُخْلِسَاتِ مِنْ أَنَّ نَوْعَ كَانَ وَلَهُ الْآياتُ الْبَيِّنَاتُ . »
(مختاری علیه)



پیری

پیری و جوانی چوش و روز برا آمد	ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتم
محمد ای نوجوان زنها را بر مومی پسید من	سعدی
پمایانه ام زرع شه پیری بنا کن بخت	بعد از هزار دور که نوبت بهار رسید
خمیده پشت زان دارند پر این جهان مذید	صاحب تبریزی
تازه بولن زسر ریخت	که اندر خاک می گویند آیام جوانی را
پیر بخندید و بگفت ای جوان	نظری
یاد آیام جوانی بگرم خون میکرد	گفت پیری که محانت بخند
صد حیف که ما پیری بجهان مذید نمودیم	چرخ تو را نیست و ده رایگان
در جوانی بخوشی ملک فیلم	بعد ایظیم قریب
چونکه پیری رسید دانشم	خوب شد پر شدم کم کم سنان آمد
	اینج میزرا
	روز کیه رسیدم با آیام جوانی
	واعظ قزوینی
	شیر شیر است گرچه پیر بود
	پیر پر است گرچه شیر بود
	کاظم پر نشکی

ترجمه پایام مکرافی بیت العدل عطشم آئی خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان بلیز

۳ آگوست ۱۹۹۰

شمالی و جنوبی الی البد زینت بخش فصول درخشنان تاریخ انتشار امرالله در آن صفحات خواهد بود. مراتب همدردی عمیق خود را به اعضاء محبوب عائله جناب دکتر احمدیه که همواره خدمات آن متصاعد الی الله را صمیمانه حمایت و تائید می نمودند ابراز میداریم. در اعتاب مقدسه دعا می کنیم که روح پر فتوحش در جمیع عوالم الهی اجر جزیل یابد و به سعادت و سرور ابدی نائل گردد.

شایسته است جلسات تذکری بیاد آن متصاعد الی الله در مشارق اذکار پاناما و ویلمت و در کلیه جوامع بهائی در سراسر قارآت آمریکا منعقد شود.

بیت العدل اعظم

از صعود غیر مترقبه جناب هدایت الله احمدیه خادم بسیار محبوب و جانفشنان و خستگی ناپذیر جمال اقدس ابهی که در شرایطی ناگوار اتفاق افتاده است عمیقاً متاسفیم.

مجاهدات مستمر آن متصاعد الی الله در اعلاء امر حضرت بهاء الله با مشارکت موفقیت آمیز در نشر فتحات مسکیه الهیه مِن جمله از طریق تهیه دفترچه مصوّری که در خدمات تبلیغی مورد استفاده بسیاری از یاران و جوامع بهائی قرار گرفته است محور اصلی خدمات پرشوری است که در سمت مشاور قاره‌ای در آمریکا و سالها خدمت بعنوان عضو و رئیس محفل روحانی ملی کشور بلیز و مهاجرت در ایام شباب در ایران بدانها قائم بودند. موفقیت‌های برجسته ایشان طی اسفار بی شمار تبلیغی در آمریکای مرکزی و



هرگز نمیرد آنکه لش زنده شد به عشق

در جواب عریضه این خادمان نگارش مباحثی را در دو موضوع "آثار آفاقیه و افسیه ظهور مبارک، قوای مندمجه و مکنونه در کلمه الله" مورد قبول و اجابت قرار دادند. از آنجا که بنا بر تقدیر الهی آن طیر خوش الحان حال بر شاسخار گلشن رحمانی به تغیی مشغول است عندلیب بپاس خدمات متماضی و تجدید خاطره ایشان مولاضع مزبوره را بمسابقه میگذارد تا ارباب قلم و داشمندان و دوستان رحمانی با شرکت در مسابقه بی سابقه مزبور سهمی در تجلیل خدمات آن خادم "بسیار محظوظ و جافشان و خستگی ناپذیر جمال اقدس ابهی" یافته و یاد او را در خاطر خویش گرامی داشته و روحش را در ملکوت بقا شاد و مستبشر سازند.

توضیح آنکه مقالات تنظیمی باید حد اکثر تا ۲۱ مارچ ۱۹۹۱ به پست تسلیم شده باشد. به بهترین مقاله جائزه نفیس تقدیم و شرح حال نویسنده و عکس او در صورت تمایل چاپ خواهد شد و جایزه مقالات درجه دوم و سوم سه سال و دو سال مجله عندلیب برایگان میباشد البته مقالات مزبوره نیز در صورت تمایل نویسنده چاپ خواهد شد. تشخیص و تصویب مقالات و اصله بعده هیئت سه نفری، مرکب از یکنفر از اعضاء لجنه عندلیب و دو نفر از فضلاء امرالله پتشخیص لجنه خواهد بود. مقررات عمومی عندلیب در باره اینگونه مقالات نیز رعایت میشود.

با تقدیم تحيات بهائی
هیئت تحریریه عندلیب



خبر صعود غیر متوجه و ناگهانی مهاجر عزیز بلیز، مشاور محترم قاره‌جنباب دکتر هدایت الله احمدیه علیه رضوان الله و بهائیه موجب نهایت تأسف و تأثیر قاطبه یاران و این خادمان گردید.

آن نفس نفیس در مدت زندگانی فانی، دقائق ایام را غنیمت شمرد و با دوراندیشی روحانی و عاقبت بینی، هیچ فرصتی را از دست نداد و افاس طیبه حیات خود را در خدمت و نصرت امر ملیک امکان مصروف داشت.

خدمات تشکیلاتی ایشان در مهد امرالله در عنوان شباب و خاطرات شیرین اسفار تشویقی و تبلیغی آن روح پاک در سائر نقاط جهان و قیافه شاد و خندانش هرگز از یاد نرود و در دفتر روزگار جاودان بماند.

از آنجا که او برای خدمت بعالی انسان خلق شده بود لذا در حین خدمت، با دستی پر بعالی بقا شافت و در جوار رحمت کبری مقر یافت.

ترجمه پیام منیع معهد اعلی که در قبل باستحضار رسید گواه این بیان و مؤید ارزش معنوی خدمات آن جان پاک در جهان خاک است. گرچه در این عالم جایش خالی است ولی اثرات خدماتش سرمشقی جاودانی است. این هیئت در نهایت خضوع صعود آن مروج برآزندۀ امرالله را بفرد فرد اعضاء عائله شریفه ایشان قسلیت گفته و صبر جمیل از آستان رتب جلیل برای آنان مسئلت مینماید.

قابل توجه ارباب قلم و دوستان امّی

جناب دکتر احمدیه علیه رضوان الله در مرقومه مورخه ۱۲ جون ۱۹۹۰ خطاب بلجنۀ ملی عندلیب

پیام معهد اعلیٰ درباره اتفاق و کلاس فارسی در مدرسه بهائی لوهلن

۸ شهرالرحمه ۱۴۷ ۱ جولای ۱۹۹۰

هیئت مدیره محترمہ مدرسه بهائی "لوهلن" دامت تائیداتها.

انعقاد مجمعی از یاران عزیز فارسی زبان آمریکا و کانادا در مدرسه بهائی "لوهلن" و حضور ایادی امراض جناب ورقا علیه بهاء الله بسیار مبارک است.

بیت العدل اعظم الهی مقرر فرمودند اطمینان داده شود که در مقامات مقدسه علیاً جهت یاران عزیز ایرانی مقیم ممالک سائره و موقیت مجمع مذکور دعا میفرمایند تا ان شاء الله کل باعچه لایق و سزاوار عبودیت آستان الهی در

این ایام است مفتخر گردند و بر اجرای وظائف مهمهای که در قبال هموطنان فدایکار و ثابت قدم خویش در مهد امراض بعده دارند موفق شوند و در خدمات یاران آمریکا و کانادا در ظل هدایت محافل ملیه و مؤسسات امیریه جهت تحقق اهداف نقشه شش ساله آن بلاد علی الخصوص مهاجرت و تبلیغ و خدمات سائره گوی سبقت را بربایند و موجب سرور و افتخار و رضایت آن محافل گردند.

با تقدیم تحيات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم



احبّا میباشند تا با خدمات مستمرة خود در این ایام منقلب زود گذر در ظل هدایت محافل ملیه و مؤسسات امیریه جهت تحقق اهداف نقشه شش ساله خصوصاً تبلیغ و مهاجرت که مورد تأکید در دستخط معهد اعلیٰ واقع شده اقدام نمایند.

نظم و ترتیب کلاسها و وقت شناسی احباب برای شرکت در جلسات خود قابل توجه و تقدير بود. شبها با جلسات بزم روحانی و شعر و ادب و آهنگ های دلنواز ایرانی و صدای خوش خانم شکوه رضائی برگزار میشد. عکس بالا نمایانگر یک شب فراموش نشدنی است .

در تابستان سال جاری هیئت مدیره مدرسه بهائی لوهلن در ایالت میشیگان آمریکا برای مدت چهار روز کلاسهای تزئید معلومات امری بزبان فارسی منعقد ساخته که قریب چهارصد نفر از یاران ایرانی در مدرسه مزبور شرکت نمودند . پیام معهد اعلیٰ که فوقاً درج گردیده چند مرتبه در جلسات منعقده قرائت و حاضران از عنایات آن معهد جلیل نهایت تشکر و سپاس را ابراز داشتند باید توجه داشت که این پیام منبع در حقیقت پیامی است عمومی و مخاطب آن کل

پاسخ (قسمت ششم)

نمیتواند نسبت به آنچه در کتاب آمده و راهی که برای رستگاری بشر پیشنهاد شده مخالفتی ابراز دارد) بسیار خوشحال شدم که مطالب مندرجه در کتاب مورد بحث بطور کلی مورد تائید شماست و میتواند مبنایی برای اختلاط و مبادله افکار ما در آتبه باشد اما در عین حال از فحوای کلمات در نامه شما حسن کردم که امید چندانی به توفیق دیانت بهائی در ایجاد وحدت بشر ندارید و مشکلات موجود را عظیم تر از آنچه که هست می بینید. البته مشکلات فراوان است و رفع آنها آسان نیست اما آن اندازه که شما مأیوس و دلسوز هستید من نیستم. قدر مسلم این است که اجتماع بشری به پیش میرود. شاید دقیقاً در مسیری که باید باشد نیست اما اذعان باید کرد که رو بقهرا هم نیست. مؤسس دیانت بهائی در خطاب به یکی از پارسیان ایران مینویسد که (....) رگ جهان در دست پژشگ دافا است درد را می بیند و بدانای درمان میکند. هر روز را رازی است و هر سر را آوازی ، درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر. امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید. دیده میشود گیتی را دردهای بیکران فرا گرفتو او را بر بستر ناکامی انداخته . مردمانی که از باده خودبینی سرمست شده اند پژشگ دافا را از او باز داشته اند. اینست که خود و همه مردمان را گرفتار نموده اند. نه درد میدانند نه درمان میشناسند راست را کز انگاشته اند و دوست را دشمن شمرده اند. بشنوید آواز این زندانی را بایستید

سرور گرام و دوست بسیار عزیز:

نامه مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۸۸ شما هفته گذشته واصل شد و طبق معمول حاوی لطف و محبت فراوان بود. صمیمانه از ارسال آن سپاسگزارم. مطالب متعدد و جالبی نیز در نامه مطرح فرموده بودید که طبق معمول همه آنها آموزنده و در خور مطالعه و مذاقه کامل است. Stanwood Cobb در مورد کتاب تقدیمی بقلم استفسار فرموده بودید. نویسنده مزبور آمریکائی بوده و در سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۰ در شهر اسلامیبول در ترکیه استاد ادبیات انگلیسی و زبان لاتین بوده است با تصوف شرق و عقاید هندو و تیاسفی ها و وحدت وجودی ها آشنازی کامل داشته و مطالعات عمیقی در این رشته از مذاهب شرق داشته است. در ترکیه بواسطه قرب جوار فلسطین و اطلاع از تعالیم دیانت بهائی برای دیدار حضرت عبدالبهاء به عکا میرود و دیانت بهائی را تصدیق میکند و برای بار دوم در ۱۹۱۰ مجدداً به دیدار ایشان می شتابد و بعد از آن با نوشتن کتب متعدد سعی کرد این مطلب ساده را توضیح و تشریح کند که دیانت برای پیشرفت و سعادت اجتماع لازم است. ادیان عتیقه برای زمان خودشان بودند چون هر دیانتی در مسیر پیشرفت و تکامل اجتماع بشری مقام و دوره معینی دارد و برای زمان حاضر تعليمات دیانت بهائی دوای در دنیای دردمند، پریشان و درمانده است.

مرقوم فرموده بودید که (هیچ فردی که معتقد به اصول انسانی و نظام سالم اجتماعی باشد

دیانت اسلامیه و از خواص مذهب تفرق و تشیت است بین ملل متعدد و ضعف و انحلال وحدوث حروب اهلیه و دخول بدع و اهواه و عبادات باطله غیر اصلیه) . شما وقتی مرقوم میفرمایید (مذهب بهائیت) بنظرم میآید که امر بهائی را با مذهب شیعه یکی گرفته‌اید . در تعریف بالا به خواص دیانت و خواص مذهب مجدداً لطف کرده توجه بفرمایید . امیدوارم که دریچه تازمای در آن مبنای فکری پیش ساخته شما راجع به دین و مذهب و اختلاف آنها Baha'i Religion مفتوح گردد . دین بهائی داریم اما داریم امر بهائی Baha'i Faith هم داریم اما مذهب بهائیت نداریم . استدعا آنکه مذهب شیعه و سنّی و زیدی و حتی را نیز با دیانت اسلام فرق بگذارید و مذاهب پروتستان و کاتولیک و ارتودوکس مسیحی را نیز با دیانت مسیح یکی ندانید . دیانت علت اتحاد و مذهب علت تفرق و انحلال است .

از لغات بگذریم و به متن توجه کنیم . قبل از معرض داشتم که فحوای کلمات و جملات نامه شما نشان بد بینی شما است و با اینکه مطالب مندرجه در کتاب بطور کلی مورد تائید شما است اما به توفیق دیانت بهائی در ایجاد وحدت بشر امیدی ندارید . علاوه بر این احساس کردم که به بعضی از مسائل مطروحه نیز معتبر هستید از جمله این موضوع که (شرط لازم برای اتحاد و صلح و آرامش دنیا قبول یک دیانت واحد شناخته شده) مورد اعتراض است و مطرح فرموده اید که قبول اصل ولایت فقیه هم از جانب همه مردم دنیا میتواند صلح و آرامش به بار آورد اما مورد پسند شما نیست . عین جمله شما را که در صفحه اول مرقوم فرموده اید تکرار میکنم که (اگر همه افراد بشر مسلک ولایت فقیه را قبول کنند یعنی از خود سلب اختیار کرده و تصمیم همه چیز زندگی را به یک فرد واگذار کنند و او را در مقام ولی و وصی

و بگوئید ، شاید آنکه در خوابند بیدار شوقد...) بایستیم و بگوئیم چون خیلی ها که در خواب بودند بیدار شدند و بازهم بیدار خواهند شد . این روال دنیاست همه چیز در یک شب به وجود نمیآید زمان لازم است .

مرقوم فرموده بودید که (در کتاب مورد اشاره شرط لازم برای اتحاد و صلح و آرامش دنیا قبول یک مذهب (بهائیت) و تعليمات آن شناخته شده) و در صفحه دوم مرقوم فرموده‌اید که (تردید نیست که دین بهائی از آنجاییکه ...) در جای دیگر همین صفحه (چه دلیلی وجود دارد که دین بهائی نیز مواجه ...) . بنظرم رسید که در خاطر شما دین و مذهب یکی است و تقاوی باهم ندارند . سایر مردم هم معمولاً دین و مذهب را با هم اشتباه میکنند و نتیجه اش سوء تفاهمن است چون دو چیز کاملاً متمایز و مختلف را یک چیز قصور میکنند . میرزا ابوالفضل گلپایگانی مؤلف کتاب فرائد در صفحه ۱۶۵ چاپ مصر مینویسد که (بدان ای ناظر در این صحیفه که دین عبارتست از شرایع و قوانینی که بوضع الهی و وحی سماوی بر یکی از افراد بشر نازل گردد و موجب انتظام امور روحانیه و ملکیه ملتی شود مانند دیانت موسویه و نصرانیه و اسلامیه و امثالها و از خواص دیانت قوتست و قدرت و نفوذ کلمه و جمع و تألیف امم مختلفه و عناصر متعدده در تحت کلمه واحده و ارتباط ایشان با خوت دینیه و جامعه ملیه و مذاهب عبارتست از طرق و شوارعی که بسبب اغراض سیاسیه و یا اختلافات علمیه از ادیان منشعب شود و معتمد علیه و مبنای مؤسس آن مسائل علمیه و آراء اجتها دیه باشد نه ادعای نزول وحی سماوی و آیات الهیه - مثل مذاهب کاتولیک و ارتودکس و پروتستان و غیرها در دیانت نصرانیه و مثل قرائین و ربائین در دیانت موسویه و مثل امامیه و اسماعیلیه و زیدیه و اهل تسنن و غیرها در

است. (هر روز را رازی است و هر سر را آوازی - درد امروز را درماقی و فردا را درمان دیگر) درمان دردهای هزارسال پیش برای آن دوران مفید بود. امروز را درمان دیگری لازم است. آیا بازهم باید با آنچنان فرض محال یک استنتاج منطقی و قابل قبول را تخطئ کنیم؟

میخواهم جسارت کرده شما را به مطالعه مجدد فصل هفتم کتاب مورد بحث دعوت کنم. در بند دوم این فصل صفحه ۸۵ نویسنده میگوید که بسیاری با این نظر موافق هستند که تجدید حیات روحانی بشر اولین شرط اصلاح و تثبیت وضع دنیاست. شما هم مرقوم فرموده اید که (بنظر من علت اصلی عدم موفقیت همه ادیان و مرامها ذات خودخواه و غریزه های سرکش و حیوانی بشری میباشد) وحیات مادی و حیوانی بشر را برای ترقی و تعالی اجتماع کافی نمیدانید. بعد نویسنده در بند چهارم همین فصل صفحه ۸۷ پاراگراف سوم در جواب سؤالی که قبلًا مطرح کرده است مینویسد که (نه - صرفاً عرضه کردن حقایق به مردم در روش و منش آفان معنویتی پدید نمیآورد. نیروئی بالاتر از این لازم است تا مسیر توده های عظیم عالم انسانی را که با نیروئی غول آسا در حرکت است تغییر دهد. چنین نیروئی الزاماً باید نیروئی روحانی باشد یعنی چیزی که بتواند در قلب انسان نفوذ کند و آن را تقلیل نماید) تاریخ نشان میدهد که در گذشته فقط نیروی روحانی منبع از ادیان قدرت تقلیل و نفوذ در قلب انسانها را داشته است و آنها را آنکونه تربیت کرده است که راضی میشدند مقاصد شخصی را فراموش کنند و خود را وقف اهداف و آرمان های عمومی نمایند و نه تنها نیرو و اندیشه خود را وقف کنند بلکه حتی جان خویش را نیز نثار نمایند. در آخر این بند چهارم نویسنده میگوید این چیزی است که امروزه

و قیم خود انتخاب کنند تردید نیست که صلح و صفا و نظم و ترتیب کامل بر دنیا حکمران خواهد شد) فرض جالبی است که تعلیق به محال است معنداً من در این میان ایرادی نمی بینم و نمی فهم شما به چه چیز معرض هستید. فرمایش شما با قبول این فرض محال کاملاً درست است و اگر همه مردم دنیا از جان و دل ولایت فقیه را قبول کنند بدون شک صلح و صفا حکمران خواهد شد. شما در این میان به حکمران شدن صلح و صفا اعتراض دارید و آنرا باور نمیکنید یا موضوع از خود سلب اختیار کردن و تصمیم همه چیز زندگی را به یک فرد واگذار کردن شما را ناراحت میکند. نویسنده کتاب مورد بحث نتیجه میگیرد که جهان باید در ظل یک دین و یک فرهنگ متکی به دو مفهوم در یک زبان بین المللی متعدد گردد. این استنتاج منطقی نویسنده هیچ ارتباطی با مذهب شیعه و ولایت فقیه ندارد چون او از دین صحبت میکند نه مذهب. بعدها هم توضیح میدهد که چون ادیان عتیقه کافل احتیاجات زمان حاضر نیست پس باید دیانت بهائی را که مدعی جامعیت برای زمان حاضر است مورد بررسی و تحقیق قرار داد. شما معرض هستید که چون بفرض محال ممکن است که مردم دنیا با قبول ولایت فقیه و مذهب شیعه هم متعدد شوند پس اتحاد جهان در ظل یک دین درست نیست. برای من خیلی جالب است که در زمینه تمام افکار و عقاید و بررسی های شما شیع و حشتناک مذهب بعنوان یک درد لاعلاج و سلطان اجتماع همیشه خودنمایی میکند.

سرور من - مردم دنیا عاقل تر از آنند که از خود سلب اختیار کرده تسلیم ولایت فقیه شوند. نه تنها ولایت فقیه را نمی پذیرند هرچه که جهانی نباشد و بوی تبعیض و تعصب از آن باید رد میکنند. همه ادیان عتیقه را نیز رد میکنند چون دوران مربوط به آنها سپری شده

باموضوعات مورد توافق است شما تأمین خیر و صلاح و سعادت یک جامعه را با تأمین صلح و سلام در آن جامعه عوضی گرفته اید. الان در جامعه انگلستان صلح و آرامش برقرار است اما آیا سعادت و خوشبختی هم هست؟ سایر نقاط دنیا هم با انگلستان فرقی ندارند. بنابراین این مطلب که در کتاب مورد اشاره شرط لازم برای اتحاد و صلح و آرامش دنیا قبول یک دیافت و تعليمات آن شناخته شده است نباید مورد اعتراض باشد. مسئله اصلی آنست که چه دیانتی با چه تعلیماتی میتواند مورد توافق اکثربت مردم دنیا قرار گیرد و موحد سعادت و خوشبختی جامعه باشد. مسلمان مسالمک سیاسی و مذهبی حائز این شرایط نیست . دیانت اسلام هم نیست مسیحیت و دیانت یهود هم نمیتوانند مورد توافق اکثربت مردم دنیا قرار گیرند. مسلک های مادی و مذاهب مخلوق مغز بشری هم مردوند اینجاست که بیت العدل اعظم در بیانیه صلح خطاب به اهل عالم متذکر میگردد (که دیگر وقت آن رسیده است تا به حساب مروجین مرامهای مادی . چه در شرق و چه در غرب، چه منسوب به کاپیتالیسم و چه به کمونیسم، که مدعاً رهبری اخلاقی جهانیان بوده‌اند رسیدگی کرد و پرسید که آیا جهان جدیدی که این مرامها و عده داده بودند در کجاست؟ آیا صلح جهانی که دعوی تحصیلش را داشته و خود را وقف آن میشمرده اند چه شد؟ آیا وصول به مرحله پیروزی های فرهنگی که میگفتند براثر تفوق فلان نژاد و فلان کشور و فلان طبقه از طبقات بشر حاصل میشود بکجا انجامید؟ چرا اکثربت مطلق جمعیت جهان در این زمان بیش از پیش در گرسنگی و بدیختی غوطه ورند و حال آنکه ثروتهاي نامحدودی که حتی فرعون ها و قیصرها و یا حتی امپراتوریهای قرن نوزدهم خواپش را هم نمیدیدند اینک در دست حاکمان امور بشری انبار شده است) .

مورد نیاز است و بسیاری از متفکرین نیز این حقیقت را دریافته اند و آن را بروزیان میرانند. بعد در مقدمه بند پنجم این فصل مینویسد و میپرسد که در کجا باید این تجدید حیات روحانی که مورد نیاز شدید است تولد یابد؟ از کدامین افق میتوان طوع آنرا انتظار داشت؟ و در پاراگراف اول بند ششم مینویسد که باید درک کنیم که این تجدید حیات روحانی مورد انتظار نه تنها باید قادر به حل مشکلات ملی باشد بلکه باید قادر به حل مسائل بین المللی نیز باشد. همانطور که گفته شد باید همه دنیا را با یک احساس عمیق برادری و تعاون متعدد سازد و در آخر این بند نتیجه میگیرد که جهان باید در ظل یک دین و یک فرهنگ متکی به دو مفهوم در یک زبان بین المللی متعدد گردد. بعد در پاراگراف اول بند هفتم این فصل میپرسد که آیا هیچکدام از ادیان بزرگ دنیا را میتوانیم پیدا کنیم که ظاهراً قادر باشند هم بستگی و وحدت بشری را در یک برنامه جهانی جامه عمل بپوشاند؟ منظور نویسنده البته ادیان یهودی ، مسیحی و اسلام است و بعداً نشان میهد که هیچکدام از این ادیان چنین قدرتی ندارند.

در جامعه جهانی هم اگر توافق اکثربت بوجود آمد صلح و آرامش بوجود خواهد آمد. موضوع مورد توافق موحد صلح و سلام نیست عمل موافقت موحد صلح و سلام است در باره هر موضوعی که میخواهد باشد. آلمان هیتلری و روسیه استالین درباره عمل وحشیانه و غیر انسانی تقسیم لهستان موافقت کردند و تا وقتی این توافق بین آنها برقرار بود صلح و سلام هم بین آنها برقرار بود. در این میان نکته حساس آنچاست که توافق اکثربت شرط لازم برای بوجود آوردن صلح و صفا در یک جامعه هست ولی شرط لازم و کافی برای تأمین سعادت آن جامعه نیست. تأمین سعادت جامعه مرتبط

وحدت نوع بشر را در آتیه نه خیلی دور یک امر محظوظ و قطعی میدانم.

و اما جالب ترین قسمت نامه شما آنجاست که مرقوم فرموده اید که (علت شکست همه ادیان و مرامها در طول تاریخ همین بوده که هیچگاه همه مردم ایمان نیاورده اند). این جمله سئوالهای متعدد برای من مطرح کرد و قبل از همه اینکه منظور از مردم در این جمله چیست؟ آیا منظور شما همه مردم دنیاست یا همه مردم اجتماعی که در آن دین برای آموزش به آنها ظاهر شده بوده است؟ قطعاً منظور شما همه مردم دنیا نیست چون هیچکدام از ادیان عتیقه برای آموزش همه مردم دنیا ظاهر شدند و طبق شواهد موجود در کتب مقدسه آنها موسی برای تربیت قوم یهود مبعوث شد. مسیح برای هدایت گوسفند گم شده اسرائیل و محمد برای اعراب بادیه العرب. اگر منظور شما همه مردم اجتماعی است که مورد خطاب آن پیامبر بودند این صحیح است و همه مردم ایمان نیاوردند اما این هم شکست نبود و توفیق آن پیامبر در تربیت اکثریت مردم حاصل میشد و توافق اکثریت در قبول آن تعالیم کافی بود. لزومی نداشت که همه مردم ایمان بیاورند بخصوص اینکه همه مردم چشم باز و گوش شنوا و مقامات روحانی ندارند. بنابراین اینکه هیچگاه همه مردم ایمان نیاورده اند دلیل شکست ادیان در طول تاریخ نمیتواند باشد. اما سؤال اصلی من این است که استناد شما به شکست همه ادیان مستند به چیست؟ کدام دین در چه مورد شکست خورده است که شما آن شکست را منسوب به ایمان نیاوردن همه مردم میکنید. ما قبلاً طومار ها مکاتبه کردیم که ادیان در دوران مربوط به خودشان به کمک نیروی مافوق بشری بطور اعجاز آمیزی موفق بودند و آنچه را که پیامبر رسالت داشت بنحو احسن با جام رساندند. موسی قوم ذلیل و بردۀ اسرائیل را

و اما اینکه مرقوم فرموده اید (سلیقه ها گوناگون و انتظارات متعدد است و هیچگاه ممکن نیست وحدت نظر و رأی بین ملل و اقوام و کشورهای مختلف بدست آورده... همیشه صدا های مخالف، افراد شکاک و متمرد و نااہل و یا بی تقاضت وجود داشته و مانع از وحدت نظر و راه سلوک شده اند ولی چه کسانی و چگونه میتوانند این زنگوله را بگردن گریبه بینند و این دنیای آشفته و ملل افسار گسیخته را که بجان هم افتاده اند به راه راست هدایت کنند.... و امثال اینها) نشان کمال علاقه شما به یافتن راه حلی برای مشکلات فعلی است. در مقابل این نا امیدی و یا س شما بیت العدل اعظم در صفحه ۱۶ متن انگلیسی پاراگراف های اول و دوم متذکر میدارد که (آئین بهائی آشوب کنونی جهان و مصائب حاصله در حیات انسان را بمنزله یک مرحله طبیعی از مراحل رشد و نمو یک جریان حیاتی و زنده بشری میشمارد که مالاً و حتماً به وحدت نوع انسان در ظل یک نظام اجتماعی که حدود و مرزی جز مرز کره زمین ندارد منجر خواهد شد. عالم بشری بمنزله یک واحد ممتاز و زنده مراحل تکامل چندی را مشابه مراحل شیرخوارگی و کودکی یک فرد طی کرده و در این زمان با ترین مراحل پرشور و شر نوجوانی رسیده که خود مقدمه ورود به مرحله بلوغ موعود است. اگر صادقانه اذعان کنیم که تعصب و جنگ و استثمار همه مظاهر مراحل کودکی و نابالغی بشر در مسیر گستردۀ تاریخی اش بوده و اگر قبول کنیم که این سرکشی و طغیان که امروز نوع بشر ناچار بدان مبتلاست علامت وصول هیئت اجتماع به مرحله بلوغ اوست آنوقت جائی دیگر برای یا س و حرمان باقی نمیماند زیرا دیگر همه آنها از لوازم ضروری و از عزم جزم بشر در بنای یک عالم مقرن به صلح و آرامش بشمار می آید). بر همین اساس است که من با قبول وجود تمام این اشکالاتیکه ذکر فرموده اید معهذا

و به آن متعهد میشود و بعد محسنات آنرا توجیه میکند) تعهد به مذهب مکرر در نامه های شما ذکر شده است و من نمیدانم منظور شما تعهد به دین است یا تعهد به مذهب اما چون دین و مذهب برای شما یکی است احتمالاً منظور شما تعهد به دین است. در اینصورت سئوالی مطرح میشود که تعهد به دین یعنی چه؟ معمولاً ما وقتی تعهدی میکنیم دو جانبه است. تعهد دو طرف دارد. تعهد میکنیم کاری بکنیم که در مقابل آن چیزی یا مزایائی بگیریم. استدعا دارم مرا روشن کنید که اعتقاد به یک موضوع چگونه باعث تعهد میشود و مثلاً یکی از تعهداتی را که سلمان فارسی در مقابل محمد داشته یا متی ولوقا در مقابل مسیح داشته اند ذکر بفرمائید شاید منظور شما را از تعهد به دین درک کنم. اگر منظور شما تعهد به مذاهب است حرفتان را قبول دارم و نمیدانم که آمیختن با مذاهب بخصوص آنها که قدرت اجتماعی دارند مزایائی دارد و در مقابل تعهداتی هم در میان است. عضو یک کلوب شدن هم مزایا و تعهداتی دارد و مذاهب مشتبه از ادیان به یک کلوب بیشتر شباهت دارند تا به یک مؤسسه روحانی.

و اما مفهوم مطلب بالا برام خیلی تازگی داشت. مرقوم فرموده اید که (در ساختمان مغزی و روانی بشری خاصیتی است که افراد اول تمایل و کششی در خود نسبت به دین یا مرام یا مسلک احساس میکنند و بدان می پیوینند و سپس اقدام خود را با ادله مختلف توجیه مینمایند) فحوای کلمات میخواهد بگوید که این تمایل و کشش اولیه بدون دلیل، توجیه نشده و بلا مرجع است. برادر گرامی ، این فرمایش شما متکی به کدام تحقیق علمی و آزمایشی است؟ در کدام کتاب روانشناسی این موضوع تصدیق شده است؟ معمولاً آدمی که دیوانه نیست و مشاعرش کار میکند به یک دلیلی که

از مصر و از زیر سلطه فرعون بدر برد به ارضی مقدسه رساند تعلیماتی به آنها داد که سلطنت و تمدن داود و سلیمان را بوجود آوردند. مسیح بی یار و یاور تعلیماتی برای اجتماع فاسد و درمانده و گمراه بیهود در فلسطین و اطرافش هدیه آورد که به امپراطوری بیزانس و تربیت ملیونها آدم انجامید. محمد امی یک مشت عرب سوسмар خوار نیمه وحشی را آنچنان تربیت کرد که بغداد و دمشق و آنجلس قبله گاه مردم قرون هشتم و نهم میلادی بود. زرتشت و بودا و کریشنا هم هر کدام پایه گذار تمدن های عظیم دوران خودشان بودند. شما با کدام دلیل و منطق اینها را شکست ادیان تلقی میکنید؟ شاید منظور شما شکست و عدم اشاعه جهانی مذاهب مشتبه از ادیان است. یا شاید منظور شما عدم قطابق دستورات اجتماعی یهود، مسیحیت و اسلام با زمان حاضر است. استدعا دارم لطفاً مرقوم بفرمائید که منظور شما از (شکست همه ادیان) چیست و کدام دین در کجا شکست خورده است. پیشاپیش از لطف شما در این باره تشکر میکنم. همینطور در صفحه سوم نامه مرقوم فرموده اید که (بنظر من علّت اصلی عدم موفقیت همه ادیان و مرام ها ذات خود خواه و ...) لطفاً در باره (عدم موفقیت همه ادیان) هم مختصر توضیح بفرمائید که کدام دین و در چه مورد موفق نبوده است. بعد مرقوم فرموده اید که (در گذشته پیامبران عتیقه در رسالت خود توفیقی حاصل نکردند) یکدینیا ممنون میشوم که ذکر فرمائید کدام یک از پیامبران عتیقه و در چه مورد در رسالت خود موفق نبودند. امیدوارم در توضیح این مطالب به تمایز و اختلاف دین و مذهب توجه کافی مبذول فرمائید.

یک موضوع دیگر را هم هضم نکرم. در صفحه ۲ مرقوم فرموده اید که (شخص از لحاظ روحی و روانی اول آمادگی برای قبول مذهب را دارد

نیستند من که اعتراف میکنم به شدت دچار این ضعف انسانی میباشم). از این مطالب من آنطور میفهمم که غلبه احساسات برمنطق ضعف انسانی است که همه دچار آن هستیم و استنتاج متقابل آنست که غلبه منطق بر احساسات قدرت آدمی است. خوب . در اینجا احتیاج به تعریف دقیق از احساسات است. اگر منظور شما از احساسات آن هوس و تمایلات حیوانی است غلبه چنین احساساتی بر منطق قطعاً ضعف است و من برخلاف فرمایش، شما را بهبود چوچه دچار این ضعف نمی بینم بلکه شما را یک آدم صد درصد عاقل و منطقی میشناسم. اگر منظور شما از احساسات آن احساسات روحانی است که بروز و ظهر آن در حیات آدمی بصورت اخلاق، حیا ، شرف، انسانیت، محبت، عشق ، مساوات، مواسات و فدایکاری است من غلبه این احساسات را بر منطق ضعف نمی شناسم بلکه آنرا نمایشگر مرحله بالاتری از منطق و عقل در حیات یک انسان میدانم. عقل و سیله جلب منفعت و دفع ضرر در حیات حیوانی بشر است و منطق حاکم بر استنتاجات عقلانی است. یک آدم عاقل منطقی خودش را فدای چیزی نمیکند تا در معامله چیز زیادی نگیرد چیز کمی از دست نمیدهد چیزی نثار دیگران نمیکند. عشق نمی ورزد و بدبختی و رنج دیگران تا آنجا که به خدم و حشم او صدمه نزند برای او مفهومی ندارد. سیاستمداران نمونه کامل عقلاه و منطقیون اند و هرچه بشر امروز از خوب و بد دارد از سایه سر این سیاستمداران دارد اما ای کاش این عقلا قوم یک جو احساس روحانی داشتند. آنوقت قطعاً دنیا باينصورت نبود. و اما شما به غلبه این احساسات روحانی بر منطق و پای بند بودن به اخلاق و روحانیات معروف هستید و برخلاف فرمایش شما من اعتراف میکنم که شما ضعف انسانی ندارید بلکه برعکس به نحو جالبی دارای قدرت اخلاقی و شهامت انسانی

شاید هم خیلی دلیل احمقانه باشد اما بالاخره یک دلیلی است چیزی را به چیز دیگری ترجیح میدهد آنوقت البته برای حمایت خودش در برابر حمله ، پرسش و کنجکاوی دیگران و برای توجیه کاری که کرده است سعی میکند دلیل پیدا کند اما باید اذعان کرد که در مقدمه کار علی برای آن تمایل و کشش اولیه وجود داشته است. بعد مرقوم فرموده اید که (درست مثل عاشق شدن در جوانی است که انسان اول شیفتگی جمال معبد گردیده و عاشق میشود و سپس در تائید عشق خود محسنات و خصایل معبد را نیز میشمارد و توجیه میکند).

اینجا هم جان کلام آن است که در جوانی انسان بدون دلیل و بلا مرجع عاشق میشود و بعد عشق خود را توجیه میکند. اگر منظور شما این است باید صراحتاً بنویسم (اما لطفاً بگوش خانم نرسد) که شما هیچوقت عاشق نشده اید و از عشق و عاشقی چیزی نمیدانید. آن تمایل و کششی که بین عاشق و معشوق هست بزرگترین دلیل بیولوژی و روانی یعنی غریزه جنسی و خصیصه زیبا پسندی را پشتیبان دارد و همان توجیه کننده آن تمایل و کشش است. شما اگر میخواهید اظهار کنید که معتقدین به ادیان بیخودی و ابلهانه بدببال دین رفته اند و به چیزی که فایده و حقیقتی ندارد الکی دل بسته اند و برای توجیه عمل خودشان دلایل میتراشند مختارید و معتبرضی هم نخواهید داشت چون عقاید آزاد است و این روزها هرگز هرچه میخواهد میگوید مینویسد و چاپ میکند اما دلایلی که برای توجیه این طرز تفکر تان مرقوم فرموده اید چندان محکم و قابل قبول نیست. بعد مرقوم فرموده اید که (غلبه احساسات بر منطق و تقدیم عاشق شدن بر توجیه و تعریف معبد در افراد شدت و ضعف دارد ولی هیچکس حتی اندیشمندان و فلاسفه و پیامبران در مورد افکار و گفته های خود از آن مستثنی

« انجیل عبد الحسین پیر آنی »

شیدنو

نیازمند با خلق و او نیازندارد
شباهتی بوقوعات جانگذار ندارد
بقدرت خردی اورا ز خواست باز ندارد
به بندگان خدا منع و احتراز ندارد
اثر بقدرت ایمان اهل راز ندارد
نشید شادی و آواز دلنواز ندارد
بجز بقیله بسوی دگر نماز ندارد
بپاس کشف حقیقت غم مجاز ندارد
که این نشیب تو گوئی دگر فراز ندارد
و گرفته و عده اهربیان جواز ندارد

خدا اگر چهره‌ی داشت و با گذشت ولکن
بوقت قهر و جزا مثل و همطراز ندارد

« انجیل ستم اهربیان »

کشی شکسته روی پریانهاده ایم

پا پرسر زخارف دنیا نهاده ایم
در مأمن تو، لانه و مأوا نهاده ایم
وزنغمه، داغ عشق بدلا نهاده ایم
کشی شکسته، روی به دریا نهاده ایم
یعنی قدم به جنت ایهی نهاده ایم
وین کاخ را اساس و بناء مانهاده ایم
در وادی فنا و فدا، پا نهاده ایم
بنیاد کار خود به مدارا نهاده ایم
وز توست آنچه بر سر سودا نهاده ایم

این شام تیره صبح شود ، مهر بردمد
ما دل به شادکامی فردا نهاده ایم

بنازم آن قد وبالا که سرو ناز ندارد
نسیم رحمت پروردگار مشفق رحمان
صفوف دشمن و ظلم و عناد مردم جاهل
اگرچه خصم لدواد از شکنجهدادن و بہتان
ولی زجل نداند که این شئون بهمی
عجب مدار اگر بوم شوم رشت بدآوا
کسی که صفحه قلبش بکعبه است مقابله
هر آنکه در صدف دل نهفته گوهر عشقش
چنان بقعر مذلت فتاده عالم و آدم
مگر که فضل خدا و ارهاندش ز هلاکت

بر بارگاه عشق تو تا پانهاده ایم
از حادثات دهر نداریم باک از آنک
قُقُنوس وار، بر سر آتش نشسته ایم
تا موج رحمت تو کرا در کشد به کام
دادیم نقد عقل و خریدیم حب دوست
جائی که زندگی همه عشق و محبت است
بی روز و زر، به شوق وصال جمال تو
چون کس نخوانده است که پایان کار چیست
ای عشق، از توانیم سرگشتنی به ما است

قُقُنوس = مرغ افسانه ای که در آتش می‌سوزد اما پس از اینکه آتش به خاکستر تبدیل می‌شود،
بقول عطار : "قُقُنی آید ز خاکستر پدید"

مزه دارد

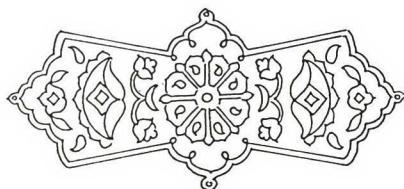
«فرستنده جناب کیکاوی فهد شعری سعدی»

از جناب لقائی کاشانی

پیرا مُن گل سنبل پیچان مزه دارد
 جان بربل و لب بربل جانان مزه دارد
 درویش و پذیرائی سلطان مزه دارد
 قربانی این طایر بی جان مزه دارد
 من رقص کنان جانب میدان مزه دارد
 کاین دل شده را طعن رقیبان مزه دارد
 در جان من این آتش سوزان مزه دارد

بر روی مهت زلف پریشان مزه دارد
 جان آمده بربل چه شود یار در آید
 هی هی چه خیال و چه تمثی محال است
 نبود غم از کشته شدن بر سر کویش
 ضوضای عوام از پی و طبل و دهل از پیش
 ای شیخ زمن بگذر و منعم مکن از عشق
 بیهوده مکش رنج و مکن وعظ و مده پند

ما غرقه دریای فنائیم «لقائی»
 با ما سخن از شدت باران مزه دارد



ارسید محمد اوچی

جان باختن اندر ره جانان مزه دارد
 بی جرم و گنه گوشه زندان مزه دارد
 کل چیدن و گل گفتن و خندان مزه دارد
 وزکان نمک قند فراوان مزه دارد
 شلاق جفا برتن عربان مزه دارد
 آشتفتگی جمع پریشان مزه دارد

جانا برهت باختن جان مزه دارد
 رسوا شدن و متهم عشق تو بودن
 در گوشه زندان و زدیدار عزیزان
 لبخند ملیح از لب احباب گرفتن
 اردنگی و فحاشی و سیلی ندهد لطف
 جمعیم بیاد سر زلف تو پریشان

«نابت» بگریز از بر افراد گران جان
 بر روی زمین پیکر بی جان مزه دارد



(از جنب دکتر ماش بهه مشرف زاده)

اختتام ولایت امر^{لله} «قیمت سوم»

در حقیقت دوره فترت جامعه امر تحت اداره مستقیم الواح مبارکه وصایا قرار داشته است و نقشه کار حضرات ایادی را نیز حضرت ولی امرالله بطبق نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر تعیین فرموده بودند.

مسئله تصدیق در مورد تصمیم گیری راجع بقیام وادعای میسن ریمی مورد استفاده قرار گرفت و ایادی عزیز امر بطبق الواح وصایا قوانستند ادعای او را رد نموده و ویرا اخراج از جمع اهل پنا نمایند بدون این که تصمیم آنها یعنی عدم تصدیق میسن ریمی تصادمی بوجود بیاورد. بنابراین یکی از حکمت های بالغه نص مبارک تصدیق، استفاده از آن در مورد میسن ریمی بوده.

سوم - استناد از کتاب مستطاب اقدس:

جمالقدم در کتاب مستطاب اقدس صعود حضرت شوقي افندی را قبل از تشکیل بیت العدل اعظم پیشگوئی فرموده اند چنانچه میفرمایند: "قدرعت الاوقاف المختصه للخيرات الى الله مظهر الآيات، ليس لاحِدٍ أن يتصرف الا بعداذن مطلع الوحي و من بعده يرجع الحكم الى الاغصان و من بعدهم الى بيت العدل ان يتحقق امره في البلاد ليصرفوها في البقاء المرتفعه في هذا الامر و فيها امروا به من لدن مقندر قدیر، والا ترجع الى اهل البهاء الذين لا يتكلمون الا بعد اذنه و لا يحكمون الا بما حكم الله في هذا اللوح. اولئك اولياء

دوم - حکمت احتمالی تصدیق مجمع ایادی در مورد ولایت امر:

بدلیل تناقضات و اشکالات مذکوره قبل حضرت ولی امرالله ارواحنا فداء در زمان حیات عنصری خود بایادی امرالله اجازه تشکیل مجمع ایادی ندادند و حتی تسمیه ایادی امرالله را نیز تا حدود سی سال پتاخیر انداختند زیرا میدانستند که وظیفه اصلی مجمع ایادی در فاصله زمانی بین صعود مبارک و تشکیل بیت العدل اعظم است و مخصوصاً وظیفه مهم تصدیق و یا عدم تصدیق بعد از صعود آنحضرت مصدق پیدا میکند. روی همین اصل بطبق الواح مبارکه وصایا که میفرماید:

"و ایادی امرالله از نفس جمعیت خویش نه نفر انتخاب نمایند و همیشه بخدمات مهمه ولی امرالله مشغول باشند و انتخاب این نفر یا باافقاق مجمع ایادی و یا باکثریت آراء حقق یابد و این نفر یا بالاتفاق یا باکثریت آراء باید غصن منتخب را که ولی امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند و این تصدیق باید بنوعی واقع گردد که مصدق و غیر مصدق معلوم نشود"

ملحوظه فرمائید که با وجودی که ولی امرالله طبق الواح مبارکه وصایا همه اختیارات را دارد معذلک در اینجا انتخاب نه نفر را بخود ایادی محول فرموده اند زیرا میدانستند که در چنین موقعی ولی امرالله وجود عنصری نخواهد داشت و خدمات اصلی این نه نفر عبارت از حفظ وحدت جامعه در دوران فترت خواهد بود.

النصر بين السموات والارضين ليصرفوها فيما حددفى الكتاب

مضمون بیان مبارک پفارسی چنین است: اوقاف مخصوص خیرات بخداؤند ظاهر کنند آیات راجع میشود (جمالمبارک) کسی نباید در آن تصرف کند مگر بعد از اجازه مطلع وحی (حضرت بهاءالله) و بعد از او این حکم باغضان راجع است (حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله) و بعد از آنان به بیت العدل اگر امرش در شهرها محقق شده باشد (اگر تشکیل شده باشد) تا این که این اوقاف را در ارتقای بقاع این امر و آنچه را که از نزد خداوند مقدار قدر امر شده اند مصرف نمایند. وگرنه (اگر بیت العدل تشکیل نشده باشد) (ان اوقاف) باهل بهاء راجع میشود آن چنان کسانی که بجز باذن خدا تکلم ننموده و بجز باانچه را که خداوند در این لوح حکم فرموده حکم نمی کنند. آنان اولیاء نصرت ویاری ما بین آسمانها و زمینها میباشند تا (آن اوقاف را) در آنچه در کتاب الهی محدود گردیده صرف نمایند.

ملاحظه میفرمایید که صریحاً تشکیل بیت العدل اعظم را زماناً بعد از اغصان (منتسبه) قرار داده اند و حتی زمانی را پیش بینی فرموده اند که نه اغصان باشند و نه بیت العدل و در آنزمان اهل بها را مسئول قرار داده اند. این مسئله مورد تائید ساحت بیت العدل اعظم الهی نیز قرار گرفته و در دستخطی که در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹ بمحاذل ملیه ارسال فرموده اند ترجمه انگلیسی آیات فوق از کتاب مستطاب اقدس و استنتاج باینکه با صعود حضرت ولی عزیز امرالله این پیشگوئی تحقق یافته ابلاغ فرموده اند.

چهارم - عصمت مهووبی بیت العدل اعظم منوط

بحضور ولی امر در جلسات نیست:
در الواح مبارکه وصایا حضرت ولی امرالله بعنوان رئیس لاینژل بیت العدل اعظم معرفی شده‌اند ولی عصمت مهووبی بیت العدل اعظم مستقل از عصمت مهووبی حضرت ولی محبوب امرالله است زیرا:

اولاً "میفرمایند" واگر در اجتماعات بالذات حاضر نشود فائز و وکیلی تعیین فرماید. چون وکیل هرکه باشد از عصمت مهووبی برخوردار نیست و تصمیمات بیت العدل اعظم با حضور ولی امر و یا وکیل او هردو مصون از خطأ است بنابراین میتوان نتیجه گرفت که بیت العدل اعظم بعنوان یک معهد اعلی روحانی و اداری دارای عصمت مهووبی است و عصمت او مستقل از عصمت حضرت ولی امر است.

ثانیاً قوه نافذه و مؤيده شارع و هم چنین دو مبین منصوص همواره از عالم بالا مؤيد تصمیمات معهد اعلی است و احتیاجی بحضور عنصری ندارد. حضرت ولی امرالله ارواح العالمین له الفداء میفرماید:

"قوه قدسیه که در مدینه طیبه شیراز نقطعه بیان در سنه ستین بآن بشارت داده و در سنه قسع در ارض مقدسه در زندان طهران متولد گشته و تصرفات اولیه اش در مدینه الله نمودار گشته و در ارض سر در سنه ثمانین بمنتهی درجه قدرت در حقایق کائنات سریان و فنوز نموده و در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم بجهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم غربیه را پھرگت آورده پس از افول کوکب میثاق این قوه ساریه دافعه نافذه در مشروعات و مؤسسات بهیه پیروان امر خداوند یکانه حلول نمود و مجسم و مشخص و مصور گشت."

توقيع منيع ۱۰۱ صفحه ۷۳

بدیهی است وقتی که این قوه قدسیه در

بهرکس رسیدید بگوئید تا پدانید که بعد از من امر در دست بیت العدل الهی است. چون بسیار تأکید فرمودند که بیانات مبارک یادداشت شود آن شب در مسافرخانه هرکس بخيال خود هرچه در خاطر داشت نوشته و یادداشت این عبد از اينقرار است. شب دوشنبه شانزدهم جمادی الاولی ۱۳۱۹ هجری مشرف بوديم بیانات چندی در خصوص بیت العدل فرمودند چون امر فرمودند یادداشت شود لهذا آنچه از فرمایشات مبارک در نظر است نوشته میشود:

فرمودند هیچ چیز خاطر مرا پریشان نمیکند مگر اختلاف و چاره آن این است که جمیع احباء باید با مر بیت العدل اطاعت نمایند حتی قبل از بیت العدل هم باید مطیع محافل روحانی که هست باشند ولو این که بدانند مخطی است تا این طور نشود حصن حصین امرالله محفوظ نمی ماند. بیت العدل عمومی را باید کل اطاعت کنند. اطاعت او اطاعت با مر مبارک است و مخالفت او مخالفت بجمله مبارک اعراض از امر بیت العدل اعراض از حق است، هر یک کلمه را که رد کنند مثل آن است که بقدر آن کلمه از کتاب اقدس اعراض کرده اند بعد میفرمودند. ببینید چقدر اهمیت دارد که جمال مبارک بیت العدل را شارع قرار داده است. اگر آراء بیت العدل متفاوت و در این بین اختلاف آراء حاصل شد اغلبیت آراء رأی جمال مبارک است، فرمودند مثلاً حالاً نیست؟ اگر مجلس بیت العدل دائر باشد والله الذي لا اله الا هو اول کسی که اطاعت امر او را بکند منم ولو این که برضد خود من باشد.

خاطرات ۹ ساله عکا صفحه ۲۲۱

• باز بیشتر بیانات مبارک در خصوص اهمیت بیت العدل بود یک شب دیگر که در این خصوص فرمایش میفرمودند فرمودند اگر امروز بیت العدل دائر و برقرار باشد و حکم اعدام مرا صادر کند همه باید اطاعت کنند. از این

مشروعات و مؤسسات امریه حلول کند در اعلى حد آنان یعنی معهد اعلى بنحو بارز و بصورت تمام و کمال حلول خواهد کرد. حضرت عبدالبه روح مساواه فداء راجع بمحافل روحانیه میفرمایند:

• هذه المحافل الروحانيه موئده بروح الله و حاميها عبدالبهاء و ينشر جناحه عليها فهل من موهبة اعظم من هذا. وهذه المحافل الروحانيه سرج نورانيه وحدائق ملكوتية ينتشر منها فتحات القدس على الافق و يشرق منها انوار العرفان على الامكان و يسرى منها روح الحيات على كل الجهات *

توقيع منيع ۱۰۱ بدیع صفحه ۷۴
حضرت عبدالبهاء راجع به بیت العدل اعظم میفرماید:

• مرجع كل كتاب اقدس و هر مستله غير منصوصه راجع به بیت عدل عمومي و بیت عدل آنچه بالاتفاق و يا باكثریت اراء تحقق يابد همان حق و مراد الله است من تعاظز عنه فهو من احب الشفاق و اظهر النفاق و اعرض من رب الميثاق ولی مراد بیت العدل عمومی است که از طرف جميع بلاد انتخاب شود... و هرچه تقرر يابد همان مائند نفس است و چون بیت عدل واضح قوانین غير منصوصه از معاملات است فاسخ آن مسائل نیز توائد بود"

الواح مبارکه وصایا

مرحوم دکتر یونس افروخته چنین مینکارد: "درباب آینده امر همه روزه در بیانات مبارک لزوم تأسیس بیت العدل و اهمیت آنرا گوشزد میفرمودند و با تلویحات ابلغ من التصریح میفهمانیدند که احباب گمان نکنند که بعد از غروب شمس طلت میثاق امر الهی دستخوش بوالهوسان بذكردار خواهد بود و در این خصوص تأکید شدید میفرمودند حتی یک شب فرمودند آنچه را که من میگویم یادداشت کنید و باطراف مخابرہ نمائید و بذهن خود بسپارید و

باین تاج مفترع عظمی متوجه گردد و در
دامنه کرم الهی جبل الرّب در مقر معین
استقرار یابد"

مجموعه توقيعات مبارکه صفحه ۱۹۳
و هم چنین در توقيع منیع مورخ ۲۷ نوامبر
۱۹۲۹ چنین فرموده اند:

"اعمده محافل مقدسه مرکزی اهل
بها عمتدرجاً برآس اساسی متین و رزین
محافل محلیه روحانیه در هر کشوری ثابت و
استوار گردد و بر این اعمده مجلله قصر
مشید بیت العدل اعظمش مرتفع و منصب
شود و برقلب امکان سربارافرازد و وحدت
جمع اهل بها را بر روی زمین من اقصاها
الی اقصاها محقق و مجسم سازد. احکام
منصوصه کتاب مستطاب اقدسش باحسن
مایمکن فی البداع ترویج و قطبیق و تقفید
یابد و از آن سرچشممه نظم الهی ماء حیوان
که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره
عالی ترابیه و شافی اسقام و علل مزمنه
است بر تمام اقوال و ملل متباينه و متباغضه
جهان جاری و ساری گردد و سلطه ظاهره
اسم اعظم زلزله بارکان ممالک و بلدان
اندازد و علمای رسوم از هر فرقه و
در هر کشوری بعضی را مرعوب و متنبه و
پرخی را مخدول و متشتت و مقهور و
معدوم سازد" ملاحظه میفرمائید که در این
دو توقيع مبارک دورنمای کاملی از ترقی و
تکامل امر الهی را در طول زمان مجسم فرموده
اند که ما اکنون منتظر تحقق قسمت های اخیر
بیان مبارک میباشیم و به تحقق آن یقین
داریم. حال چگونه میتوان کتاب مبین را بدون
تعداد کافی کلمات تمام و آیات بینات
ساخت؟ و چگونه میتوان قبه منیع قصر مشید را
بدون وجود اعمده مجلله مُحکمه بنا نمود؟

در توقيع منیع ۱۱۰ بدیع میفرمایند:
..." و این الجمنهای اربعه

فرمایش مرحوم آقا محمد رضا قناد برآشافت،
عرض کرد قربان بیت العدل حق است یا حق
نیست؟ فرمودند البته حق است، عرض کرد
چگونه حق برعلیه حق میتواند حکم کند، فرمودند
مقصود این است بدانید در آنزمان بیت العدل
نفس حق است چرا که جمال‌مبارک آنرا شارع
قرار داده است"

خطاطات ۹ ساله عکا صفحه ۲۲۳

پنجم - چرا حضرت ولی امرالله در زمان حیات
بیت العدل را تشکیل ندادند؟ تشکیل بیت
العدل عمومی مبتنی برتأسیس محافل ملیه باندازه
کافی بوده و در زمان حضرت ولی امرالله تعداد
محافل ملیه بعد نصاب نرسیده بود بدیهی است
که تشخیص این حد نصاب جز با حضرت ولی
امرالله با کس دیگری نمیتوانست باشد. بیت
العدل اعظم الهی بمنزله سقف است که میباشد
بر روی ستونهای محکم و استوار بنا شود و تا
اعمده و ستونها پابرجا و محکم تباشند هیچ
مهندس عاقلی سقف را بنا نخواهد نمود. آن
حضرت در توقيع منیع ۱۱۱ بافتخار احباب شرق
چنین فرموده‌اند: "... و بتأسیس مراکز
منفرد که بمنزله نقاطند متوکلاً علی الله
مبادرت نمایند و این مراکز منفرد را به
اسرع مایمکن در نتیجه تبلیغ و هدایت نفوس
قولاً و عملاً به جماعات که بمنزله حروف‌اقتند
مبدل نمایند و جماعات را متعاقباً بمحافل
 محلیه که بمتابه کلمات تمام‌تند تبدیل دهند
و در ازدیاد این محافل روحانیه محلیه در
ممالک مختلفه متمادیاً همت بکمارند
تا وسائل اعقاد انجمنهای شور روحانی
متدرجاً بکمال متأنت فراهم گردد و محافل
ملی روحانی که بمنزله آیات بیناًقند تشکیل
گردد و ارکان دیوان عدل الهی مرتباً
منصوب شود و بر این ارکان قبه بنیان الهی
که بیت عدل اعظم و بمتابه کتاب مبین
است مرتفع گردد و مؤسسات نظم الهی

توضیحات و تبیینات بیت العدل اعظم

قسمتی از دستخط مورخه ۹ مارچ ۱۹۶۵ بیت العدل اعظم خطاب به محفل ملی بهائیان هلند: پس از صعود حضرت شوقي ربائی اداره امور بین المللی امر بهائی توسط ایادی امرالله با موافقت کامل و اطاعت محافل روحانیه ملیه و جامعه بهائیان بعمل آمد و این موضوع از آن جهت بود که حضرت ولی امرالله آنان را بعنوان حارسان سلطنت جهانی امر حضرت بهاءالله نامیدند. ایادی امرالله از همان ابتدا که حراست امرالله باها سپرده شد دریافتند که چون هدایت الهیه آن چنان که برای ولی امرالله و بیت العدل اعظم مسلم و ثابت است در مورد آنها صدق نمی کند پس سالم ترین راه برای آنها آن است که با کمال دقت و مواظبت از دستورات و خط مشی حضرت شوقي ربائی پیروی نمایند.

در سراسر تاریخ ادیان نظیر این داستان دیده نمیشود که زعمای یک دیانت غفلتاً خود را محروم از راهنمای الہام بخش و ملکوتی خود بیابند و با این درجه نظم و انظباط و تا باین پایه صداقت و وفاداری مطلق و این قدر از خود گذشتگی کامل ابراز دارند درجه تقدیر و سپاسگزاری که نوع بشر در خلال نسلهای آینده بلکه قرون آینده باین مشتی نفوس مصیبت دیده و ثابت قدم و شجاع مدیون است بیش از اندازه تصور و قدردانی است، حضرت ولی امرالله بجهان بهائی نقشه های صریح و مشروح عنایت فرمودند که فقط تا رضوان ۱۹۶۳ بعنی خاتمه جهاد ده ساله امتداد داشت و از آن تاریخ بعد برای جلوگیری از این که خطری متوجه امر نشود استمرار هدایت ملکوتی ضرورت داشت و این دو مین دلیل فوریت دعوت برای انتخاب بیت العدل اعظم بود. اشارات حضرت شوقي ربائی در توقیعات منیعه درباره این که متعاقب

(چهارکنفرانس بین القارات) که در تاریخ امرالله بی سابقه است هر یک مقدمه جهاد کبیر اکبر است. جهادی که فارسان جیش عرمرم بها در مدت ده سال بتائید من الملاء الاعلى و بمعاونت ایادی امرالله و ناشرین نفحات الله و حامیان شریعت الله در جمیع اقطار اشطار در آن مشارکت و معاضدت خواهند نمود و این جهاد جهانی روحانی نیز بنفسه مقدمه تأسیس واستحکام نظم بدیع الهی و اقامه ارکان دیوان عدل الهی در جمیع ممالک و بلدان عالم است که انشاء الله تعالی عموم من فی البهاء در عهد آقیه عصر تکوین و در طی قرن ثانی بهائی بآن کاملاً موفق و مفتخر خواهند کشته."

در خاتمه متن پیام ۱۶ اکتوبر ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم را زیب این مقاله نموده و سپس بعنوان مسک الختم قسمت هائی از توضیحاتی را که معهد اعلی برای رفع ابهامات یاران صادر فرموده اند درج مینماید:

دستخط مورخه ۱۶ اکتوبر ۱۹۶۳

"محافل روحانیه ملیه در شرق و غرب عالم بهائی شیدالله ارکانهم" یاران محبوب این هیئت متن قرار ذیل را باطلاع آن امتأی امر رحمن میرساند. بیت العدل اعظم متوجهاً مبتلاً بعد از غور و تمعن دقیق در نصوص مقدسه مبارکه راجع به تعیین وصی حضرت شوقي افندی ربائی ولی امرالله و بعد از مشاورات مفصل و هم چنین ملاحظه آراء حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس باین نتیجه رسید که طریق تعیین ولی ثانی امر بهائی وصی حضرت شوقي افندی ربائی بكلی مسدود و امکان تشرعی قوانینی که تعیین مَنْ هو بعده را میسر سازد بالمره مفقود است. این قرار را بجمیع یاران ابلاغ نمائید.

بیت العدل اعظم

دوره ولایت برای انتشار بین یاران بایران
فرستاده شده است.

زیرا عبدالبهاء در طوفان خطر است و
از خوف اختلاف آراء در نهایت حذر،
الحمد لله اسباب اختلافی نه، حضرت اعلیٰ
صبح حقیقت روشن و تابندۀ برجمیع ارجاء
و مبشر قیر اعظم ابھی و جمال‌بارک موعد
کتب و صحف و زیر الواح و ظور مجلى طور
در سدره سینا و ماعدا کل بندۀ آن
آستانیم و احرق پاسبان. ظهر متنی بمکلم
طور شد و تا هزار سال بل صد هزار سال
این کور امتداد خواهد یافت. مقصود این
است که قبل از الف کسی سزاوار تکلم
بحرفی نیست ولو مقام ولایت باشد، کتاب
قدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن
مصرح احکام غیر مذکوره راجع بقرار بیت
العدل دیگر اسباب اختلافی نه زنhar زنhar
نکذارید نفسی رخنه کند والقاء فتنه نماید
اگر اختلاف آرایی حاصل گردد بیت العدل
اعظم فوراً حل مشکلات فرماید و اکثربت
آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است
زیرا بیت عدل اعظم تحت حمایت و عصمت
و عفت سلطان احادیث است و اورا صیانت
از خطأ فرماید و در ظل جناح عفت و
عصمت خویش محافظه نماید. هر کس
مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور
شود، و بیت عدل اعظم پترتیب و تنظیم که
در انتخاب مجالس ملت در اروپا انتخاب
میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهندی
شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را
انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع احبا
در هر دیار وکلای تعیین نمایند و آنان
نفوی را انتخاب کنند و آن نفوی هیئتی
را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم
است والا تأسیس مشروط بایمان جمیع
ممالک عالم نه مثلاً اگر وقت مقتضی بود و
فساد نداشت احباب ایران و کلای انتخاب

جهاد روحانی ده ساله نقشه های دیگری تحت
هدایت بیت العدل اعظم اجرا خواهد شد دلیل
دیگری است که مناسب بودن زمان انتخاب بیت
العدل را تائید نماید یکی از این اشارات
عبارت ذیل است که در نامه مورخ ۲۵ فوریه
۱۹۵۱ خطاب بمحل روحانی ملی بهائیان جزائر
بریتانیا کبیر درباره نقشه دوساله آنها که
بلافاصله پیش از جهاد ده ساله انجام گرفته
است. "انجام موفقیت آمیز این نقشه که در
وسعت بی سابقه و در کیفیت منفرد و از جهت
قوای روحانیّه بسی عظیم است در مستقبل ایام
در عصر تکوین امرالله مشروعاتی بدنبال خواهد
داشت که تمام محاذل روحانیّه در سراسر عالم
بهایی را در نطاق خود در خواهد آورد.
مشروعاتی که بخودی خود در عهود آینده همان
عصر مقدمه طرح و اجرای نقشه های جهانی
وسيعتری است که مقدار است از طرف بیت
العدل اعظم طرح گردد تا وحدت جامعه رانمودار
ساخته مجاهدات محاذل ملیّه را هم آهنگ و متعدد
نماید".

ایادی امرالله پس از این که مدت شش سال
عده دار حراست امرالله بودند با ایمان کامل
بنصوص مبارکه از یاران دعوت گردند بانتخاب
بیت العدل اعظم قیام نمایند و تا آن درجه
قدم پیش گذاشتند که از یاران تقاضا کنند
خود آنها را انتخاب نکنند و تنها مورد غم
انگیزی که ممکن بود شخص مغلوب حب جاه و
ریاست گردد، کوشش تأسف آور چارلس میباشد.
ریمی برای غصب مقام ولایت امرالله میباشد.
عبارات ذیل که از یکی از الواح حضرت
عبدالبهاء استخراج گردیده واحداً و قویاً اصولی
را که یاران برای زیارت الواح وصایای حضرت
عبدالبهاء و توقيعات مختلفه حضرت شوقی ربانی
با آنها آشنا هستند توضیح میدهد و مبنای
انتخاب بیت العدل اعظم را بیان نمینماید. این
لوح از طرف ولی محبوب امرالله در سنین اولیه

عمومی دارای این حق و امتیاز انصاری است که در باره قوانین و احکامی که صریحاً از طرف حضرت بهاءالله ناشد نشده اظهار نظر کرده و حکم قطعی صادر نماید و هیچکدام از این دو مقام نمیتواند و نمیخواهد بحدود مقدس و منصوص دیگری تخطی نماید و هیچ کدام در صدد نخواهد بود باختیارات خاصه و مسلمه که بهردو آنها از طرف خداوند عنایت شده خدشه ای وارد آید." ترجمه از کتاب ظهور بهاءالله نظم جهانی بهائی ص ۱۵۰

" هر کدام در حدودی که برای آن معین شده از قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود استفاده خواهد کرد و این حقوق و امتیازات نه معارض یکدیگر بوده و نه ذره ای از مقامی که هر دو این مؤسسات اشغال کرده اند خواهد کاست." ترجمه از کتاب ظهور بهاءالله نظم جهانی بهائی صفحه ۱۴۸

" هر چند ولی امرالله مقام ریاست عالیه این مجمع جلیل را بعده دارد ولی هرگز نمیتواند ولو بطور موقت حق وضع قوانین را منحصراً احراز نماید بعلاوه نمیتواند مصوبات اکثریت اعضاء را رد کند" از کتاب ظهور بهاءالله نظم جهانی بهائی صفحه ۱۵۰ (ترجمه)

علاوه برهمه اینها قلوب یاری باید از این کلمات حضرت بهاءالله مطمئن باشد که میفرمایند: "يد قدرت الهیه این امر نازلین را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم کون بنیان آنرا هرگز منهدم ننماید و اوهام بشر بنیاد آنرا متزلزل نسازد"

ترجمه از کتاب ظهور بهاءالله نظم جهانی بهائی ص ۱۰۹

می نمودند و احبابی امریک و هند و سایر جهات نیز وکلای انتخاب مینمودند و آنان بیت العدلی انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود و السلام ع ع
مکاتب جلد سوم صفحه ۵۰۰ - ۵۰۱

هر یک از احبابی باید بخوبی و وضوح بدانند که مؤسسه ولایت بهیچوجه قوت و اقتداری که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس به بیت العدل عمومی عطا فرموده و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خود مکرر آنرا تجلیل و تأیید نموده نسخ و یا ذره ای از آنرا سلب نمیکند. تصمیمات آن مؤسسه بهیچوجه و صورت باوصایا والواح حضرت بهاءالله مغایرت و تناقض ندارد و نمیتواند هیچیک از تعالیم نازله اورا ابطال کند بلکه برعکس حیثیت و اعتبار آن مجمع جلیل را تقویت میکند و موقعیت عالی آنرا تحکیم و تثبیت و وحدت آنرا محافظت و استمرار مساعی آن را تأمین مینماید بدون این که بقدر خردی بحریم مقدس وحدود حاکمیت کاملاً مشخص آن قصد تجاوز داشته باشد. البته مادر این زمان باین آثار مهیمن و عظیم نزدیکتر از آنیم که بتوانیم ادعا کنیم مبانی واقعی آنرا کاملاً فهمیده و یا هزاران اسراری که بی شک در کمون آن نهفته است دریافته ایم"

ترجمه نامه مورخه ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ از کتاب نظم جهانی بهاءالله ص ۸

" از این بیانات بدون هیچ شک و شبیه واضح و آشکار میشود که ولی امرالله مبین کلمات الهی و بیت العدل عمومی دارای وظیفه قانون گذاری در الواح و آیات نازل نشده است مقام تبیین ولی امرالله و آنجه در دائره اختیارش صورت میگیرد مانند مصوبات بیت العدل عمومی معتبر و لازم الاجراء است و در اینمقام بیت العدل

بقیه در شماره بعد

مدرسۀ بهائی نیز و حاضرات ایام کودکی «از جناب جلال شیعی نیریزی»

قبیل نیمکت و میز و سایر حوائچ ضروری برای مدرسه تهیه و در اختیار آقای عرفان گذارد و کلاس مدرسه در منزل خود آقای عرفان تشکیل گردید و مدرسه با شرکت حدود پانزده نفر اطفال بهائی و غیر تأسیس و به پیشرفت فوق العاده مؤثری نائل گردید. تا انکه آقای عرفان در استخدام اداره اس پی آر S.P.R. در نیز در آمد و مدرسه تعطیل شد.

ضمنا یاد آور میشویم که مرحوم میرزا عبدالصمد نامبره در اثر خدماتی که نسبت به احبابی نیریز انجام میداد از طرف هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء لوحی بافتخارش نازل گردید.

پس از تعطیل مدرسه مجدد محفل مقدس روحانی نیز در صدد تأسیس مدرسه‌ئی که با اسلوب و روش فرهنگ جدید موافق باشد برآمد در همان مکتب خانه ملاعی نقاش که قبل اشاره شد و آن محل متعلق به خانواده فتحعلی خان حاکم نی ریز بود که قبل طلاق علوم دینی در آنجا تدریس میکردند و ویرانه شده بود. ملاعی در یکی دو اطاق آن که نسبتاً سالم و قابل سکونت بود مکتب خانه داشت محفل مقدس روحانی تعمیراتی در آن محل انجام و وسائل اولیه از قبیل میز و نیمکت و صندلی و تخته سیاه و غیره فراهم و چند نفر از تحصیل کرده ها که با اسلوب فرهنگ جدید آشنا بودند بنامهای مرحوم امیر آقا خان حسامی و میرزا محمد شفیع روحانی و میرزا عبدالکریم مصلح بطور افتخاری سرپرستی و آموزش را عهده دار شدند و مرحوم ملاعی نقاش مکتب دار نیز بسمت نظامت مدرسه برگزیده شد و این اقدام مورد تائید و موافقت اهالی محل اعم از بهائی

قبل از دوره سلطنت رضا شاه اطفال بهائی در نی ریز در مکتب خانه با اسلوب و روش عهد عتیق آموزش میباشتند بدین معنی که ابتدا اطفال باید دو جزوی یعنی از سوره های کوچک قرآن که فوق العاده مشکل بود شروع و سپس گلستان سعدی و اشعار حافظ و غیره تدریس میشدند و اطفال بهائی از سن هفت سالگی تا پانزده سالگی با تفاوت میزان معلومات در یک کلاس مجتمع و توسط یک معلم اداره میشد اطفال بهائی علاوه بر فرا گرفتن کتب بالا کتب امری از جمله کتاب نعیم و مقاله شخص سیاح و سایر کتب امری نیز جزء دروس آنها بود صبح ابتدا معلم فرد فرد شاگردان را با نوع کتابشان نزد خود می‌طلبد و یک صفحه از کتاب مربوطه را برای او قرائت سپس کلیه شاگردان با صدای بلند دروس مربوطه را که معلم برایشان قرائت کرده بود و با هم تفاوت داشت با صدای بلند قرائت، عده‌ئی قرآن مجید و عده دیگر اشعار حافظ و سایرین گلستان سعدی و غیره را قرائت میکردند بطوریکه صدای اطفال در فاصله یک کیلومتر شنیده میشد این مکتب خانه در محله چنار شاهی که بعداً محله پهلوی نام گرفت و به سرپرستی ملاعی نقاش که بهائی بود اداره میشد البته چوب و فلک هم در کار بود محفل مقدس روحانی نی ریز برای اینکه اطفال بهائی با روش و اسلوب فرهنگ جدید آموزش پیدا کنند لذا مرحوم میرزا احمد خان عرفان را که تخصصات عالیه داشت و تازه در ظل امر وارد شده بود بسمت معلمی جهت تدریس اطفال بهائی انتخاب نمود. میرزا عبدالصمد وکیل الرعایا که فوق العاده نسبت با مر خوشبین بود حاضر شد که اطفال خود را به مدرسه مذبور اعزام دارد و برای این منظور وسائل لازمه از

داشت مذاکره و محلی انتخاب و مجدد مدرسه‌ئی دائز و اطفال بهائی به تحصیل ادامه دادند تا آنکه از طرف اداره فرهنگ نی ریز اخطاریه ئی دال براینکه مدرسه غیر رسمی است و با قانون دولتی وفق نمیهد مدرسه را منحل و چون در نی ریز مدرسه دولتی تشکیل شده بود اطفال بهائی ناچاراً در حالیکه مورد سخریه و ایذا و آزار اطفال غیر بهائی و حتی مسئولین امر واقع میشدند و با محله پهلوی که بهائیان سکونت داشتند فاصله داشت به مدرسه دولتی منتقل شدند این بود خلاصه از اقدامات پی‌گیر و خستگی ناپذیر محفل مقدس روحانی نی ریز.

نقل از صفحه ۵۴

میباشد و همین حالت شماست که خیلی‌ها از جمه این ارادتمند شما را سرمشق زندگی خود قرار میدهند.

نامه طولانی شد و احتمالاً مایه دردرس گردید اما چکنم که فطرتاً در راه پیدا کردن مطالب مفید و صحیح از تجزیه و تحلیل مطالب و بررسی آنها فاگزیرم و امتناع ندارم. امیدوارم همیشه موفق و موید باشید.

ارادتمند هوشنگ طراز



و غیر بهائی واقع و مدرسه با حضور عده ئی از اهالی محل مخصوصاً مجتهد محل بنام سید ابوتراب افتتاح گردید و لایحه ای که جهت افتتاحیه مدرسه تهیه شده بود وسیله فدوی قرائت و بعداً فدوی این لایحه را جهت اخوی میرزا محمد شفیع روحانی که آن موقع در ارض اقدس مشرف بود فرستادم ایشان عین لایحه را حضور حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فدا تقدیم و حضرت عبدالبهاء پس از قرائت چند قسمت اغلاط املائی را اصلاح و ذیل آن لوحی بافتخار معلمین مدرسه مزبور عنایت فرموده متأسفانه این مدرک گرانبها در موقع انقلاب و نهضت در فارس و غارت منزل از بین رفت.

پس از تأسیس مدرسه بنین متصاعد الی الله میرزا منیر نبیل زاده از طرف هیکل مبارک حضرت ولی امرالله روح العالمین له الفداء مأموریت داشت که در نی ریز برای ازدیاد معلومات امری نسوان و سرو سامان دادن به طبقه نسوان و تشکیل کلاس‌های معلومات امری اقدام کند ایشان باجذب تمام حدود دو ماه در نی ریز اقامت و شور و انجذابی در بین نسوان و دختران بر انجیخت و در نتیجه مدرسه بنات نیز با روش و اسلوب جدید در اثر هم عالیه محفل مقدس روحانی نی ریز بسر پرستی نصرت خانم میثاقی و بپیه خانم مستقیم و عده دیگری نسوان تحصیل کرده تأسیس گردید و پیشرفت‌های قابل ملاحظه نصیب طبقه نسوان به خصوص جوانان گردید تا آنکه مدارس بهائی برحسب دستور دولت در تمام ایران منحل و این دو مدرسه هم منحل گردید و اطفال بهائی بلا تکلیف گشتند محفل مقدس روحانی نی ریز برای اینکه اطفال بهائی از تحصیل باز نمانند با مرحوم فاضل بنام محمد هاشم که در اثر مخالفت فامیل بواسطه تصدیقش با مر مبارک از شیراز به نی ریز آمد و بود و فوق العاده مرد فاضل و ارجمندی بود و با روش و اسلوب و روش جدید آشناهی کامل

میرزا کنگره

«از جانب ناصر رئوفی آرانی»



شرح حال و خدمات مصطفی صادقی الله جناب محترم جوانمردی

ترجمه تلگراف بیت العدل اعظم الهی بمناسبت
صعود جناب مهربان جوانمردی

از صعود خادم باوفای امر، مهربان جوانمردی
محظوظیم. استقامت ایشان در نقطه مهاجرتی و
اهتمام مستمرشان در تقویت تشکیلات امر در
پنج گنی فراموش شدنی نیست خانواده و دوستان
ایشان را به ادعیه ما برای ارتقاء روحشان در
ملکوت ابهی مطمئن سازید.

بیت العدل اعظم.

مشرف شدند با وجودیکه بشارت ظهور جدید را
طی مکتوبی به والد اطلاع دادند اما پدرشان
متاسفانه به فیض ایمان قائل نگردید. جناب
جوانمردی در سن جوانی بمنظور ملاقات برادر
دیگر خود کیخسرو با تحمل مشقات فراوان از
ایران به هندوستان عزیمت و در این خطه به
کسب و کار اشتغال و بزودی با جدیت و
پشتکار فراوان زبان انگلیسی را فرا گرفتند.
دست تقدير آن جوانمرد غیور را با عارضه مرض
سل به پنجه‌گنی کشاند و در بیمارستان مخصوص
برای مداوا بستری نمود احباء عزیز بر حسب
وظیفه روحانی خویش مراتب لطف و محبت را
نسبت به ایشان مبدول داشته و باب مذاکرات
و صحبت‌های امریه را با ایشان گشودند تا بالاخره
در سال ۱۹۴۷ قلبش به نور ایمان روشن و منیر
و فوادش به نیز ایقان درخششده و قابان
گردید. از آن لحظه به بعد وقت را غنیمت
شمرد و فرصت را از دست نداد دقیقه‌ای در
سبیل خدمت به امر مالک اقام آرام نیافت و
آنی آسوده نشست در سال ۱۹۶۲ میلادی در
کنفرانس گوایر با توصیه و تشویق حضرت روحیه
خانم حرم مبارک حضرت ولی عزیز و محبوب
امرالله متعدد قیام به هجرت به ایالت اوریسا
گردید و بساط تبلیغ جمهور را در آن نقطه
گسترد و در اثر اقدامات تبلیغی روزافزونش
برای اولین بار انتخاب وکانی کانونشن ملی در
آن ایالت میسر گردید. بزودی در مرکز آتشهر
به ابیاع زمین مرغوبی جهت انشاء حظیره القدس
موفق و در بناء آن باتفاق جناب نکوئی سهم

احبای عزیزیکه بهندوستان و پنجه‌گنی سفر کرده
اند نامش را شنیده اند، با او معاشر و جلیس
گردیده و از محفل انسش مستقیض و بهزمند
گشته اند. مهاجر و مبلغ و خادمی خستگی
ناپذیر بود، نامش ترکیبی از دو خصیصه بارز و
آشکار او، یعنی مهربان و جوانمردی است. در
سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق ۱۹۲۱ میلادی در شهر
تفت از توابع یزد در یک خانواده شریف از
روحانیون دیانت زردشتی (دستور) پایه عرضه
هستی نهاد و از آنجا که در دوران نوجوانی
والدینش را از دست داد تربیت و سرپرستی او
به عهده خانواده ای از دستوران یزد واگذار
گردید. با وجودیکه اغلب بستگانش از منسویین
اسم اعظم بودند ولکن در عقیده دیانتی آباء و
اجداد خود بسیار پابند و متمسک بود ایشان
برادر بزرگتری داشتند که جناب رستم پهمردی
نام داشت و در زمرة مؤمنین امر جلیلش
محسوب در سن جوانی بملکوت ابهی صعود فرمود
، قبل از صعودشان به محضر حضرت مولی الوری

مهاجر فداکار جزائر آندامان است که در سنه ۱۹۸۴ محفل مقدس ملی آن تأسیس یافت. شهرام جوان نیز بتازگی ازدواج و قصد آنرا دارد که بیکی از نقاط روسیه مهاجرت نماید که فعلًا در انتظار هدایتهای معهد اعلی است.

بالاخره آن قامت برومند و آن زبان همیشه ناطق بذکر و ثنای حق در یوم ۱۱ زانویه ۱۹۸۹ پس از طی دوران کوتاهی آرمیدن در بستر بیماری در حالیکه خود از صعود قریب الوقوعش آگاهی داشت با آرامش و استبشار خاطر صمت و سکوت اختیار کرد و روح پرفتوحش از عالم ادنی به عالم باقی شتافت.

در خاتمه رقیمه کریمه جناب هوشمند فتح اعظم عضو محترم بیت العدل اعظم الهی را که پس از استماع خبر صعود ایشان خطاب به عائله جلیله جوانمردی ارسال فرموده اند جهت استحضار یاران حضرت رحمن ذیلاً درج مینماید.

الله ابی

سرکار خانم جوانمردی و نور چشمان عزیز قربان آن یاران مهربان گردم، صعود برادر مهر پور بعالیم بقا آن جان پاک را بشارتی بود جانش خوش باد که در ملاء اعلی با تذکر خدمات متمامدیهاش باستان جمال ابی در فرح مبین است . این عبد از بدرو ورود به هندوستان با مهربان آشنا شدم و دوستی داشتم سفر اخیر به آسامان و هندوستان رشته مودت را محکمتر نمود بحمد الله فرزندان برومندش همه خادم امر اعظمند و مادر بزرگوارشان که در خدمات مهربان شریک بود حال شاهد و مواظب است که فرزندان دلبند باعث سرور روح آن بنده ارجمند درگاه خداوند بیمانند باشند شفیقه و این عبد به همه آن عزیزان تسليت گفته مطمئن هستیم که ببرکت آثار مبارکه مفارقت موقت سبب کدورت شدید قلوب پاکتان نگردد با رجاء دعا هوشمند فتح اعظم حیفا زانویه ۱۹۸۹

بسزائی داشت . در سنه ۱۹۶۷ برای مدت چهار سال به مهابلسور مهاجرت نمودند و در آن نقطه نیز به انجام اقدامات تبلیغی گستردہ ای ناکل آمد و چون ریاست روپاری کلوب منطقه را بعده داشت به انعقاد کنفرانسها مهم تبلیغی موفق گردید که از جمله مهمترین آنها کنفرانسها بود که با حضور ناشرین فمحات الله جناب اشراق خاوری علیه رضوان الله و سرکار خانم فیضی قرینه محترمه حضرت ایادی عزیز امرالله جناب فیضی علیه جنه الله تشکیل یافت. در طول حیات روحانیشان که تقریباً ۴۰ سال بطول انجامید به اسفار متعدد تبلیغی در انجاء مختلفه هندوستان پرداخته و قلوب نفوس کثیره ای را به طراز ایمان مزین ساخت. در محل اقامتش محبوب القلوب خاص و عام بود و همواره با تبسمهای ملکوتیشان قلوب یار و اغیار را به قلب پر محبت خود مرتبط و آنان را با اعمال و رفتار و اخلاق مدوحهاش مجدوب و مفتون خویش ساخت.

در دامنه یکی از کوههای پنجگانی که به تیبل لند tableland معروف است هتلی داشت که در آن خوان تعمش بروجه هر فقیر و غنی گستردہ بود از مسافرین همچو میهمان عزیزش پذیرائی مینمود و تا پاسی از شب به تهیه و تدارک مایحتاج مسافرین میپرداخت و آنان را از مائدۀ روحانی و جسمانی مرزوق میساخت. رفیق و مونس هر غریب و آشنا بود، در تربیت و تعلیم اولاد اهتمام و کوشش فراوانی مینمود بطوریکه هر سه اولاد ذکورش الیوم با خدمات درخشانی که در صفحات مختلفه عالم دارند مذکورند در سال ۱۹۵۲ با سرکار خانم همایون مسرتی عقد اقتران بستند و بفضل حق صاحب سه فرزند بنامهای شاهپور و شاهین و شهرام گردیدند . شاهپور عزیز به اتفاق قرینه سالیان متما دیست که از مهاجرین جزایر مالدیو هستند و شاهین بزرگوار که عضو هیئت معاونت میباشد بپراهمی عائله

ازدواج و تکثیر عائله

در جوانی نتایج و برکاتش معلوم نیست ولی بعدها انسان میبیند عائله ئی تشکیل نموده خیلی متلاذ مشود و محظوظ ، دیگر آنکه تأهل برای انسان حصنی میگردد که از هوس و هوی مصون میماند و محفوظ . سبب عفت و عصمت انسان مشود چه عند الله امری اعظم از عصمت و عفت نیست این اعظم مقامات عالم انسانی است و از خصائص این خلقت رحمانی و دون آن از مقتضیات عالم حیوانی لهذا تأهل بسیار مبارک است و عند الله مقبول پس این وصلت شما مبارک و میمون و انشا الله سبب تشکیل عائله مبارکی گردد .

جمعیع شرایع الهیه یکی از طرق شناسائی خداوند خالق کل را وجود خلق شمرده و آنرا محل ظهور اسماء و صفات الهی دانسته اند بدیهی است بقای خلق موکول بازدواج است باینجهت اجرای این امر مهم حیاتی را تأیید فرموده اند .

حضرت بهاء الله در لوح مبارک خطاب به ناپلئون سوم با کلمات مهیمن خود مردمان را باجرای امر حیاتی ازدواج دلالت و ضمناً از آنکه پیشوایان مسیحی امر ازدواج را بر خود حرام نموده اند مورد ملامت قرار داده و علت حقیقی عدم ازدواج حضرت مسیح را بیان میفرمایند : " من جاور الْبَيْتِ أَنَّهُ كَالْمِيتَ يَنْبُغِي لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَظْهُرَ مِنْهُ مَا يَنْتَفِعُ بِهِ الْعِبَادُ وَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ ثُمَرٌ يَنْبُغِي لِلنَّارِ كَذَلِكَ يَعْظُمُ رَبُّكُمْ أَنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ تَزَوَّجُوا لِيَقُومُ بِعَدْكُمْ أَحَدٌ

حضرت بهاء الله در کتاب اقدس میفرمایند : " تزویجوا یا قوم لیظهر منکم من یذکرنی بین عبادی هذا من امری علیکم اتخذوه لانفسکم معیناً " مفاد بیان میارک اینست : ازدواج کنید ای قوم تا از شما ظاهر شود کسیکه مرا یاد کند در بین بندگان من این فرمان من است بر شما آنرا برای خود یار و کمک بگیرید .

مسئله ازدواج یکی از مسائل مهمه هیئت اجتماعیه بشریه است که بر اساس خلقت و فطرت استوار گردیده و تمام موجودات زنده براهنمایی این غریزه طبیعی از این رویه و قانون عمومی پیروی نموده و سبب بقای نوع خود میگردد . بشر که از جهت قوای فکریه بر سایر موجودات برتری یافته و به نیروی علم و دانش خود مقام انسانیت را اعلی مقامات معرفی نموده است در اثر راهنمایی و هدایت انبیای الهی اجرای این امر طبیعی را با قوانین و نظاماتی مجری داشته که از ضرور زیانهای هوی و هوس و انحرافات اخلاقی و هرج و مرج که از مقتضیات غرائز حیوانی است مصون و محفوظ مانده و شجره وجود را باشمار نیکو و لذت بخش و تشکیل عائله و ایجاد کانون مهر و محبت خانواده بارور و با شکوه تر نموده است .

از بیانات شفاهی مبارک حضرت عبدالبهاء در سفرنامه اروپا مذکور است بدو نفر که قصد عروسی داشتند فرمودند : " تأهل بمحض شریعة الله لازم است لهذا خیلی مبارک است .

جامعهٔ بهائی در پرتو انوار تعلیمات عالیه حضرت بهاء‌الله بحقیقت معنی ازدواج ناظرند نه بعنایین ظاهره آن و همواره بشیون اخلاقی و ایمانی و پاکیزگی و طهارت قلب و آراستگی بعلم و هنر توجه داشته و آنرا مقدم بر تظاهرات و تجملات مادی میدانند زیرا بخوبی دریافته اند که سعادت طرفین در ظل ایمان و اخلاق و رفتار پسندیده است و آراستگی بزینت علم و کمال است نه به ثروت و مال.

ازدواج در امر بهائی فی الحقیقۃ شرکت در زندگانی است که طرفین در جمیع مراحل و شئون آن بمقدرات یکدیگر علاوه مند بوده و با کمک و مساعدت و مشورت بر مشکلات زندگانی فائق آیند.

حضرت عبدالبهاء در لوحی چنین میفرمایند: "ای دو مؤمن بالله خداوند بیمائد زن و مرد را آفریده که با یکدیگر در نهایت الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم یک جان داشته باشند زن و مرد دو رفیق ایس هستند که باید در غم یکدیگر باشند چون چنین باشد در نهایت خوشی و شادمانی و آسایش دل و جان در اینجهان زندگانی کنند و در ملکوت آسمانی مظهر الطاف الهی گردند والا در غایمت تلخی عمر بسر برند و هر دم آرزوی مردن نمایند و در جهان آسمانی نیز شرمسار باشند پس بکوشید که با یکدیگر مانند دو کبوتر در آشیان آمیزش دل و جان نمائید اینست خوشبختی در دو جهان. عبدالبهاء عبا من"

در این مورد که این موضوع اساسی و حیاتی محل بحث است باید متذکر شد که پس از آنکه جوانان با رعایت قام شرایط مناسب سنی و اخلاقی با یکدیگر ازدواج نموده و کانون محبتی ایجاد نمودند نباید بگذارند این رشته محبت

مقامکم اقاً منعنامک عن الخیانة لا عمماً تظیر به الامانة الخذتم احصول افسکم و نبدتم اصول الله ورائهم اتفوالله و لاتكونوا من الجاهلين. لولا الانسان من يذكرني في ارضي و كيف تظهر صفاتي و اسمائي تفكروا و لاتكونوا من الذين احتجبوا و كانوا من الرافقين ان الذي ما تزوج ما وجد مقرأً ليسكن فيه او يضع رأسه عليه بما اكتسبت ايدي الخائنين ليس قديس نفسه بما عرفتم و عندكم من الاوهام بل بما عندنا استلوا لتعرفوا مقامه الذي كان مقدساً عن ظنون من على الارض كلها طوبى للعارفين * مضمون بيان مبارك این است کسیکه خانه نشین شده و از مردم دوری اختیار کند او مانند مرده است. برای انسان سزاوار است که از او ظاهر شود آنچه نفعش به بندگان خدا میرسد و کسیکه ثمر و فایده ئی ندارد سزاوار آتش است این چنین پند می دهد شما را پروردگاریان که عزیز و کریم است . ازدواج کنید تا جانشین برای شما بوجود بیاید ما شما را از خیانت منع کردیم نه از عملی که امانت ظاهر شود آیا اصول هوای نفسانی را گرفته اید و احصول الهی را پشت سر انداخته اید؟ بپرهیزید از خدا از ندادان نباشید اگر انسان نباشد کی مرا ذکر کند در زمین من و چگونه اسماء و صفات من ظاهر شود و فکر کنید و نباشید از کسانیکه در خواب غلت باقی مانده اند. ان کسیکه ازدواج ننمود(حضرت مسیح) محلی را نیافت تا در آنجا سکونت اختیار کند و سرش را بر آن بگذارد بواسطه اعمال و رفتار مخالفین و خائنین قدیس نفس او برای آنچه که شما دانسته اید نیست و آنچه نزد شما است اوهام است بلکه قدیس او بآن چیزی است که نزد ما است سؤال کنید تا بشناسید مقامش را که مقدس است از تصورات تمام مردم خوشا بحال شناسندگان.

حضرت عبدالبهاء در یک لوحی خطاب بیکی از اماء الرحمن میفرمایند: " ای کنیز عزیز الهی نامهات رسید و مضمون معلوم گردید در میان خلق ازدواج عبارت از ارتباط جسمانیست و این اتحاد و اتفاق موقت است زیرا فرقت جسمانی عاقبت مقرر و محظوم است ولیکن ازدواج اهل بها باید ارتباط جسمانی و روحانی هردو باشد زیرا هر دو سرمست یک جامند و منجدب بیک طلعت بیمثال زنده بیک روحند و روشن از یک انوار این روابط روحانیه است و اتحاد ابدیست و همچنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم متین دارد ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیثیت روح و جسم هر دو باشد آن وحدت حقیقی است لهذا ابدیست اما اگر اتحاد مجرد از حیثیت جسم باشد البته موقت است و عاقبت مفارقت محقق پس باید اهل بها چون رابطه ازدواج در میان آید اتحاد حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماع روحانی و جسمانی باشد تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت ابدی گردد زیرا این وحدت حقیقی جلوئی از نور محبت الله است و همچنین اگر نفوosi مؤمن حقیقی شوند ارتباط روحانی یابند و مظہر محبت روحانی گردند کل سرمست جام محبت الله شوند البته آن اتحاد و ارتباط نیز ابدیست یعنی نفوosi که از خود بگذرند از نقاوص عالم بشری تجرد یابند و از قیود ناسوqi منصرف گردند البته پرتو انوار وحدت الهی بتا بد و جمیع در عالم ابدی وحدت حقیقی یابند. و علیک التحية و الثناء.

عبدالبهاء عباس *



گسیخته شده و زندگانی آنها از هم پاشیده شده و احیاناً خدای ناخواسته بجدائی و طلاق منجر گردد. حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند: "إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْوَصْلَ وَالْوَفَاقَ وَإِنَّمَا الْفَضْلَ وَالْطَّلاقَ عَاشُرُوا يَا قَوْمَ بَالرُّوحِ وَالرِّيحَانِ لِعُمُرِي سَيِّفِنِي مِنْ فِي الْمُمْكِنِ وَمَا يَبْقَى هُوَ الْعَمَلُ الطَّيِّبُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى مَا أَقُولُ شَهِيدًا"

بدترین حادثه زندگانی زناشوئی مسئله طلاق و جدائی است زیرا نه تنها اثرات شوم و عاقبت سوء آن دامنگیر طرفین میشود بلکه بنیان اتحاد و اتفاق دو عائله و فامیل را هم که در نتیجه این ازدواج بهم نزدیک و پیوستگی پیدا کرده اند متزلزل نموده و چه بسا که اقوام و بستگان طرفین قلوب آنها که منبع کمال و محبت بوده برنج و ملال مبتلا نماید مهمترین مسئله ئی که در حفظ و بقای سعادت و خوشبختی خانواده جدید التأسیس مؤثر است حسن تشخیص طرفین است که پس از ازدواج بدائلند که وارد در یک مرحله جدیدی از حیات و زندگی شده اند و حالت و وضعیت امروز آنها بهیچوجه شباهتی با اوضاع و احوال دیروزشان ندارد اگر دیروز در تنهائی و استقلال کامل بیهد و حصر بسر میبردند امروز دیگر تنها نیستند و شریکی دارند و باید با شرکت و معااضدت و همفکری یکدیگر حیات جدید خود را اداره نمایند و هر دو برای تشکیل خانواده مسئولیت مشترکی دارند. بنابراین هردو طرف باستی برای آنکه در محیط زندگانی آنها سعادت واقعی و حقیقی بوجود دهند از یک قسمت از آن استقلال رأی و اراده و عملی که قبلًا داشته اند بفع این زندگی جدید فداکاری نموده در گذرند تا بجای آن استقلال مطلق که احیاناً گاهی بخود خواهی و خودپسندی نیز منجر میگردید روح تعاون و تعاضد و اشتراک مساعی در کلیه افکار و اعمال آنها جریان و سریان باید.

خبر و پیشگفتاری امریکا

در پرما Burma آسیای جنوبی هزار نفر از احباب در انجمن حضور داشتند.

در بوتسوانا Botswana نمایندگان یک ناحیه دو عدد گوسفند بعنوان تبرع به صندوق تقدیم کردند. انجمن شور ملی بهائی در هندوستان تصمیم محفل روحانی ملی را دائیر بر از بین بردن بی سوادی تأیید کرده آن را هدف عمدۀ نقشه شش ساله قرار داد.

در هنگ کنگ سال جاری برای اولین بار تمام جلسات به زبان چینی محلی Cantonese بود و مذکرات همزمان بزبان های دیگر ترجمه نمیشد. در هاوائی یک ویدیو از "سفر و عده صلح جهانی" نشان داده شد که عبارتست از سفری که در ماه دسامبر ۱۹۸۹ چهل و دو (۴۲) جوان هاوائی و دیگران تحت اشراف "سفرای بین المللی جوانان" به روسیه شوروی رفتند.

انجمن مطالعات بهائی در کشور استرالیا نهمین جلسه سالیانه انجمن استرالیائی برای مطالعات بهائی از ۱۳ تا ۱۶ اپریل در بندر پرت Perth منعقد گردید چند نفر از بهائیان که ساقمه دانشگاهی و علمی داشتند در یک مجلس مذکره دوستانه Symposium صحبت کردند. قسمتی از برنامه که تازگی داشت کنفرانسی بزبان فارسی در یک نصف روز بود.

جامعه بهائی در مکی از بلاد بنگلادش روز پهداشت جهانی را جشن میگیرد بهائیان هشتم اپریل را بعنوان روز پهداشت جهانی در بنگلادش جشن گرفتند. نماینده سازمان پهداشت جهانی از مساعی جامعه بهائی

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی شماره ۲۲۳ - ۱۵ ماه می ۱۹۹۰ انجمن های شور روحانی ملی در سراسر عالم پیام رضوان معهد عظمی را جواب میگویند

یکی بعد از دیگری راپورت های انجمن های شور روحانی ملی به مرکز جهانی امر میرسد تمام حاکی است از موفقیت هیجان بخش اقبال دسته جمعی فوส با مر در نقاط مختلفه عالم و فرصت های جدید برای امر بهائی در ممالک شرقی اروپا و روسیه شوروی. دسته هایی از یاران تعهد میکنند وقت و قوت و مایملک خود را وقف نقشه های تبلیغی کنند. در حمایت از نقشه های ساختمان قوس در جبل کرمل تبرعات دوستان قابل ملاحظه است.

حضرات ایادی امرالله دکتر علی محمد ورقا و ویلیام سیرز و کالیس فدرستون بترتیب در انجمن های شور روحانی ملی کانادا و ایالات متحده امریکا و استرالیا حضور یافتند. در انجمن شور روحانی امریکا به عضو سابق بیت العدل اعظم دیوید هافمن David Hofman خوش آمد گفتند.

در آلمان از آقای فریبرز صهبا دعوت شد راجع به نقشه های ساختمانی جبل کرمل برای نماینده کان نطق کند راپورت واصله از جزائر کالدونیا جدید New Caledonia و دو جزیره دیگر در اقیانوس کبیر حاکی است که ۲/۱ در صد (۲/۵٪) جمعیت بهائی هستند. در مجمع الجزایر کیریباتی (اقیانوس کبیر) اخبار انجمن بهائی در رادیو و تلویزیون بخش شد.

بوداپست از نو تشکیل میشود در بوداپست پایتخت کشور مجارستان همزمان با جشن رضوان محفل روحانی محلی از نو تشکیل میگردد. بموجب راپورت محفل روحانی ملی اطربیش که ۲۴ آپریل بارض اقدس واصل شده با حضور مشاور قاره‌ای اورسولا Ursula Muhlschlegel انتخاب اعضاء محفل روحانی ملی سال جاری را شادمان ترین رضوان برای دوستان نمود جمعی شامل پنجاه تن مؤمنین مجازی و مهمان های اطربیشی در موقع انتخاب حاضر بودند. دوستان با مسیرت تمام بیاد ایام تاریخی سفر حضرت مولی الوری جلسه انتخابات را در مکانی نزدیک محل تشریف بساحت انور حضرت عبدالبهار انتخاب نمودند. همچنین مساعی جمیله مبلغین سیّار و مؤمنین اولیه مجارستان را که منجر به انتخاب اولین محفل روحانی محلی در ۱۹۲۹ شد بعاظر آوردند.

با تشکیل مجده محفل روحانی محلی بعد از چندین سال نا امیدی قلوب یاران مملو از تشکر و امتنان بدرگاه خداوند عزیز منان گردید. این راپورت از محفل روحانی ملی اطربیش ۲۴ آپریل بارض اقدس واصل شده.

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۲۲۴ - ۳۱ ماه می ۱۹۹۰
مرقد مطهر حضرت ولی امرالله یک • مبلغ صامت • Silent Teacher مسافرین بهائی در لندن غالباً بزیارت مرقد ولی امر محبوب شوقی افندی میروند و بتلاوت دعا و مناجات می پردازند. علاوه بر بهائیان بعضی نفوس هستند که بدلاً از خودشان آن مرقد مطهر را زیارت میکنند بطوریکه مرقد مطهر حضرت ولی امرالله یک مبلغ صامت شده است. اغلب دیده میشود افراد غیر بهائی بر سر مرقد دعا میخواهند بعضی همراه خویشان بهائی که مسافر

که بین مردم توجه به بهداشت را ایجاد کرده اند تقدیر نمود. یک روزنامه معروف بنگلادش بزیان انگلیسی که خواننده بسیار دارد اخبار مربوط به جشن بهائی را در شماره ۸ آپریل درج کرد. بعداً نماینده سازمان بهداشت جهانی اظهار داشت که بینهایت تحت تأثیر تعالیم آئین بهائی راجع به بهداشت قرار گرفته و بخصوص این فکر را پسندیده که سلامت برای آنکه انسان توافقی خدمت به نوع بشر داشته باشد خوش آیند درگاه الهی است.
(این راپورت از محفل روحانی ملی ۳۰ آپریل بارض اقدس واصل شده است)

در جامعه بهائی آدیس آبابا (اتیوپی) بنحوی حیرت انگیز هدف نقشه شش ساله تحقق می یابد طبق راپورت محفل روحانی ملی که ۲۲ آپریل بارض اقدس واصل شده اخیراً بفرمان حکومت، شهر آدیس آبابا به محله های مختلف تقسیم شده که هرکدام شهرداری جداگانه دارد. بنابراین یک محفل روحانی محلی که قبلاً وجود داشت بموجب نظم اداری بهائی اکنون دوازده محفل جدید جای آن را میگیرد. در رضوان سال جاری هشت محفل انتخاب و تشکیل گردید. و نکته قابل توجه اینست که در یکی از محافل روحانی جدید پنج تن از نسوان بعضویت انتخاب شده اند.

دو مؤمن جدید با مر مبارک در کشور فرانسه از ۱۳ تا ۱۶ آپریل در سنت مالو Saint Malo بندری در شمال غربی فرانسه بهائیان شش نفر را از گرنسی Guernsey و چهار نفر را از وایت Wight دو جزیره در ترمه مابین انگلیس و فرانسه بعنوان مهمان در کنفرانسی مربوط به اصل " وحدت در کثرت " Unity in Diversity خوش آمد گفتند.

در کشور مجارستان محفل روحانی محلی

سفر تبلیغی یک مبلغ سیار بهائی در جزائر اقیانوسیه یک مبلغ سیار بهائی که نامش میس هلن پرکینس Miss Helen Perkins میباشد از ۲ فوریه تا ۴ مارچ به کالدونیای جدید New Caledonia و جزائر مجاور در اقیانوس کبیر سفر کرده کلاس هائی در احکام و قوانین امر بهائی و نظم اداری و تغییر حالت روحانی دائر نمود و عقیده بهائی را راجع به جادو گری توضیح داد.

در جزیره وانواتو Vanuatu که تمام اهالی قریه بهائی هستند فصل بارانی و اجتماع دوستان مشکل بود ولی خانم پرکینس در هتل محل اقامت خود امرالله را به مسافرین اعلام داشت و بالاخره موفق شد به چند قریه برود. یک روز در قریه لناکل Lenakel به حظیر القدس بهائی رفت که سالن بزرگی دارد و مورد استفاده کارکنان یونیسف Unicef (صندوق سازمان ملل متعدد برای اطفال) و مأمورین سازمان بهداشت جهانی و کارمندان دولتی و دیگران که برای مذاکره با روستائیان راجع بموضع های مختلف میآیند قرار گرفته است. هنگام توقف در جزیره وانواتو خانم پرکینس توانست با زوجه رئیس ایالت ملاقات کند که زن رئوف و مهربانی است و برای سازمان بهداشت جهانی کار میکند و نسبت با مر بهائی علاقه مند و طرفدار میباشد.

نوازندگان الودیتو کانتا در کشور چین
بتاریخ ۳ آپریل گروه نوازندگان الونیتو کانتا از مغولستان به تیانجین Tianjin که بندری است از جنوب چین وارد شدند. ابوین یکی از نوازندگان که در آن شهر معلم زبان انگلیسی هستند با کمک دوستان چینی توافق نمودند قبل از وقت با اولیای امور تماس گرفته ترتیب اجرای کنسرت را بدهند. یازده (۱۱) آپریل کنسرت اول در سالن هنرستان موسیقی تیانجین برای

لندن هستند میآیند ولی همیشه اینطور نیست یک خانم افريقائی که بهائی نیست هفته ای یک بار بزیارت مرقد می آید. گل و گیاه میآورد و قریب نیمساعت توقف کرده دعا میخواهد.

اصول بهداشت در افريقا توسط بهائیان انتشار می یابد برنامه ای که در تعلیم اصول بهداشت از طرف بهائیان در آفریقا شروع شده موفقیت قابل ملاحظه حاصل کرده است دو تن از نسوان که در برنامه شرکت داشته اند اخیراً به مرکز جهانی امر آمده مساعی مزبور را مورد بحث قرار داده اند در سال ۱۹۷۷ سازمان World Health Organization با وجود آنکه میلیون ها دلار خرج کرده معدلک بهداشت عمومی بخصوص در ممالک درجه سوم رو بتذمی رفته است. اولیاء امور بفکر افتادند مردم عادی را در بهداشت اولیه و تغذیه و پاسیمان و لزوم مصوّتیت دادن و غیره تعلیم و تربیت نمایند. سازمان ملل متعدد یک عده سازمان های غیر دولتی از جمله جامعه بین المللی بهائی را دعوت نمود که در این اقدام شرکت کنند.

در سال ۱۹۸۵ محافل روحانی ملی در کنیا و سوازیلند از دکتر اتل مارتینز Dr. Ethel Martins یک خانم بهائی که در بهداشت عمومی و طب اجتماعی سابقه داشت خواستند برنامه ای اجرا نماید که در آن چند تن بهائیان که توسط محافل روحانی محلی مربوطه انتخاب گردند تعلیم یافته کارکنان بهداشت اولیه شوند. در کنیا در اولین کلاس بیست و یک (۲۱) نفر شامل سه نفر از یوگاندا Uganda تعلیم یافتند و برنامه بقدرتی مفید بود که جلسات تعلیم هر سال تکرار شده است. در سوازیلند سال اول هشت نفر و بعد از آن هرسال شش یا هشت نفر تعلیم یافتند.

بهائی در آن شرکت داشت. سازمان های مربوطه برنامه را ترتیب داده و قسمت بهائی توسط محفل روحانی محلی در برلن شرقی و مسکو و محفل روحانی ملی (برای پراگ) ترتیب یافته بود. در هر کنسرت و در کنفرانس مطبوعاتی مربوط پان اعلان شد که جامعه بهائی آن را ترتیب داده و تقدیم صلح عمومی و حسن تفاهمن در کره ارض نموده است.

نهم (۹) ماه می در برلن شرقی قریب دو هزار (۲۰۰۰) نفر برای استفاده از موسیقی این هنرمند معروف در سالن بزرگی مجتمع شدند برنامه تحت نظر نخست وزیر آلمان غربی اجرا شد و شهردار شهر دویزبورگ Duisburg یکی از بلاد آلمان غربی نمایندگی او را داشت. روی صحنه دیزی گیلスピی اعلان کرد پیرو آئین بهائی میباشد که هدف آن وحدت نوع بشر است. شهردار دویزبورگ از طرف نخست وزیر حاضرین را خوش آمد گفت و به بهائیان برلن شرقی و غربی اجازه داده شد آثار بهائی را در سالن بمعرض نمایش گذارند. دهم ماه می در Mrs. Raisa Gorbachov دیزی گیلスピی کنسرت داد و روی صحنه از طرف آن خانم دسته گلی به او داده شد. در آنجا نیز سالن مملو از دو هزار نفر شرکت کنندگان بود.

حضور مشاورین قاره ای در کنفرانس ملی جوانان ژاپن طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۹ ماه می بارض اقدس واصل شده کنفرانس ملی جوانان ژاپن هفته اول ماه می در یکی از بلاد منعقد گردید و مشاورین قاره ای روح الله ممتازی و برهان الدین افشین برای هفتاد نفر شرکت کنندگان بیاناتی نمودند. دو جوان که تازه از دارالتعلیم بهائی در هندوستان برگشته بودند حضور داشتند عده کثیری از جوانان تعهد شخصی نمودند به تبلیغ امر همت گماشته اهداف

جمعی قریب هشتصد (۸۰۰) نفر داده شد دو روز بعد برای هزار (۱۰۰۰) نفر کارگران کارخانه ای معروف و روز سوم برای سیصد و پنجاه (۳۵۰) محصل در دانشکده السنّه خارجه یک دانشگاه کنسرت دادند.

۲۱ آپریل روز اول رضوان در قریه ای بالای کوه گروه نوازندها توقف کرده روستاییان ملبس به لباس های سنتی با رقص و موسیقی باستقبالشان آمدند. اجتماع در فضای خارج منعقد گردید اولین دفعه در تاریخ بود که یک گروه امریکائی بدیدن این مردم چینی آمده بود ناهار را با یکدیگر صرف کردند و روستاییان با ترانه‌های باین عبارت از آنان تشکر کردند: "شما از راه دور آمده اید مثل ستاره هائی که از آسمان بدیدن ما بباید". نوازندها گفتند اول رضوان سلطان اعیاد است و معنای آن را توضیح دادند. در قریه دیگر یکی از چینی ها با توجه بنوازندها گفت: "آئین بهاء الله امری است برای حل مسائل امروزه". شخص دیگر گفت: "ما همه یک خانواده هستیم و این ناشی از عقیده بهائیان است". ۲۴ آپریل نوازندها الونیتوکانتا بعد از مختصر توقف برای ملاقات بعضی از بهائیان و دوستانشان به ماکائو Macau بندری در جنوب چین رفتند.

هنرمند معروف بهائی دیزی گیلスピی Dizzy Gillespie در آلمان برنامه اجرا میکند خواننده معروف بهائی دیزی گیلスピی که همیشه بهائی بودن خود را اعلان مینماید از ۹ تا ۱۱ ماه می در برلن شرقی و مسکو و پراک برنامه اجرا کرد و در هر جا قریب دو هزار (۲۰۰۰) نفر شنوندها در سالون نمایش مجتمع بودند. دیزی گیلスピی با پیشنهاد محفل روحانی ملی آلمان موافقت کرده به اروپای شرقی برای شرکت در برنامه تلویزیون رفته بود. عنوان برنامه "هفته یک عالم" One World Week بود و جامعه

رفت و چون به رئوینیون برگشت از او خواستند در تأمین حقوق نسوان در سراسر اقیانوس هند با نماینده ناحیه ای همکاری نماید و برای این منظور با سردبیر یک روزنامه معروف Le Quotidien مصاحبه ای داشت . در فرانسه Francois رئیس جمهور فرانسوی میتراند Mitterand خانم بایچو را به یک مهمانی در قصرالیزه Elysee Palace دعوت کرد که در آن چهارصد و پنجاه (۴۵۰) نفر نسوان نماینده ممالک مختلف مانند افريقيا جنوبی ، هندوستان ، تایلند و غيره حضور داشتند.

مراسم پرده برداری از مجسمه تولستوی در کشور کُستاریکا

یکی از مشاورین قاره‌ای با یک عضو هیئت معاونت و یک عضو محفل روحانی ملی و چند تن احبابی دیگر در مراسم پرده برداری از مجسمه تولستوی که ۱۳ مارچ در دانشگاه صلح کُستاریکا (آمریکای مرکزی) صورت گرفت شرکت نمودند. مراسم تحت اشراف سفارت روسیه برگزار شد و مجسمه تولستوی هدیه‌ای به کُستاریکا بود. در ضمن مراسم بهائیان یک جلد کتاب "تولستوی و آئین بهائی" Leo Tolstoy and the Baha'i Faith به سفیر روسیه تقدیم کردند.

بيانیه صلح بيت العدل اعظم هدیه‌ای برای اهالی پراگ

هنگام سفر اخیر دیزی گیلسپی در اروپای شرقی و روسیه بهائیان پراگ پایتخت چکسلواکی موفق شدند بيانیه صلح را به اهالی پراگ بنحو شایسته‌ای ارائه دهند. دعوتنامه‌های کنسرت دیزی گیلسپی در هتل محل اقامت او مشاهده میشد. در آن عکس مستر گیلسپی را با رئیس جمهور چکسلواکی نشان دادند که معروف این بود که قبل از هنگام سفر رئیس جمهور به ایالات متّحدّه آمریکا بيانیه صلح را با داده بودند. لذا

نقشه شش ساله را تحقق بخشند. تبرّعات به صندوق قوس کرمل نیز تعهد گردید.

اقتساً و ترجمة از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۲۲۵ - ۱۵ ژوئن ۱۹۹۰

در بزریل بهائیان جلب توجه عموم مردم را میکنند طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی بزریل ۱۴ ماه می بارض اقدس واصل شده در رادیو ملی آمازون که صدای آن به نیمی از خطه بزریل میرسد و قریب یک میلیون شنونده دارد. ۱۶ فوریه چهارمین مصاحبه راجع به آئین بهائی پخش شد در نتیجه حظیره القدس ملی بیش از صد نامه دریافت نمود که در آن مردم اطلاع بیشتر راجع بامر بهائی خواسته اند و در اثر مکاتبات بعدی قریب ده نفر مؤمنین جدید در ظل امر وارد شدند.

اقبال نقوس با مر در نامیبیا (کشوری در جنوب افريقا) بموجب راپورتی که از محفل روحانی ملی ۲۷ ماه می بارض اقدس واصل شده در نتیجه یک نقشه تبلیغی تاریخی که از ۲۳ تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۹ در کشور نامیبیا Namibia ناحیه رندو Rundu اجرا گردید بیست و پنج (۲۵) تن ایمان خود را بحضرت بهاء الله اظهار داشتند و ۲۴ سپتامبر اولین محفل روحانی محلی در آن ناحیه انتخاب و تشکیل گردید. در شب ضیافت نوزده روزه غالب مؤمنین جدید حضور داشتند و روح وحدت و یگانگی بشدت وجود داشت .

مهاجر بهائی در اقیانوس هند با دولت همکاری میکند. خانم پگی بایچو Peggy Baichoo مهاجر بهائی در رئوینیون (جزیره ای در اقیانوس هند) بود و ۸ مارچ برای شرکت در مجمع روز بین المللی نسوان International Women's Day

نسوان رفع کرد" و نیز گفت. "زنان قادرند روحیه اجتماع را تغییر دهند" ناطق بهائی اظهار داشت فکر تساوی رجال و نساء بوسیله امر بهائی حاصل شده و ترقی و پیشرفت در قرن بیستم بیشتر مربوط به شرکت نسوان در تعلیم و تربیت و سیاست و امور دیگر میباشد.

اصحابه با دو نفر بهائی در رادیو تلویزیون در آلمان شرقی
فرستنده رادیو ملی جوانان در آلمان شرقی ۶ ژوئن هنگام شب با مشنی محفل روحانی ملی آلمان و یک فرد بهائی از فرانکفورت مصاحبه ای ترتیب داد که در آن بسیاری سوالات راجع با مر بهائی را جواب گفتند این مصاحبه برنامه مخصوصی است در هفته که بطور متوسط سیصد و پنجاه هزار (۳۵۰۰۰) شنونده دارد. در محیطی راحت و بی آلایش اصول عمدہ امر بهاء الله بخصوص آنچه مربوط بوضع کنونی آلمان شرقی است توضیح داده شد.

در جزیره ساخالین تعداد مؤمنین در یکی از بلاد به حد محفل روحانی میرسد.
دو بهائی مهاجر عباس و رضوانیه کتیرائی آخرین هدف از اهداف نقشه دهساله حضرت ولی امر را با اقامت در جزیره ساخالین (جزیره ای در شمال سیبریه) که تحت تسلط روسیه شوروی است تحقق بخشیدند و بدین نحو از فارسان میدان خدمت (Knights of Baha'u'llah) دلاوران بهاء الله محسوب شدند. در ظرف چند هفته در جامعه جدید تعداد دو نفر بهائی به چهار نفر بالا رفت و دیری نگذشت که تعداد به ۹ نیز بالغ گردید و محفل روحانی محلی ، اولین محفل روحانی محلی در جزیره ساخالین در یکی از بلاد تشکیل خواهد شد.



اهمی چکوسلواکی ، پروفسورها ، دکترها ، پرستارها و غیره هرجا پهائیان را می دیدند صمیمانه پذیرائی میکردند و همه با اشتیاق بیانیه صلح را دریافت می نمودند.

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۲۲۶ - ۳۰ ژوئن ۱۹۹۰

انتخاب اولین محفل روحانی محلی در شهر پراگ (پایتخت چکوسلواکی) محفل روحانی ملی اطربیش با مسیرت باطلاع میرساند که نهم ژوئن اولین محفل روحانی محلی در چکوسلواکی در شهر پراگ Prague انتخاب و تشکیل گردید. انتخاب در اطاقی زیبا در یک عمارت جدید صورت گرفت و سی نفر دوستان شاهد این واقعه تاریخی بودند. نماینده هیئت مشاورین قاره ای دکتر فرامرز اتحادیه و اعضاء محفل روحانی ملی اطربیش و لجنه ملی تبلیغ اطربیش و بهائیان چکوسلواکی و مهاجرین و مهمنان از کشورهای دیگر نیز حضور داشتند. قلوب یاران مملو از خاطرات مساعی بهائیان رنجیده قدیمی بود که ثمره آن امروز تحقق یافته است.

این راپورت از محفل روحانی ملی اطربیش ۱۴ ژوئن بارض اقدس واصل شده.

بهائیان کامرون بمناسبت روز بین المللی نسوان احتفال عمومی منعقد میکنند

در کامرون (کشوری در افریقا) هشتم (۸) مارچ روز بین المللی نسوان بود و بهائیان بافتخار این روز در رادیو برنامه اجرا کرده در حظیره القدس ناحیه‌ای احتفال عمومی دائم کردند. برنامه رادیو راجع به حقوق نسوان پانزده دقیقه صبح زود پخش گردید و هنگام شب چهل و پنج نفر اغلب نسوان در احتفال عمومی حضور یافتدند ناطق مهمان در نقط خود گفت : " چون تعداد نساء بیش از رجال است بیکار بودن آنان قوه تولید جامعه را کم میکند و این نقص را میتوان با تعلیم و تربیت

أخبار مصور



ایادی امرالله امّة البهاء، روحّه خاتم هنکام یک ملاقات غیر رسمي با پرزیدنت آرزا تین دکتر کارلوس ینم در ۲۶ فوریه ۱۹۹۰ . این ملاقات هنکام شرکت حضرت خاتم در کنفرانس بین المللی "متعدد نمودن قاره‌ای امریکا" که پمناسیت پنجاه‌مین سال صعود ایادی امرالله خاتم می مکسول مادر روحّه خاتم منعقد گردیده بود صورت گرفت.



ایادی عزیز امرالله جناب علی اکبر فروتن در این عکس به اتفاق خانواده مختلف در شهر دوشلبه در روسمه شوروی دیده می شوند. مسافرت جناب فروتن به روسمه از ۱۶ - مارچ تا ۳۰ آبریل به طول انجامید.

گروهی از جوانان بهائی که در سه هزارم محظ زیست در لندن آکادمی در تاریخ ۱۳ - ۱۹ اپریل شرکت نموده بودند. عنوان سه هزارم "حافظت از محظ زیست، حفاظت یک حق مادر زادی است" انتخاب شده بود.



اولین کنفرانس ملی بهائی که پس از ۶۰ سال در روسیه شوروی منعقد گردید. این کنفرانس در ۲۴ و ۲۵ فوریه ۱۹۹۰ در فزدیکی سکو تشکیل گردید.

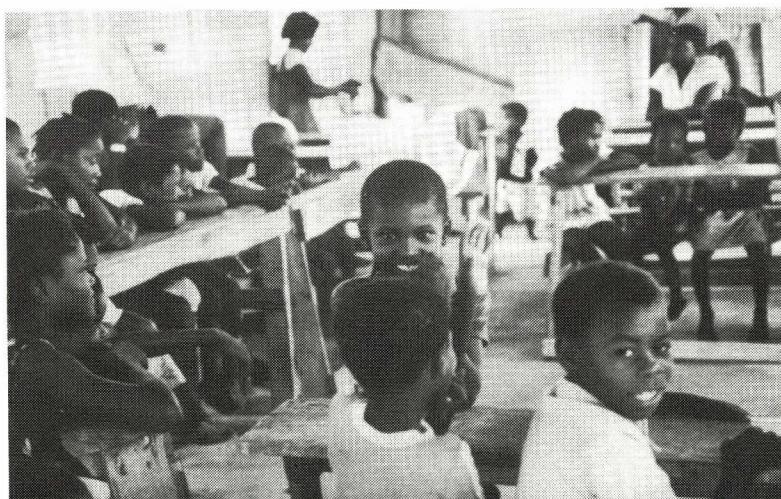
جمعیت باران در مدرسه تاپستانه من (Man) واقع در سواحل عاج که در دسامبر ۸۹ تشکیل گردید. بیش از ۱۵۰ نفر از احباب از ۲۱ نقطه مختلف در این مدرسه شرکت کردند. بعضی از شرکت کنندگان مسافاتی معادل ۳۰ کیلومتر پیاده مسافت نموده بودند.



در طرف چپ این عکس جناب عباس کتیرائی مهاجر چندین ساله و عضو قبلی محل ملی زاہن که به اتفاق همسر خود سرکار رضوانیه خانم در تاریخ ۲۴ مارچ وارد ساخالین شده و ابوب این جزیره را به امر بمارک مفتوح خواهند نمود دیده می شوند. از آنجائیکه جزیره ساخالین آخرین هدف باقیمانده نقشهٔ جهاد کبیر اکبر بوده، جناب کتیرائی و خانم جزو فارسین قلمداد می گردند. در این عکس جناب کتیرائی با پرشان جناب فواد کتیرائی (با عنینک آفتابی و کلاه) و دو نفر دیگر دیده میشوند. بازار شهر یوزنو ساخالینسک (Yuzhno-Sakhalinsk) نهض در پشت عکس بنظر می رسد.



خانم ماسایا، نماینده منطقه‌ای مبالغه در پارلمان هنگام اشاره کردن به یکی از اشیاء که در غرفه بهایی بمناسبت روز بین المللی زنان در ۸ مارچ در شهر مبالغه در یوگاندا به معرض نمایش گذارده شده بود دیده میشوند.



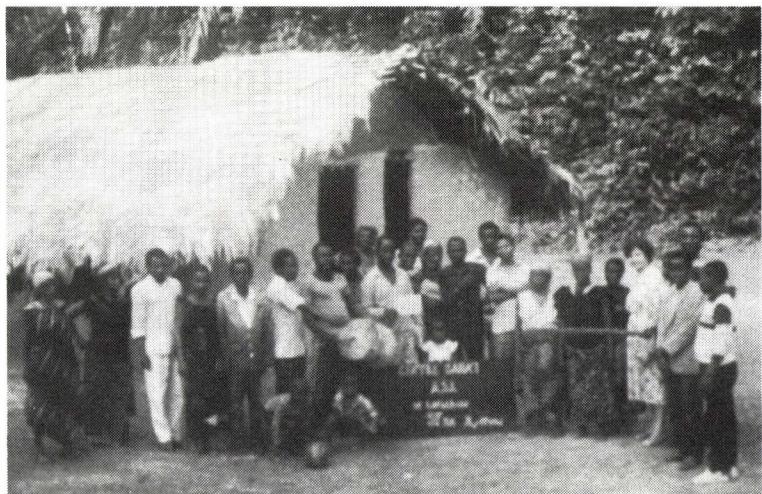
در این عکس یکی از کلاس‌های اطفال که در دهکده آنسه آماکن Anse-a-Macon در جزیره کی مایت ترتیب داده شده دیده می شود. یک هیئت چهار نفره تبلیغی در نوامبر ۸۹ به این جزیره مسافرت کرده و امهدوارند که عنقریب ۱۲ هزار ساکنین این جزیره را در زیر لوای امر بمارک در آورند.

جان پیرکس (دیزی گولسی) در کشور روسیه در حال نواختن ترمهٔت در کنسرت دهم ماه می در عکس دیده می‌شود. دیدار ایشان از روسیه قسمتی از برنامه مطبوعاتی اروپا "هفته وحدت عالم" بود. کنسرت ایشان تحت نظر سرکار خالم رئیسا گورهاچوف انجام پذیرفت.



در این عکس یک همیشة ۴ نفره تبلیغی هنگام ورود به جزیره‌گی ماهیتی (Cayemite) در فردیکی هائیتی (Haiti) مشاهده می‌شود. در اوایل سال ۱۹۸۹ می‌بینیم از ۱۲ هزار نفر ساکنین این جزیره به همت مشاور فارماں سرکار خالم روت پرینکل (Ruth Pringle) با امر مبارک آشنا شدند. ۶۰ نفر ساکنیان جزیره که پلاقالسله امر مبارک را قبول نمودند اعلان نمودند که عنقریب کلیه ساکنین جزیره به امر مبارک ایمان خواهند آورد.

تجمع یاران در حظیره القدس دهکده باقیها بولا (Batiabola) در هات زعیر (Haut-Zaire) فردیک کیزانجانی (Kisanjani) طرق دستیابی به این دهکده فوق العاده صعب العبور و دشوار بوده ولی اهالی دهکده با آغوش باز آماده پذیرایی امر مبارک هستند.





‘ANDALÍB

